

سازمان پژوهش و فناوری  
دانشگاه فرهنگیان  
پژوهشگاه آموزش و پرورش



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزش و پرورش  
دوره سی و ششم - فروردین ۱۳۹۷ - شماره پی‌درپی ۱۳۰ - ۴۶ صفحه - ۱۱۰۰۰ ریال



# نیاز، عامل رشد



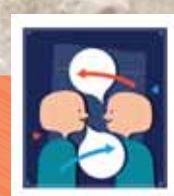
ویژه‌نامه  
شماره سوم  
خراسان جنوبی



سریا زی که  
به خانه بازگشت



عملکرد آموزش و پرورش  
از سایر نهادهای اجتماعی  
بهتر است

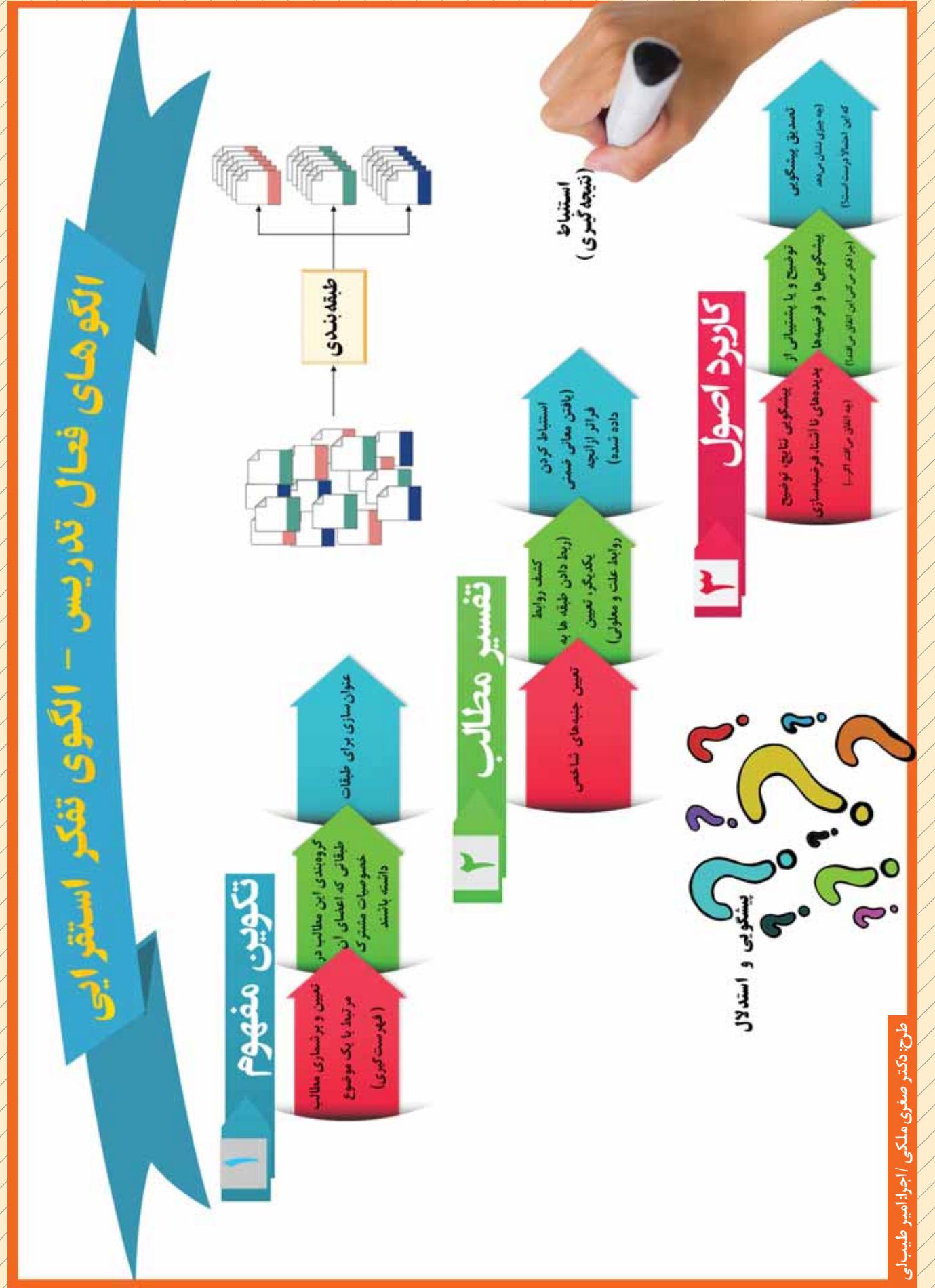


معلم در مقام دانش آموز



آن یک نفر من بودم

# مدرسه به روایت شاهد عینی



شیما هلاکو / گلستان / مینو دشت / نهمین دوره جشنواره عکس رشد



بهرام شمسی‌پور / چهارمحال بختیاری / شهرکرد / نهمین دوره جشنواره عکس رشد



احمدرضا کریمی / هشتمین دوره جشنواره عکس رشد

# مدرسه به روایت شاهد عینی



شیما هلاکو / گلستان / مینو دشت / نهمین دوره جشنواره عکس رشد



بهرام شمسی پور / چهارمحال بختیاری / شهرکرد / نهمین دوره جشنواره عکس رشد



احمدرضا کریمی / هشتمین دوره جشنواره عکس رشد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# روش

ماه‌نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
دوره ۷/ شماره ۷/ فروردین ۱۳۹۷

نیاز، عامل رشد / ۲

آن یک نفر من بودم / ۳

یادگیری باز / محمد تابش ۶

دندان فاسد! / هوشنگ شرقی ۹

پای لای در! / فربیا موبیدنیا ۱۰

تربيت، قرياني کنکور / حيدر بايزيدى ۱۱

يادگيري با طعم کاغذ و تا / زهره بحرالعلومي و زهرا مشيرى ۱۲

رشد شناختی و عاطفی / دکتر محمد نبیرو ۱۴

فضای مهآلود ارزشیابی / زینب وکیل ۱۷

در مقام دانش آموز / ايمان دهدشتني نسب ۱۹

شفاف‌سازی قوانین / حسين عاملى ۲۱

شعر ۲۲

عملکرد آموزش و پژوهش از سایر نهادهای اجتماعی بهتر است / نصرالله دادر ۲۴

ظرفیت‌های کارآفرینی مدارس / دکتر امید مهرانی ۲۸

خودآگاهی در باز خورد فرایندی / دکتر نیره شاه محمدی ۳۱

نردهان بازنیشتنی / رویا صدر ۳۲

سربازی که به خانه بازگشت / دینو بوتراتی ۳۴

جشن نوآوری / ۳۷

بازنگری نوشه ما را کامل می‌کند / سیدحسین حسینی نژاد ۴۰

در جستجوی صبح / ۴۲

روزنگار / محمدحسین دیزجی ۴۴

تولد مجلات تخصصی رشد / محمد دشتی ۴۶

در جوانی بازنیشته شویدا / حسين نامی ساعی ۴۸

خراسان جنوبی در یک نگاه / ۵۰

معلم مؤلف کتاب‌های درسی / محمد رضا محمدی ۵۲

مدیریت فرایندهای یادگیری / محمدعلی شاکری ۵۶

باغی پر از گل‌های رنگارنگ / ۵۸

دیگری / زینب وکیل ۶۰

کلاس‌های چندپایه ویژه‌نامه خراسان جنوبی / فرزانه نوراللهی ۶۲

کشوری در کلاس / حسن رضا ترابی ۶۳

شوکتیه مروارید شرق / محمد رضا قاسمی ۶۴

ویژه‌نامه  
شماره سوم  
خراسان  
جنوبی

قابل توجه نویسنده‌گان و مترجمان

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبل از جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باشد. ● مقاله‌هایی که محتواهی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آنها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضع را قید بفرمایید. ● حجم مطالب ارسالی حداقل ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نظر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

وزارت آموزش و پژوهش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی  
شرکت افتخار

مدیر مسئول: محمد ناصری

سدی‌بیبی؛ محمد رضا حاشمی

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی:

سعیده باقری، علی اصغر جعفری‌بیان

نصرا... دادار، بهارک طالب‌لو

اشرف‌السادات فاطمی، لیلی محمد حسین

منصور ملک‌عیاسی، فرزانه نوراللهی

کارشناس بخش شعر؛ سعید بیان‌کی

کارشناس بخش داستان؛ امداد غفارزادگان

کارشناس بخش خاطره؛ سید‌حسین حسینی نژاد

مدیر داخلي؛ شهرلله فهيمي

ویراستار؛ جعفر ريانی

طراح گرافيك؛ سید جعفر ذهنی

ویژه‌نامه خراسان جنوبی؛

دبیر ویژه‌نامه؛ فرزانه نوراللهی

با همکاري؛

مجتبى سلم‌آبادی، فاطمه ملک آبادی زاده، زینب عباسی

محمد رضا محمدی، عفت قاسمی، مریم پور‌غلامی

سعید چاهانی، محمد رضا مودی، محمد حزاعی

محمد رضا قاسمی، فاطمه افشاری، زهرا فورگی نژاد

محمد علی شاکری، حسن ترابی

نشانی دفتر مجله؛

تهران، ابراشهرشمالي، بلوار

صدندوق پستي ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۲

نمبر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

پيامك: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰

roshdmag:

ويبگاه: www.roshdmag.ir

پيام‌نگار: moallem@roshdmag.ir

نشانی امور مشترکين:

تهران، صندوق پستي ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

امور مشترکين:

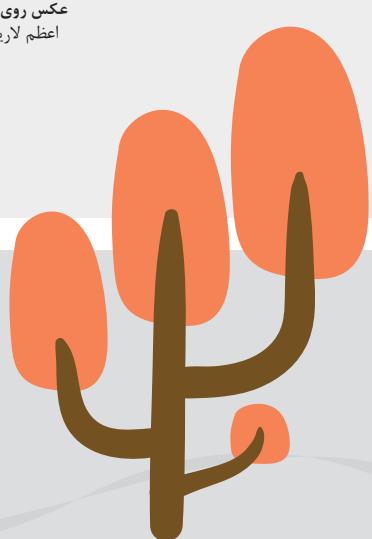
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

فکس: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۲۳

شمارگان: ۳۶۵۰۰ نسخه

عکس روی جلد:

اعظم لاريجاني



# نیاز، عامل رشد



بهارک طالبلو

عضو شورای برنامه‌ریزی مجله رشد معلم

پیشرفت دانش آموزان و عامل اصلی در تغییر آن‌ها هستند، در فرایند کار حرفه‌ای خود نیز نیازمند ایجاد تغییرات آگاهانه و جهت‌دار هستند، به این شرط که چارچوب ذهنی مشتبی برای پذیرا بودن دگرگونی داشته باشند و به این باور برسند که خودشان عامل اصلی تغییر در آموزش هستند.

پس اگر ما معلمان تضمیم داریم به روند رشد دانش آموزان خود کمک کنیم، بهتر است ابتدا پذیرای تغییر در خودمان باشیم. در این صورت شاهد تغییرات مشتبی در اطراف خود و حتی دانش آموزانمان خواهیم برد.

هر زمان که ما به ارزیابی فعالیت‌های خود میدان دهیم و هر روز خود را، در جهت بهبود روند کاری خود، دستخوش تغییرات سازنده کنیم، می‌توانیم تمایلات، دانش و مهارت‌های خود را نیز از حدیک آرزو و خواسته خارج کرده و به حیطه تعهد و عمل درآوریم.

ما باید بین برنامه‌های مدنظر، نیازها و خواسته‌های دانش آموزان از یک سو و انعطاف‌پذیر بودن و پذیرا بودن خودمان تعادلی برقرار کنیم، و البته قبل از آن ذهن خود را از افکار کلیشه‌ای و تکراری پاک سازیم، به عهده گرفتن رهبری کلاس همراه با مشارکت و تعامل می‌تواند کلاس را به سمت تغییر سازنده پیش برد. ما زمانی می‌توانیم چشم‌انداز خود را دگرگون کنیم و شرایط را در روشنایی تازه‌ای بینیم که در فراهم آوردن زمینه تغییری که آرزو داریم در روند کاری خود به وجود آوریم خود آگاهی داشته باشیم و آگاهانه احساس نیاز کنیم. بهار مجالی برای بیدار شدن و کسب معرفت است. هر روز تان بهاری باد!

صدای پای بهار حکایت رویش و زیبایی است. مجالی برای بیدار شدن است. طراوت و زیبایی طبیعت آنچنان دگرگونی و تغییر خود را به نمایش می‌گذارد که بهانه‌ای است برای مردم تا به شکرانه حضور بهار جشنی برپا کنند. همه جا صحبت از نو شدن است و همه با آگاهی کامل به استقبال این تغییر زیبا می‌روند و پاداش تغییرشان کسب رضایت درونی است. سفر تغییر، پایانی ندارد. به گفته دراکر «همه چیز در حال تغییر است الا تغییر»، زیبایی بهار هم ناپایدار است. هر فصل از سال، هر روز و هر لحظه ما در حال تغییر است. گاهی دیده می‌شود و گاهی حتی حس هم نمی‌شود. این به نوع نگاه ما بستگی دارد. آیا می‌خواهیم ما هم از درون تغییر کنیم و به‌سوی بهتر شدن قدم برداریم یا ترجیح می‌دهیم چشمان خود را بیندیم تا روزها و ماهها بگذرند؟ آیا نمی‌شود هر زمان ما بهار باشد؟

بدون شک اولین قدم برای تغییر، احساس نیاز است و همین حس است که فرد را به‌سوی کمال، زیبایی و پیشرفت پیش می‌برد. پذیرا بودن دگرگونی این امکان را به ما می‌دهد تا به جای کورکورانه رد شدن از مسائل، با آمادگی کامل به استقبال تغییر آن‌ها برویم. ریشه هر دگرگونی در اندیشیدن است و نکته مهم در آن، اهمیتی است که یک فرد به امروز خود می‌دهد و از درون پذیرای تغییر می‌شود؛ تغییری همراه با احساس نیاز و تفکر و نه یک اقدام شتاب‌زده و کورکورانه! چنین تغییری موجب تحرک و پویایی است و هدف آن ساختن آینده است.

از آنجا که معلمان از ارکان اصلی و مهم در

# آن یک نفر من بودم

گفت و گو با مهدی نادری،  
آقا معلم خلاق روستا

سیده فاطمه شیری



مهدی نادری را اولین بار در کارگاه تفکر سیستمی دیدم، وقتی به عنوان مهمان در آخرین روز کارگاه حاضر شده بودم، رسم کارگاه این بود که هر روز یک گروه میزبان کارگاه باشد و برای زنگ‌های تفریح با خلاقیت خود، طرحی بریزد. آن روز گروه میزبان از همه افراد خواست فالی از حافظ بگیرند تا مهدی نادری آن را با خط‌زیبایش برایش خوشنویسی کند. من هم که شیفته خوشنویسی هستم، دانستم که نادری معلم کار و فناوری در یکی از روستاهای اطراف ورامین است و خوشنویسی تنها یکی از هنرهای اوست. فال مرا برایم نوشت و گذشت. ولی من اصلاً در خاطر نمانده بود که در آن روز فال یکی دیگر از افراد را دیدم و گفتم چقدر از این بیت حافظ خوشم می‌آید...! تا چند ماه بعد که در همایش اراثه گزارش سالانه گروه آسمان دانشگاه صنعتی شریف، دویاره مهدی نادری را دیدم که آن بیت زیبا را که خوشنویسی کرده بود به من داد و گفت: یادتان هست گفتید از این بیت حافظ خوشتان می‌آید؟ آنجا بود که فهمیدم نادری نه تنها هنرمند خوبی است، که از آن معلم‌هایی است که همه چیز خوب در خاطرش می‌ماند از جمله اینکه هر دانش‌آموز چه گفته و چه خواسته است!

در همین همایش، نادری از کارهایی گفت که در کلاس روستایی و در منطقه‌اش، بر مبنای آموخته‌های خود از کارگاه تفکر سیستمی انجام داده بود. وقتی دکتر مشایخی بعد از گزارش او برای سخنرانی پشت تریبون رفت، بعض گلوبیش را گرفت و از امیدواری اش گفت برای بچه‌ها و مردم آن روستا که چنین معلمی دارند و آینده روشنی را برای ۱۵-۱۰ سال آینده روستا پیش‌بینی کرد.

با مهدی نادری در دفتر مجله رشد معلم به گفت و گونشستیم.

می‌خواهند، این را نزن... گفتم خوب شاید آن یک نفر من باشم! و من بودم.

در کنار معلمی در چه رشته‌ای تحصیل کردید؟  
کارشناسی ارشد اقتصاد خواندم.

حالا کمی از معلمی تان بگویید. کجا تدریس می‌کنید؟ چه درسی می‌دهید؟  
من در قرچک ورامین در یک مدرسه روستایی و مدرساهای شهری درس می‌دهم. طیف درس‌هایی که تدریس

برای شما هست؟  
شاید...

چی شد که معلم شدید؟  
انتخاب رشته دیپری این تضمین را داشت که مشغول به کار می‌شویم. سربازی هم نداشت... در واقع معلمی را انتخاب کردم که در کارش بتوانم ادامه تحصیل هم بدهم. بیشتر دغدغه‌های اجتماعی داشتم. اتفاقاً روزی که می‌خواستم انتخاب رشته کنم با فردی مشورت می‌کردم به من گفت برای قرچک ورامین فقط یک نفر

بچه که بودید دوست داشتید چه کاره شوید؟ آیا اصلاً به معلمی فکر می‌کردید؟  
کلاً شغل خاصی مدنظرم نبود. فقط دوست داشتم کاری کنم که در آن نوآوری باشد. این طور نبود که شیفته معلمی باشم و این شغل بیشتر برایم یک محرك اجتماعی بود.

حالا به نظرتان در معلمی نوآوری هست؟  
می‌تواند باشد.

← کدام منطقه درس خواندید؟  
همین منطقه، الان با بعضی از  
معلم‌های آن زمانم همکارم.

← بچه‌های الان در مقایسه  
با بچه‌های دوره خودتان چه  
ویژگی‌های خاصی دارند و چه  
پیشنهادی دارید برای اینکه بتوان  
با توجه به این ویژگی‌ها با آن‌ها  
ارتباط بهتری برقرار کرد؟  
امروز به بچه‌ها اطلاعات زیادی  
می‌رسد و چیزهایی که زمانی برای  
ما خیلی جذاب بود برای این‌ها دیگر  
لطفی ندارد. من یاد است معلم  
تاریخ ما آنیمیشنی برای ما نشان داد  
که ما کلی ذوق‌زده شدیم. اما الان  
پیشفرته ترین آنیمیشن‌ها را بچه‌ها در  
تلوزیون و تلگرام می‌بینند. ما چون  
خودمان اینجوری یاد گرفته‌ایم فکر  
می‌کنیم آموزش یعنی همین. ما هنوز  
دوست داریم اطلاعات بدھیم ولی او  
دوست ندارد. چون هر اطلاعاتی که  
بخواهد بهتر و در زمان دلخواهش  
می‌تواند به دست بیاورد.

← فکر می‌کنید بچه‌ای که کلاس  
شما را بباید و با شیوه شما، فکر  
کردن را بیاموزد، با بچه دیگری  
که این شرایط را نداشته باشد در  
پایان سال یا بعد از چند سال چه  
تفاوت‌هایی می‌توانند داشته باشند؟  
سؤال سختی است. چون سازوکار  
خیلی پیچیده است. ولی من سعی  
می‌کنم هر چیزی که می‌گویم برایش  
استدلایل بیاورم و روی این خیلی  
تاکید دارم و فکر می‌کنم اگر این  
را یاد بگیرد بیشتر کارهایش درست  
می‌شود.

← اگر می‌توانستید یک  
خصوصیت بچه‌های این نسلی  
را که با آن‌ها کار می‌کنید عوض  
کنید، کدام خصوصیت را عوض  
می‌کردید؟  
به نظر من این بچه‌ها خودشان

اجتماعی دارد. بعد سعی می‌کنیم با  
گفت‌و‌گو متوجه مسائلی که خودشان  
ایجاد کرده‌اند بشوند و برای حل آن‌ها  
تلاش کنند. بعضی از مشکلات را هم  
من کمک می‌کنم تا حل کنند. و مثلاً  
کار و فناوری به کمک می‌آید. مثلاً  
وقتی می‌گویند باعچه خراب است یا  
دیوارهای مدرسه رنگ می‌خواهد یا...  
من هم کمکشان می‌کنم تا مشکل را  
رفع کنند.

برنامه‌ای داشتم که بچه‌ها  
اول بفهمند توانایی‌هایی دارند  
و بعد بفهمند که باید برای آینده  
توانایی‌هایشان را پرورش بدھند.  
اول گفت‌و‌گو کردیم. بعد نرم‌افزار  
ساختن کلیپ را یاد گرفتند و با  
توانایی‌هایشان کلیپ درست کردند و  
به همه نمایش دادند. فعالیت بسیار

یادم است معلم تاریخ ما  
آنیمیشنی برای ما نشان داد  
که ما کلی ذوق‌زده شدیم. اما  
الآن پیشفرته ترین آنیمیشن‌ها  
را بچه‌ها در تلویزیون و تلگرام  
می‌بینند. ما چون خودمان  
اینجوری یاد گرفته‌ایم فکر  
می‌کنیم آموزش یعنی همین.

ساده و خیلی اثرگذاری بود. یکی از  
دانش‌آموزانم به نام سیدمصطفی در  
کلیپش گفته بود که دامداری دارند.  
دامداری کوچکی بود. به او گفتم  
می‌توانیم بباییم بازدید از دامداری  
شما؟ قبول کرد. همه کارها را به  
خودش سپردم و هماهنگ کردیم  
و رفتیم دامداری آن‌ها. اثر خیلی  
خوبی داشت هم روی آن دانش‌آموز  
و هم روی کل کلاس. در کارنامه  
اسفندماه سیدمصطفی شاگرد اول  
کلاس شد. و از نظر روانی خیلی  
روی او اثر داشت.

می‌کنم زیاد است. بیشتر کار و فناوری  
است ولی هنر و ریاضی و زبان و ... همه  
را درس می‌دهم.

← کدام یک از این درس‌ها را  
بیشتر دوست دارید؟

همه این درس‌ها را دوست دارم. وقتی  
خودم دانش‌آموز بودم دوست داشتم  
اگر معلم شدم، معلم ریاضی و فیزیک  
ششم. ولی الان که معلم شدم می‌بینم  
کار و فناوری و هنر را بیشتر دوست  
دارم چون دستم بازتر است و خیلی  
کارها می‌توانم بکنم.

← کمی از مدرس‌ها و  
دانش‌آموزان توان و کارهایی که  
می‌کنید بگویید.

من دو سه سال است که با کارهای  
گروه آسمان دانشگاه صنعتی شریف  
آشنا شده‌ام. قبل از آن هم همیشه  
دوست داشتم کاری کنم که بچه‌ها،  
فکر کردن را یاد بگیرند و در گیرشان  
کنم. گروه آسمان خیلی کمک کرد  
که با بچه‌ها طوری کار کنم که بتوانند  
مسئله پیدا کنند و خودشان حل کنند  
و شیرینی‌اش را بچشند. این طور نباشد  
که مأرایه کننده اطلاعات به آن‌ها  
باشیم. خودشان کشف کنند و هر کس  
به اندازه‌ای که کشف کند یاد بگیرد.

← این اتفاق در درس کار و  
فناوری و هنر چطور می‌افتد؟ مگر  
این‌ها درس تفکر است؟

به نظر من همه این‌ها وسیله‌اند. چه  
ریاضی و چه زبان، چه هنر و ...  
مثلاً به آن‌ها می‌گوییم در مدرسه چه  
مشکلاتی دارید؟ لیست مشکلات را در  
می‌آورند. حالا برای این‌ها می‌خواهید  
راه حل پیدا کنید. شما چه کاری  
می‌توانید انجام دهید؟ بعد می‌بینند  
۷۰درصد مشکلاتی را که وجود دارد  
خودشان درست کرده‌اند. می‌رسند  
به اینکه خودشان، عامل هستند و  
خودشان باعث این مشکلات شده‌اند.  
این چیز ساده‌ای است اما منفعت



کلاس. می‌بینم کتاب چه گفته و من در ذهنم چه چیزهایی هست. یک چیزهای کلی در ذهنم هست. بعد می‌روم سر کلاس می‌بینم بچه‌ها چطورند، حال من چطور است. وقتی می‌روم سر کلاس یک چیزی از آب در می‌آید. مثلاً کتابی خوانده‌ام... بعضی از درس‌های کاروفناوری را تا آخر اصلاح‌نمی‌دهم؛ چون با شرایط و فضای بچه‌ها اصلاً جور نیست. مثلاً درس هدف‌گذاری را که می‌دادم یک دفعه آخر جلسه بچه‌ها سؤالی پرسیدند که خودش سرآغاز یک بحث شد. بعد باعث شد من دکتر مشایخی را به ایشان معرفی کرم و از تجربه خودم که پیشنهاد مصرف مواد مخدر بهم شده بود برایشان گفتم که اگر من این راه را می‌رفتم چه می‌شدم و به کجا می‌رسیدم. برایشان دو تا ظرف کشیدم و گفتم آدم می‌تواند انتخاب کند یک فرد معتاد و سریار اجتماعی باشد یا یک شخصیت بر جسته علمی. شما باید تصمیمان را بگیرید و هدفتان را مشخص کنید. من که معلم‌مان هستم چندین بار موقعیت انتخاب مسیر نادرست برایم پیش آمده که اگر انتخاب کرده بودم مسیر زندگی‌ام چیز دیگری بود. بعد که ازشان خواسته بودم درباره موضوعی پاورپوینت درست کنند بی‌آنکه من بگویم رفته بودند از دکتر مشایخی و پروفسور حسابی و شهید چمران و... پاورپوینت درست کرده بودند. حالا ما گاهی خودمان را به در و دیوار می‌زنیم که برای بچه‌ها الگوسازی کنیم این‌ها خودشان رفته بودند دنبال الگو... یا اینکه برای الگوی مسیر زندگی سر کلاس چیزهایی درباره ظرف‌های زندگی و... گفتم. بعد گفتم روی کاغذی ظرف‌های این را بنویسید. بعد دیدم می‌شود درباره ورودی‌ها و خروجی‌هایش صحبت کرد و بعد کم کم جلو رفتم و دیدم می‌شود با بچه‌ها درباره این موضوع گفت و گو کرد در حالی که از اول چیزی را قصد نکرده بودم.

**گاهی صبح در دانشگاه و**  
کلاس کارشناسی ارشد  
چیزی را یاد گرفته‌ام و  
عصر همان روز آمدۀام  
در مدرسه و برای بچه‌ها  
گفته‌ام و می‌بینم چقدر  
خوب می‌فهمند

خودتان نمره بدھید چند می‌دهید؟  
با معیارهای خودم از ۱۰ حدود ۳ تا ۴  
می‌دهم. برای اینکه وقت زیادی نمی‌گذارم.  
کارهایی که خودم بیشتر دوست دارم انجام  
می‌دهم. این طور نیست که چیزی آماده  
کنم و بروم سر کلاس. گاهی چیزی پس  
ذهنم هست و تا پشت در کلاس هم برایش  
برنامه‌ای ندارم. می‌روم داخل کلاس و اتفاق  
دیگری می‌افتد.

**درباره این روشنان توضیح  
می‌دهید؟**  
من مثلاً قرار است هفته بعد بروم سر

مشکلی ندارند. شاید معلم‌هایشان را  
عضو می‌کردم!

**اگر بخواهید یک ویژگی از  
این نسل را حتماً حفظ کنید که  
به نسل بعد برسد کدام ویژگی را  
ترجیح می‌دهید؟**

خیلی چاک هستند. حواسشان خیلی جمع است. مثلاً وقتی در جمیع بچه‌های کلاس ششم بخشی شروع می‌کنیم آنقدر حرف‌های جالبی می‌زنند که تعجب می‌کنید. گفت و گوهای خوبی شکل می‌گیرد. مثلاً از هدفمندی یارانه‌ها که برایشان می‌گویند، آنقدر سؤال‌های دقیق و جالبی می‌پرسند که من لذت می‌برم. این‌ها حواسشان جمع است. ما نابودشان می‌کنیم. من شده گاهی صبح در دانشگاه و کلاس کارشناسی ارشد چیزی را یاد گرفته‌ام و عصر همان روز آمدۀام در مدرسه و برای بچه‌ها گفته‌ام و می‌بینم چقدر خوب می‌فهمند. گاهی این دانش‌آموزان سؤالی را می‌پرسند که سر کلاس کارشناسی ارشد به فکر هیچ کس نرسیده و نپرسیده است.

**اگر بخواهید به معلمی**

# یادگیری باز ↪

محمد تابش

طرح و پژوهشگر در حوزه معماری مدارس



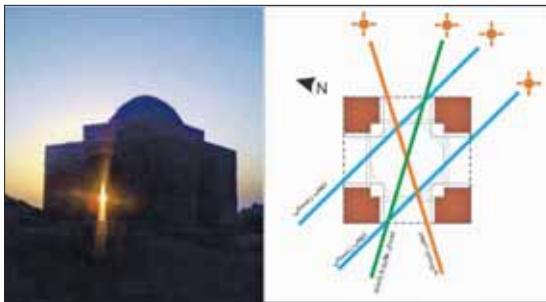
شکل ۱. استفاده از انرژی خورشیدی به شکلی نمایان

## فضای بار آموزنده

هر مدرسه‌های می‌تواند به جز فضاهای سرپوشیده، از فضاهای باز خود برای یادگیری استفاده کند. حتی می‌توان گفت که قابلیت‌های فضاهای باز و نیمه‌باز، از فضاهای سرپوشیده گسترش‌دهتر است. محوطه مدرسه شرایطی دارد که بیشتر می‌تواند فراهم کننده دسترسی به تجربه زندگی واقعی و طبیعی باشد. فعالیت‌هایی مانند دوچرخه‌سواری، کاشت سبزیجات، یادگیری ارزش انرژی‌های پاک و نحوه به دست آوردن آن‌ها، شناسایی ارزش منابع طبیعی و چگونگی حفظ آن‌ها، بررسی

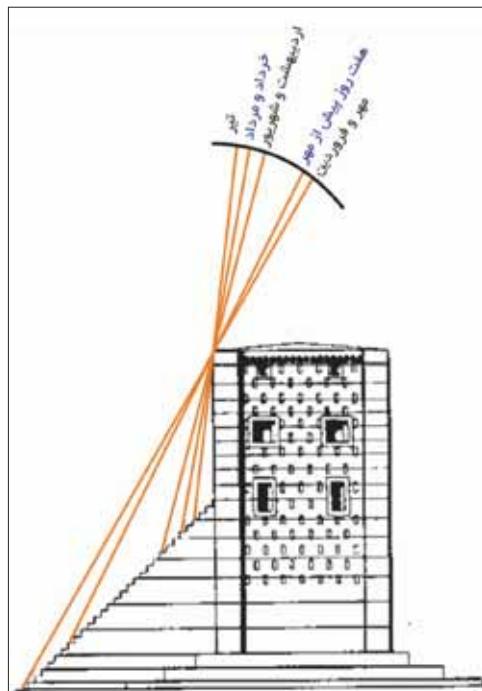
همان‌گونه که در این مجموعه مقالات به آن پرداخته شده است، در طراحی مدارس، محیط کالبدی مدرسه، به مانند یک کتاب درسی در مقیاس یک ساختمان، می‌تواند در یادگیری محتواهای علمی، نقشی اساسی ایفا نماید تا یادگیری دانش‌آموزان در سطح گسترش‌دهتری به شکل عمیق و پایدار در محیط مدرسه شکل گیرد. به عبارت دیگر، کالبد یک مدرسه می‌تواند به مانند ابزار تدریس، در کنار معلمین و سایر عوامل آموزنده در یک محیط یادگیری، در خدمت یادگیری دانش‌آموزان قرار بگیرد.

که طلوع و غروب خورشید در آغاز و میانه هر یک از فصل‌های سال، از یکی از روزندهای آن دیده می‌شود. ساختار تقویمی این بنا به گونه‌ای است که در آغاز و میانه هر یک از فصل‌های سال، پرتوهای خورشید بامدادی به شکلی خاص از میان پایه‌های بنا دیده می‌شود. بررسی این ویژگی‌ها با نظر گرفتن زاویه تابش و همچنین زاویه جهت خورشید به کمک معلمین کارشناس در این رابطه، می‌تواند الگوی مناسبی برای شبیه‌سازی چنین امکان آموزندهای با شکلی ساده‌تر در محیط فضاهای باز و نیمه‌باز یک مدرسه باشد.



شکل ۲. بنای آموزنده چارتاقی نیاسر به عنوان یک تقویم آفتابی

کعبه زرتشت، در نقش رستم فارس، نیز مثال دیگری از تقویم آفتابی است و ایده‌برداری از آن ساده و کم‌هزینه است. این بنا با دقتی که در ساخت آن شده، قادر است برخی روزها و ماههای مختلف سال را مشخص کند. زرتشتیان با استفاده از این بنا می‌توانستند بسیاری از مناسبات‌ها و جشن‌های سال را روزبه روز دنبال کنند و از زمان دقیق آن‌ها آگاه شوند.



شکل ۳. بنای آموزنده کعبه زرتشت به عنوان یک تقویم آفتابی

و اکتشاف در علوم طبیعی در تعامل با طبیعت همچون نجوم، زمین‌شناسی، گیاه‌شناسی، بررسی تنوع زیستی و بسیاری از موضوعات و امکاناتی که استقرار و پیش‌بینی آن‌ها در فضاهای داخلی دشوار و یا ناممکن و حتی بی‌معنی است، در فضاهای باز، مجال مناسب‌تری برای تحقیق پیدا می‌نماید. در واقع محوطه و فضاهای باز مدرسه می‌تواند به گنجینه‌بی‌پایانی از این دست امکانات تبدیل شود.

از سوی دیگر، امکان تحریک سلول‌های مغزی در فضای باز بیشتر از محیط بسته است. در واقع، موقعیت فضای باز، خصوصاً محیط طبیعی، کارایی بالایی برای یادگیری دارد و ویژگی‌هایی دارد که تنوع بیشتری از فعلیت‌های مرتبط با یادگیری را می‌تواند در خود جای دهد. براساس پژوهش‌های انجام شده، تحریکات حسی و در پی آن، انتقال دانش به کمک تجربه‌های حسی، تحرک‌های فیزیکی، یادگیری مهارت‌های اجتماعی و کارایی محیط در موقعیت فضای باز، خصوصاً فضای باز در ترکیب با فضای سبز، به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد. پس در طراحی یک مدرسه باید به فضاهای باز و نیمه‌باز بیشتر توجه شود تا پتانسیل بالای آن‌ها در انواع عملکردهای مرتبط با موضوع یادگیری به فعلیت درآید. با این حساب، در یک مدرسه با چنین رویکردی، انتظارات ما از فضاهای باز، فراتر از این است که تنها محل صفت بستن، پارکینگ، زمین بازی و امثال این‌ها باشد.

### آفتاب، معماری و یادگیری

فضای باز آمیخته با طبیعت عناصر آموزنده بسیاری را در خود جای داده است. یکی از عناصر طبیعی که می‌تواند در طراحی معماری، به منظور آموزنده‌تر کردن محیط، مورد توجه ویژه قرار گیرد آفتاب و تابش خورشید است. اولین موضوعی که در این رابطه به ذهن متبار می‌شود، استفاده از انرژی خورشیدی و توجه به انرژی‌های پاک وابسته به آن است که از طریق ابزارهای گوناگونی همچون پنلهای فتو ولتاکیم یا همان صفحات گرداورنده انرژی خورشیدی، آبگرم‌کن‌های خورشیدی، اجاق‌های خورشیدی و این دست از امکانات به دست می‌آید. در گیر کردن دانش آموzan در این موضوع در مراحل ساخت، بهره‌برداری و بررسی تأثیرات آن بر ساختمندان مدرسه و محیط اهمیت فراوانی دارد.

### تقویم آفتابی

استفاده از نور خورشید به عنوان یکی از عناصر طبیعی تنها محدود به گرما نمی‌شود. بلکه از آن برای تشخیص زمان نیز از طریق وسایلی همچون تقویم و ساعت آفتابی، که در معماری فضاهای باز و نیمه‌باز می‌تواند مدنظر قرار گیرد، استفاده می‌شود. تقویم آفتابی، قدمتی طولانی در حیات بشر دارد. یکی از آموزنده‌ترین بنایها در این مورد، چهارتاقی نیاسر است. این بنا که در شهر نیاسر، در بیست کیلومتری غرب کاشان، واقع است از این‌جا اوایل دوران اشکانی یا اوایل دوران ساسانی است و علاوه بر کارکردهای خاص خود، کارکردی تقویمی نیز دارد به گونه‌ای



شکل ۴. سنگ شاخص مسجد امام (ره) اصفهان؛ استفاده از آفتاب در تعیین زمان ظهر شرعی

### ساعت آفتابی با مقیاس انسانی

یکی دیگر از زمان سنج هایی که طراحی و اجرای آن بسیار ساده و کم هزینه است، ساعت آفتابی در مقیاس انسانی است. ساعتی که شاخص آن می تواند حتی یک دانش آموز باشد. در این ساعت آفتابی، سایه سر دانش آموزی که بر روی نقطه مشخص شده ایستاده است، بر روی اعداد ساعت می افتد و به این ترتیب، ساعت، در طول روز مشخص می شود. یعنی هر کس می خواهد بداند که ساعت چند است، روی نقطه مشخص شده می ایستد و به محل سایه سر خود در تطبیق با عدد روی زمین نکاه می کند. البته طراحی و اجرای ساعت آفتابی، روش های بسیار گوناگونی دارد که به کمک متخصصین در این موضوع قابل دستیابی است، اما این روش که به آن اشاره شد، دارای نوعی از تعامل دانش آموزان با محیط کالبدی است که باعث جذابیت و آموزنده بیشتر از محیط می گردد.



شکل ۵. ساعت آفتابی با شاخص انسانی و آموزنده شدن فضای باز

استفاده از فضاهای باز و نیمه باز، به عنوان محیط کالبدی آموزنده در هر مدرسه، موضوعی است که در مراحل گوناگون طراحی، بازسازی و یا حتی ایام معمول سال تحصیلی حتی با دخل و تصرفاتی بسیار اندک و با هزینه کم، همچون مثال های بالا، ظرفیتی در دسترس و سودمند برای یادگیری است. این در حالی است که غالباً از موقعیت های بی شمار حیاط های مدارس ما کمتر در جهت یادگیری بهره برداری می شود. با نیمنگاهی به این ظرفیت، حیاط های مدارس ما آموزنده تر می شوند و این فضاهای تبدیل به محیط هایی سرشار از انتقال دانش به کمک تجربه حسی در موقعیت های گوناگون آن می گردند. در فرصت های دیگر بیشتر به این موضوع پرداخته می شود.

### پی‌نوشت ها

1. Discovery
2. Arlington
3. Virginia



شکل ۶. مدرسه دیسکاوری در ویرجینیا و تقویم آفتابی آن در فضای باز

## دندان فاسد!

هوشنگ شرقی

دبیر ریاضی و مدیر داخلی مجله ریاضی برهان ۲

دانشگاه از آن تأثیر می‌گیرند؟ پس تأخیر برای چیست؟

شاید مهم‌ترین علت، نداشتن راهکارهای مناسب باشد. به زعم نگارنده اولین قدم این است که باید اهمیت موضوع با تشکیل جلسات، سeminارها و کنفرانس‌هایی در سطح بالای مسئولین مطرح شود (به قول مرحوم شهریاری چگونه است که در این کشور برای موضوعی مثل درخت آلبالو، سminar و کنفرانس برگزار می‌شود ولی برای موضوع حیاتی مثل کنکور نمی‌توان این کار را کرد؟!) و در آنجا راهکارهای مختلف برای این موضوع بررسی شود تا به نتیجه بینجامد. اما یک پیشنهاد مشخص برای مسئولین محترم وزارت آموزش‌وپرورش دارم. این راهکار می‌تواند تا حدودی به سلامت فضای آموزش‌وپرورش و دور نگهداشتن آن از آثار مخرب کنکور بینجامد، تا زمانی که یک راهکار قطعی و نهایی اتخاذ شود. آموزش‌وپرورش می‌تواند با انتشار بخشش‌های (و پیگیری قاطع برای اجرای درست آن)، آموزش و ارزشیابی برمبنای تست و پرسش‌های چهارگزینه‌ای را در تمام مدارس کشور به کلی ممنوع اعلام و با متخلفان قاطع‌انه بروخورد کند. تمام مجوزهای مربوط به برگزاری کلاس‌های کنکور در مدارس لغو شوند و مدارس به هیچ عنوان اجازه عقد قرارداد با مؤسسه‌ای خصوصی برای برگزاری کلاس کنکور، برگزاری آزمون‌های دوره‌ای و موارد مشابه را نداشته باشند. با این کار البته مشکل حل نخواهد شد ولی لاقل آرامش به مدارس باز می‌گردد و مانند سال‌های دههٔ ۷۰ (که ما کنکور دادیم) مسئله کنکور و آمادگی آن به خارج مدارس هدایت می‌شود و فشار روانی آن در زمان آموزش رسمی مدرسه‌ای از دوش مدیر، معلم و دانش‌آموز برداشته می‌شود.

و ترویج بی‌سوادی از طریق اشاعه روش‌های تستزنی و نکته‌آموزی به جای دانش‌آموزی؛

۲. یک بعدی شدن دانش‌آموزان و بازماندن آن‌ها از شکوفایی استعدادهای متنوع نهفته در وجودشان.

۳. از میان رفتن بعد انسانی شخصیت نوجوانان و تبدیل شدن آنان به آدمواره (ربات)هایی که به سرعت مشغول به حافظه سپردن نکته‌ها هستند!

۴. منحصر شدن هدف آموزش‌وپرورش به گذرگاه و سکوی پرش به دانشگاه و بازماندن از اهداف مهم دیگر (تعالی شخصیتی، حیات طبیه و ...)

۵. ایجاد عطش کاذب و رقابت ناسالم برای رسیدن به رتبه‌های برتر که تأثیر محربی بر روح‌روان دانش‌آموزان و اولیای آنان دارد.

۶. گسترش نابرابری و تبعیض در عرصه آموزش.

۷. ایجاد و گسترش دانشگاه‌های متعدد و متنوع و رنگارنگ با هدف پاسخ‌گویی به نیاز کاذب «دانشجو شدن» که بسیاری از آن‌ها ناکارآمد و فاقد استانداردهای آموزشی و پرورشی‌اند.

۸. ایجاد گردونه اقتصادی ناسالم و گستردگی در پرتو تأسیس صدها مؤسسه، آموزشگاه و ناشران کمک‌آموزشی متعدد و اغلب ناکارآمد.

و البته موارد دیگری که می‌توان به این فهرست اضافه کرد. نیم‌نگاهی به این فهرست می‌تواند نگرانی عمیق علان ریاست محترم سازمان پژوهش، عزم جدی آنان برای مقابله با این وضع تحریک شود. اما چرا این چنین نیست؟ مگر نه این است که فرزندان همهٔ ما درگیر این جو ناسالم و مسموم می‌شوند و مستقیم و غیرمستقیم حتی پس از قبولی و ورود به

چندی پیش، در گروه ریاضی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، ویژه‌نامهٔ پایهٔ یازدهم (ضمیمهٔ رشد معلم) مهر ماه ۱۳۹۶ را ملاحظه کردم. متن گفت‌وگو با ریاست سازمان پژوهش نظرم را جلب کرد. به‌خصوص یکی از سوتیت‌های آن: «کنکور به یک معضل تبدیل شده و دندان فاسدی است که باید کنده شود و ترمیم شدنی نیست!». مصاحبه را به‌طور کامل خواندم و داغ دلم تازه شد!

از یک سو خوشحال شدم که یکی از مسئولان ردهٔ بالای وزارت آموزش‌وپرورش درد مشترک ما را دارد و گویی از زبان ما سخن می‌گوید، و از سوی دیگر متأسف شدم چون دیدم در جایی می‌گوید: «برای حذف کنکور یک عزم جدی می‌خواهیم، اما آن عزم فعلًا وجود ندارد. مجلس و دولت، یعنی آن‌هایی که قانون حذف کنکور را تصویب کرده‌اند و آن‌هایی که باید اجرا کنند، می‌دانند که گروه‌های فشار، و به تعبیر من گروه‌های مافیایی کنکور، نمی‌گذارند کار درست شود». ایشان در ادامه به برخی تبعات منفی کنکور هم اشاره کرده‌اند که باز حرف دل ما و پیشینیان ما (و در رأس آن‌ها زنده‌یاد پرویز شهریاری) است که در دمندانه سال‌ها در این باره گفت و نوشت) است. تأسف من از این بود که این مافیایی کنکور مگر چه قدرت و اراده‌ای دارد که تصمیم‌سازانی در ردهٔ مسئولین ردهٔ بالای آموزش‌وپرورش را هم از اصلاح امر نالامید کرده است!!

کنکور سراسری یک بیماری فرنگی است که جامعه ما را ذره ذره از محتوای علمی تهی می‌کند و مقابله با آن رسالت وظیفه همه دلسویزان عرصهٔ فرهنگ است: برخی از آثار ویرانگر این پدیدهٔ محرب به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

۱. نابودی خلاقیت در دانش‌آموزان

# پایِ لای در!

فریبا مؤیدنیا

دیبر شیمی، شهرستان خوی

«تکنیک پایِ لای در»<sup>۱</sup> است که در توضیح آن گفته شده «قبل از آنکه درخواست اصلی تان را مطرح کنید، ابتدا یک درخواست کوچک و کم‌اهمیت مطرح بکنید و بعد از گرفتن جواب مثبت، درخواست‌های مهمتر و اصلی را مطرح کنید. در واقع وقتی شما خواسته کوچک اولتان را مطرح می‌کنید و پای خود را لای در می‌گذارید، آن‌گاه معمولاً احتمال اینکه درب بسته نشود و شما بتوانید خواسته‌های اصلی و بزرگ‌ترتان را با موفقیت مطرح کنید بیشتر خواهد شد.

البته برای موفقیت بیشتر این تکنیک حتماً لازم است که در انتخاب خواسته کوچک اول و بهویژه نحوه مطرح کردن آن هوشمندی و دقت به خرج داده شود و در طرح آن نیازمندی‌ها، پتانسیل‌ها و سلاطیق و علاقه مخاطب لحاظ گردد. درست به همان شیوه که پسر فروشنده حکایت ما این موادر را لحاظ کرده بودا

جالب اینکه دامنه کاربرد و کارایی این تکنیک موفقیتی تنها به مسائل اقتصادی و مثلاً فروش موفق محدود نمی‌شود و به عنوان مثال در مدیریت روابط انسانی و تعلیم و تربیت هم می‌توان از آن بسیار بهره‌مند شد. در همین راستا برای اثربخشی بیشتر این تکنیک در تعلیم و تربیت توصیه پرمغزی منسوب به شهید باهنر وجود دارد که می‌گوید: «در تربیت از جایی شروع کنید که فرآگیران دوست دارند و به جایی ختم کنید که خود دوست دارید». و از آن بالاتر و زیباتر فرمایش امام علی (ع) است که فرموده‌اند: «دل‌ها «گرایشی» است و «گریزی»، پس آن‌ها را آن‌گاه به کاری وادارید که به آن گرایش دارند، زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری کور می‌شود.<sup>۲</sup>

بی‌نوشت

1. Foot in the door

۲. نهنج‌البلاغه، حکمت ۲۲

در ایالت کالیفرنیا پسری برای پیدا کردن کار به یکی از فروشگاه‌های بزرگ، که همه چیز می‌فروشنند، مراجعه کرد. مدیر فروشگاه به او گفت: «یک روز فرصت داری تا به طور آزمایشی کار کنی و ما در پایان روز با توجه به نتیجه کار در مورد استخدام تو تصمیم می‌گیریم.» پسر قبول کرد و مشغول کار شد. در پایان آن روز، مدیر به سراغ پسر رفت و از او پرسید که چند مشتری داشته است. پسر پاسخ داد: «یک مشتری.» مدیر با تعجب گفت: «تنهای یک مشتری؟! بی‌تجربه‌ترین متلاضیان کار در اینجا حداقل ۱۰ تا ۲۰ مشتری در روز اول دارند. حالا مبلغ فروشت چه قدر بوده است؟»

پسر گفت: «۱۳۴/۹۹۹۹ دلار.»

مدیر فریاد کشید: «۱۳۴/۹۹۹۹ دلار؟! مگر چه فروختی؟»

پسر گفت: «اول یک قلاب ماهیگیری کوچک فروختم، بعد یک قلاب ماهیگیری بزرگ، بعد یک جوراب ماهیگیری گرافیت به همراه یک چرخ ماهیگیری <sup>۳</sup> بلبرینگ‌دار. بعد پرسیدم شما برای ماهیگیری کجا می‌روید؟ که مشتری پاسخ داد: خلیج پشتی؛ من هم گفتم پس به قایق هم احتیاج دارید و یک قایق توربوی دو موتوره به او فروختم. بعد پرسیدم ماشینتان چیست و آیا می‌تواند این قایق را بکشد؟ که او جواب داد: هوندا سیویک، من هم یک بلیز دبلیو دی <sup>۴</sup> به او پیشنهاد دادم که او هم خرید.»

مدیر با تعجب پرسید: «او آمده بود که یک قلاب ماهیگیری بخرد و تو به او قایق و بلیز فروختی؟»

پسر به آرامی گفت: «نه، او آمده بود یک بسته قرص سردرد بخرد که من گفتم بیا برای آخر هفته‌های یک برنامه ماهیگیری ترتیب بدهیم، شاید سردردت بهتر شد!»

شاید این داستان کمی به نظر اغراق‌آمیز بیاید اما پیام مدیریتی قابل تأملی دارد و آن توصیه به استفاده از

# ← تربیت، قربانی کنکور

حیدر پایزیدی

کارشناس مشاوره تحصیلی، منطقه زیویه، شهرستان سقز

حاکم بر برنامه درسی، حوزه‌های تعلیم و تربیت کاملاً از هم جدا فعالیت می‌کنند. بدیهی است جدایی این دو حوزه نه تنها حیات طبیه را هدف نمی‌گیرد بلکه سرمایه‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی را هم بریاد می‌دهد. گواه این مهم آنکه در چند سال اخیر آمار رشد علمی کشور تنها متکی به نخبگان بوده و در جشنواره‌ها و المپیادهای بین‌المللی آنچه بدان بالیده‌ایم برآمده از استعدادهای ذاتی فرزندان این مرز و بوم بوده است. در داخل مدارس هم کنکور هر روز قربانی‌های بیشتری می‌گیرد. کنکور و همه شعبه‌ها و شعبدۀ‌هایش فاقد هرگونه سودمندی مهارتی برای دختران و پسران این مملکت است. از نظر تربیتی هم نشانه‌های بدھویتی یا هویت محدودش را در نسل جوان و نوجوان امروز به وضوح می‌توان دید. مفاهیم پرورشی و تربیتی در مدارس ما اساسی و بنیادی آموزش داده نمی‌شود. نتیجه آنکه، برای مثال، ما شهروندانی هستیم که با هم کار کردن و کار گروهی را بایندیازی و قانون‌شکنی اشتیاه می‌گیریم! واقعیت این است که آنچه امروز در آموزش و پرورش بیش از هرچیز دیگری مورد غفلت قرار گرفته است عدم بروز حساسیت، درایت و کفايت لازم از سوی مدیران و راهبران آموزشی جامعه در جهت همگرایی بیشتر حوزه‌های تعلیم و تربیت است که این امر به راحتی باعث هدر رفتن سرمایه‌ها و ذخایر بالقوءة انسانی شده است. چنانچه سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش و پرورش تغییر نکند و راهبردهای هوشمندانه در این راستا اتخاذ نگردد نظام آموزشی ما، بر عکس نظام‌های مترقبی دنیا که در آن‌ها تعلیم و تربیت نماد تربیت انسان‌های طراز اول توسعه به حساب می‌آید، انسان‌هایی تک‌بعدی تربیت می‌کند که هنوز در مراحل آغازین توسعه دست‌پا می‌زنند.

در کشورهای توسعه‌یافته بخش اعظم وظيفة نهادینه کردن ارزش‌ها و مفاهیم اساسی بر عهده نظام آموزشی است. در این‌گونه نظام‌های آموزشی افرادی کارآمد را در تمام ابعاد تربیت می‌کنند تا در نهایت عوامل اصلی رشد و توسعه کشورشان بهشمار آیند. این رشد و توسعه زمانی شکل می‌گیرد که دانش‌آموزان در مدارس علاوه بر آموزش مهارت‌ها و تخصص‌های حرفه‌ای آموزش‌های لازم در زمینه تبدیل شدن به شهروند حرفه‌ای را هم بینند به طوری که ارزش‌های پذیرفته شده جامعه در کنار سایر دروس و مهارت‌ها در وجودشان نهادینه شود. به بیان دیگر، مبنای تخصص‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای، ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه است و این یعنی «تربیت» جدا از «تعلیم» نیست. برای مثال در چنین نظام‌هایی دانش‌آموز عشق به میهن و کشورش را از مهد کودک یاد می‌گیرد تا بتواند در بزرگسالی از میهن خود دفاع کند. در نظام آموزشی ما هم، مطابق سند تحول بنیادین، آموزش وسیله‌ای است برای شکوفا نمودن استعدادهای افراد و سوق دادن آنان به سوی ارزش‌های والای اسلامی و انسانی. به عبارت دیگر تعلیم و تربیت هر دو در یک راستا هستند و در راه رسیدن به حیات طبیه در هم تنیده‌اند. اما چرا محصولات نظام آموزشی ما منجر به رشد و توسعه مدنظر نشده است؟ چرا باید برخورد با فساد و کثرفتاری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را از قوای قهریه و اهرم‌های پلیسی طلب کنیم؟ حال آنکه از ریشه‌های تربیتی این آسیب‌ها غافلیم! واقعیت این است که اسناد بالادستی ما در نظام آموزشی اگر غنی‌تر از اسناد کشورهای توسعه یافته نباشد، کمتر از آن‌ها نیست، ولی برابر با اسناد نانوشته

زهربحرالعلومی  
پژوهشگر و مروج اصول اوریگامی  
زهرا مشیری  
عضو گروه آموزشی و پژوهشی آسمان

## یادگیری با طعم کاغذ و تا

درس مهورزی می‌توانیم با بچه‌ها جعبه‌های هدیه‌ای سازیم

برای قدردانی از یک عزیز.

این کاغذهای رنگی مربعی چه ظرفیت‌های عجیبی دارند! هم برای آموزش تاریخ کارکرد دارند، هم ریاضی. هم در زنگ فارسی به کار می‌آیند و هم هنر. در عین حال که به عنوان ابزاری برای یادگیری فردی مناسبند، در کارهای گروهی نیز کار کردند. به نظرم یکی از انتخاب‌های ویژه، یک طراحی آموزشی است که در آن به تلفیق چند مفهوم آموزشی توجه کنیم و در کنارش به سبک‌های مختلف یادگیری نیز حواسمن باشد. نظر شما چیست؟

امروز می‌خواهم با چند برگه کاغذ رنگی به کلاس بروم تا برای یکی از داستان‌های کتاب فارسی، با بچه‌ها، عروسک‌های کاغذی درست کنیم و تئاتر عروسکی اجرا کنیم، نه، هندسه داریم و می‌خواهیم همان‌طور که با مقاومت‌تقارن و دوران و خطوط عمود و موازی، دستورزی می‌کنیم، یک سازه کاغذی گروهی سازیم. شاید هم کاغدها را تا زنگ هنر تزد خویش نگه دارم و آن موقع با بچه‌ها یک کار ترکیبی از نقاشی و اوریگامی خلق کنیم. به سراغ تقویم می‌روم، به یکی از اعیاد مذهبی نزدیک می‌شویم. پرورهٔ ترئین مدرسه می‌تواند برای شاگردانم پر از یادگیری و لحظه‌های ماندگار باشد. چطور است که امروز سازه‌های ترئینی کاغذی و آویز بسازیم؟

امروز چند کاغذ رنگی دارم و فرصتی برای تمرین



### نام فعالیت: یادگیری کاغذی

**هدف:** کار گروهی و نیز اهدافی که طراحی آموزشی مبتنی بر این فعالیت، بر آن‌ها ناظر است.

**رده سنی:** دبستان و دبیرستان

**ابزار:** تعدادی کاغذ مربعی هماندازه و از جنس مناسب، چسب در صورت لزوم

**مدت زمان اجرا:** به شیوه اجراء، رده سنی مخاطب و آمادگی قبلی ایشان بستگی دارد.

جای شاگردانتان بگذارید و سعی کنید در یک مکالمه ذهنی مراحل را به ایشان بگویید. این کار به کاهش چالش‌های احتمالی در کلاس درس کمک می‌کند؛ به‌ویژه وقتی با گروه سنی پایین‌تر سروکار دارید.

در صفحهٔ بعد راهنمای نمادهایی نیز که در نقشه‌این طرح به کار رفته‌اند آورده شده است. در کتاب‌های مختلف لزوماً از نمادهای یکسان استفاده نمی‌شود. اگر تابهٔ حال با نمادهای اوریگامی کار نکرده‌اید، اکنون فرصت آن مهیاست.

مربع کاغذی بدھید. همه اعضای گروه در ساخت قطعات طرح مشارکت دارند و با کمک هم آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌کنند. اتصال قطعات بدون چسب هم امکان‌پذیر است. رده سنی پایین‌تر (دبستان یک) در صورت لزوم می‌توانند از چسب استفاده کنند.

راهنمای ساخت این قاب را ملاحظه کنید. آن را بسازید و به خوبی تمرین کنید تا به نکات و ریزه‌کاری‌های ساخت مسلط شوید. این موضوع بسیار مهم است. موقع ساخت می‌توانید خود را به

**معرفی فعالیت**  
با تکنیک اوریگامی، شکل‌ها و حجم‌های بسیار متنوعی را می‌توان ساخت. در این فعالیت، روش ساخت یک قاب عکس کاغذی را با هم یاد می‌گیریم که کارکردهای دیگری هم می‌توانند داشته باشند. مثلًا با ساخت آن در ابعاد مختلف، می‌توانیم آویزهای زینتی درست کنیم و برای ترئین کلاس از آن استفاده کنیم.

بچه‌ها را به گروههای چهار یا هشت نفره تقسیم کنید و به هر گروه هشت

طریق لینک‌ها و QRcode زیر در دسترس شما قرار دارد.



<http://www.roshdmag.ir/u/1Kc>  
<http://origamiroshana.com/>  
 آموزش ساخت قاب عکس اوریگامی روشنا

\* منبع  
 بسته آموزشی مقدماتی (۲) اوریگامی روشنا  
 Basic Pakage 2

دانشآموزان یکی باشد. همچنین طوری بایستید که راست و چپ شما با بچه‌ها یکی باشد.

ت. پیشنهاد می‌کنیم که درباره کاربرد اوریگامی در صنعت و زندگی روزانه مطالعه کرده و با دانشآموزان گفت و گو کنید.

ث. خوب است ساختن این قاب با شش قطعه را نیز امتحان کنید. در این صورت قاب از حالت مسطح خارج شده و شکل جالبی حاصل می‌شود. در این حالت، برای اتصال قطعات، در صورت لزوم از چسب استفاده کنید.

ج. بهتر است به بچه‌ها بگویید که کاغذ را روی سطحی صاف و محکم بگذارند و تا بزنند.

چ. برای تسهیل یادگیری، فیلم آموزشی روش ساخت این قاب عکس نیز از

### در حاشیه بازی

الف. طرح‌های اوریگامی در سبک‌های متنوعی دسته‌بندی می‌شوند. این قاب عکس در رده اوریگامی‌های مژوالار قرار دارد.

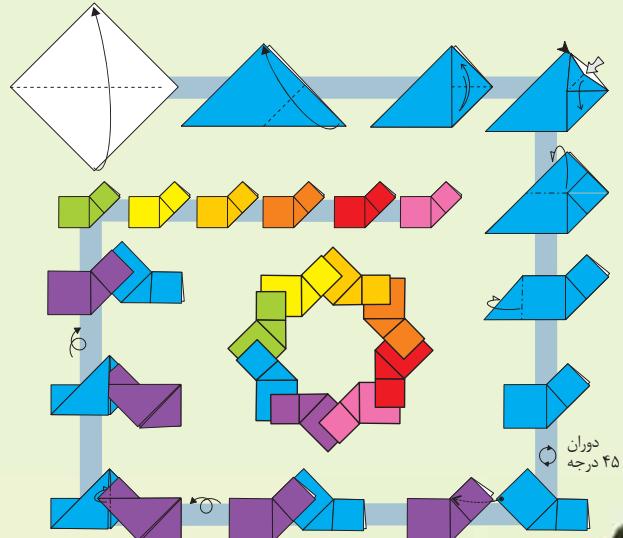
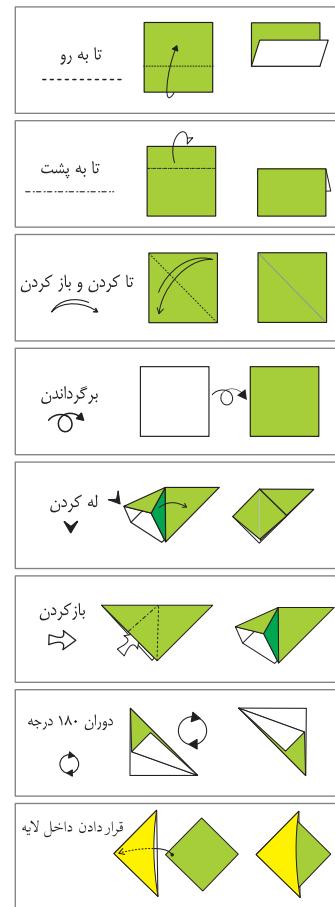
ب. بهتر است برای این طرح، از کاغذ یک رو سفید استفاده کنید یا در روی کاغذتان رنگ‌های متضاد و متمایز داشته باشد تا آموزش و یادگیری آن ساده‌تر شود. بهطور کلی شکل، بافت، ضخامت، استحکام و ابعاد کاغذی که برミ‌گزینید، بایستی با تعداد و نوع تاهای و طرح انتخابی و سلیقه شما متناسب باشد. با تجربه و تمرین، در انتخاب کاغذ مناسب، مهارت بیشتری به دست می‌آورید.

پ. موقع آموزش برای سنین پایین‌تر، بهتر است اندازه کاغذ خودتان با

### بیشتر یاد بگیریم

برای یادگیری طرح‌های متنوع، به تناسب نیاز و سلیقه خود می‌توانید از کتاب‌ها و سایت‌های مختلف اینترنتی استفاده کنید. در شروع یادگیری، فیلم‌های آموزشی بسیار کارگشاست؛ پیشنهاد می‌کنیم مراقبت کنید که به این نوع یادگیری وابسته نشوید و نقشه‌خوانی (دیاگرام‌خوانی) را نیز یاد بگیرید.

### نمادهای راهنمای





# رشد شناختی و عاطفی

دکتر محمد نیرو  
دبير رياضي منطقه ۴ تهران

## در یادگیری تعاملی

در فرایند یاددهی - یادگیری نتایج و برونداد اجرای هر رویکرد آموزشی معمولاً از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و توجه بیشتری را برای مجریان و مخاطبان ایجاد می‌کند. در ادامه مطالب مربوط به یادگیری تعاملی، این موضوع به ترتیب با عنوان‌های «پیامدهای اختصاصی» و «پیامدهای جانی» مطرح خواهد شد. بخش نخست، که به تغییرات شناختی و همچنین تغییرات عاطفی دانشآموز مربوط می‌شود، در این شماره ارائه خواهد شد و بخش دوم که مربوط به بهره‌گیری‌های جانبی دانشآموزان، به شکل فردی یا جمعی است، در شماره آینده خواهد آمد. گفتنی است که در پیامدهای اختصاصی، تغییرات شناختی، ناظر به دانش و مهارت و تغییرات عاطفی، ناظر به احساسات و انگیزه‌هاست. همچنین بهدلیل آنکه نگارنده از رویکرد تعاملی در تدریس ریاضی بهره برده است، این نوع پیامد را در مورد یادگیری ریاضی ارائه می‌کند هر چند این پیامدها منحصر به درس ریاضی نیست و قابل تعمیم به دیگر دروس نیز خواهد بود.

پیامدهای اختصاصی، در دو بخش «تغییر نگرش به ریاضی و روش آموزش» و «گسترش یادگیری در روش تعاملی» ارائه می‌شود. بخش اول به وجہ عاطفی یادگیری دانشآموزان و بخش دوم به وجہ شناختی آن دلالت دارد. لازم به ذکر است که با وجود تعامل ناهمتراز و پیامدهای حاصل از آن، عدمه پیامدهای اختصاصی، از تعامل همتراز فرآگیران برخاسته است؛ بهویژه که سهم غالب یادگیری تعاملی در قالب کارگروهی نمایان است.



رفتاری متناسب با آن از خود نشان دهد. چنانچه نگرش شخص نسبت به موضوعی مثبت باشد آماده است که در آن مسیر گام بردارد؛ اما بهطور معمول در مورد درس ریاضی، ترس، اضطراب و نگرش منفی به فقدان موفقیت فرآگیران در درس ریاضی منجر می‌شود. در تحقیقی که نگارنده صورت داد، تغییر

لازم بهنظر می‌رسد. نخست اینکه تعیین و تغییر نگرش کار سهله نیست. دوم اینکه نگرش شامل احساساتی است که مربوط مریبوطه در شخص برمی‌انگیرد. این جنبه احساسی نگرش هاست که نقش انگیزشی در رفتار دارد و اهمیت بُعد احساسی را مورد تأکید قرار می‌دهد. نگرش، شخص را آماده می‌کند تا در برخورد با هر موضوع،

### تغییر نگرش به ریاضی و زوین، آموزش

اگرچه تغییر نگرش‌های ایجاد شده برای دانشآموزان تدریجی است و همراه با رشد شناختی ایشان و همچنین دیدن نتایج امتحانات ظهور می‌باشد ولی به دلیل اهمیت بیشتر این موضوع، ابتدا به آن پرداخته می‌شود. در آغاز بحث، ذکر چند نکته



کاظمی نیز از پیاضنی خود را در این است / حتم دنال هر تیزند  
دیگر ایشان را در خود داشت / احتمال کلاس بخوبی لی بود و حتم داشت  
آنرا طبق تاریخ سنت کاروی آن کار در کلاس ضایعیت خانه ای ساخته است -

ترنیم نه لایک پر میل بین رکم، انسانی چه از تاریخی آرس دارد؟ زیرا اینی دارند که درین آن می‌خواست  
حقیقی ممکن است آشنا خوب را شناسد و این حقیقت است که،  
این درین همین طراحت، غنیمیها از این که این درین میوه‌ها در نگاه خوب نباشند و در توجه نداشند  
می‌شوند. اما، درین نتیجه‌گیری این فرم می‌شوند که درین میوه‌ها می‌توان با این‌ها این میوه‌ها.

فوق سه راهیه چندی و تی و سه هم تک روی این سه سه هم اینها به این راهی مسد برای گمین اند، اگر این راهی مسد  
کن فرست کنم آنکه دست نمودم و مسیر مساله خوب نیست اما از گرم کردن برای کم و داشتن علیشی هم سه سه راهیت

آنچه نگذرد مردم نمی‌بینند. مختار از آن بود. عالی بعد من عاشت راهی فخر ننم. از راهی فخر نزستی هم.  
همن !!.

سچه تیزه دانندون این بودم که معنی قاعی اصطلاحی را که برآدم پر طاری بردارید و بیهیم. آنستوره من احکامی  
ما در خاطرم مرا ازتیام دهنده ای برای خود که اگر زانی نداشتم و آنها را بخوبی داشتم خستم!!  
لئے سیده عان شد ایا در راهنمی من حسن شناخته (سبت به بیهیم)؟ آنها احساس کمالاً نکرهن شدند و زرد  
هر هفته منتظر بودم تا گزینه دیگری سایر یادگار را در نمایم پسکب داشتم سرداشم.

میر کامن ریاضی بود که من نکار کردم و با این کار قدرت مادر کامن ریاضی بود که من

مبارے کام بسیار سنبھلیں ہے مدد والات زیادتی رائج تو نہ حل کنم  
و مستسلم بڑا گا، دوچھی کا اپنی بیوی دعویٰ تائیر زیادتی داسٹے  
کن طبق اسلام اطاعت کا بڑی صن جو، دھنس لے خالق نہ لباس پر فحص فرم خانہ میں اصل لباس پر فحص

نگرش دانش آموزان به کلاس ریاضی براساس رویکرد تعاملی، به مرور شکل گرفت. تقریباً از نیمسال دوم به بعد، اصلاح بدینی دانش آموزان نسبت به این روش آموختش متفاوت قابل مشاهده بود. این تغییر به تدریج با رشد چشمگیر شناختی ایشان و دریافت نتایج درخشنان آزمون‌ها، در اغلب دانش آموزان ظهور یافت. در این میان رفتارهای مناسب کارگروهی در پی رشد متناسب سنتی ایشان، مورد اذعان برخی دانش آموزان بود. تلاش عمومی و جمعی فرآگیران در حل مسئله و تخصیص زمان برای این امر به شکل کارگروهی در کلاس ریاضی، منجر به قدرشناصی و رضایتمندی ایشان در این جریان شده بود. بنابراین هنگامی که در مصاحبه با یکی از دانش آموزان سوال شد که: فکر می کنید شما نسبت به دانش آموزانی که ریاضی را به این شیوه یاد نگرفته‌ند چه مزیتی دارید؟، دانش آموز گفت: برای ما بیشتر [از] آن ریاضی، علاقه‌ای [است] که بهش داریم. ممکنه شخص دیگه، هیچ علاقه‌ای نداشته باشه، ولی ریاضیش خوب باشه. ولی ما ممکنه علاقه‌مون خیلی بیشتر از ایشون باشه. [چرا] که سؤالات رو انجام دادیم و زحمت کشیدیم و تلاش کردیم تا این درجه برسیم.

دانش آموزان در پایان سال تحصیلی نظرات خود را به صورت مکتوب ارائه کردند که اغلب آن‌ها دال بر این تغییر نگر什 بود. برخی از آن‌ها در زیر می‌آورند؛  
البته با هدایت حملات آنان.

◆ قبل اتصال من از کلاس ریاضی کلاسی بود که معلم در آن حرف می‌زند و دیگران گوش می‌دهند؛ ولی امسال کلاس به گونه‌ای بود که هم معلم و هم دانشآموز، طبق قانونی منظم، در کلاس فعالیت داشتند...

۶- خیلی‌ها میدووار نبودند که این روش به خوبی پیش برود و از نتیجه‌گیری آن مطمئن نبودند؛ اما با دیدن نتیجه خوب آن، خوشحال شدند و مستحاق به ادامه‌آمدند.

۶- قبل و قتی من میر فتم خونه و نمی توانستم  
[مسائل را] حل کنم، اعصابم خرد می شد و برای  
همین اکثر آخراً تکالیفو نمی نوشتمن. اما الان  
وقتی نمی تونم، دور سؤال خط می کشم، می گم از  
سر گروهه می پرسم و واقعاً با عشق به پاسخ سؤالات  
فکر می کنم.

۶- آنچه که فکر می کرد نبودا فراتر از آن بود.  
عالی بود. من عاشق ریاضی شدم از ریاضی لذت  
می برم. همین!! ... شاید باورتان نشود اما در دوره  
راهنمایی که بودم حس تندر داشتم نسبت به ریاضی؛  
اما امسال کاملاً نگرشم تغییر کرد. هر هفته منتظر

۱۵	نعداد حاسوسین مرکز	گزارش مدیر - و تخفیف برای یک نکاح
۲۰	نعداد داولطهان مرکز	فر آذون - ۹۴/۴/۱۸-۶
۱۱-۱۶	نعداد کل داولطهان شهرو	مرکز: امدادگران هنرمند

سایع فردا

بودم تازنگ ریاضی بیاید ...

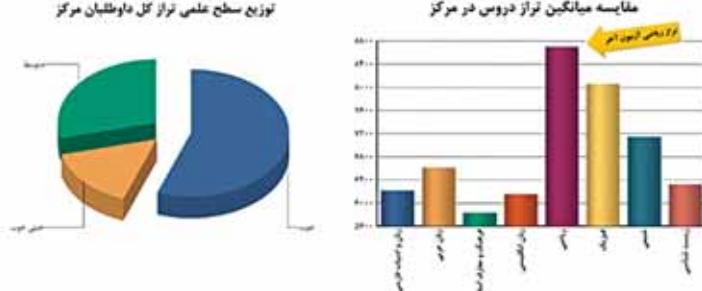
همچنین کاهش ترس و استرس ریاضی،  
سوق حضور در کلاس ریاضی، علاقمندی  
به یادگیری گروهی و ادامه تحصیل در  
رشته ریاضی، احساس خودبایوی در حل  
مسائل ریاضی و اعتماد به یادگیری و اتکا  
به رویکرد جاری، از دیگر پیامدهای نگرشی  
برگرفته از نظرسنجی‌های دانش‌آموزان  
بود. اگرچه بازتاب نقدهایی که برخی به  
این رویکرد وارد کرده بودند نیز در بعضی  
نظرسنجی‌های انجام شده بود. ولی سهیم آن‌ها در  
میان کل نظرات انگشت‌شمار بود.

ردیف	نام فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان	مکان فرمان
۱	دان و سینه طنز	آذن و گوش طنز	-	آذن							
۲	دندان طرز	دندان طرز	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
۳	فریاد و اسلامی	فریاد و اسلامی	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
۴	زان و لثکیه	زان و لثکیه	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
۵	دست	دست	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۶	پا	پا	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
۷	لثک	لثک	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
۸	شنسی	شنسی	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
۹	زبان شناسی	زبان شناسی	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵

478

| نام و نکات        |
|------------|------------|------------|------------|-------------------|
| ۴۰٪        | ۲۹٪        | ۳۷٪        | ۳۰٪        | دروس که می خواهیم |
| ۶۰٪        | ۲۲٪        | ۷۸٪        | ۶۰٪        | دروس اختیاری      |
| ۸۰٪        | ۵۷٪        | ۷۳٪        | ۵۰٪        | کل دروس           |

#### 第六章 資本主義的危機



نمکل ۴-۲: مزاید نتایج آزمون تهابی گزینه دو دیبرستان «ض»

۶- امسال با روش بسیار خوب شما یادگیری تعاملی) من همه مطالب را به صورت جامع یاد گرفتم و با این روش در درس ریاضی بسیار پیشرفت کردم ... با این روش تدریس، من همه مفاهیم را فهمیدم و امسال هیچ مشکلی در درس ریاضی، سال اول، متوسطه ندارم ...

۶۰... سر کلاس ریاضی بود که من کارگروهی را یاد گرفتم و در نتیجه ریاضی (نگارنده درشت نوشته بود) را یاد گرفتم ...

۶- مهارت‌هاییم بسیار شده، یعنی سؤالات زیادی را می‌توانیم حل کنم و مشکل‌های کارگروهی که انجام

می دادیم. تاثیر زیادی داشت ...  
é ... کلاس ریاضی امسال، برای من،

اولین کلاسی بود که درس را داخل کلاس می‌فهمیدم و [وقتی] می‌رفتم خانه با مشکا... و به نه شدید ...

۲۵ بِ مَسْكٍ رُّوبَرٌ مَّنِي سَدَمْ ...

یاد می‌گیریم بهتر در ذهنمان می‌ماند تا  
وقت که از همه تخته‌ران زبان را بخواهد

وپنی له ار روی بحنه و ار ربان معلم ياد  
می گیريم ...

همچنین امتیاز همزبانی و همگوئی روش یادگیری برای همتای یاددهنده، مزید بر ایجاد زمینه تعمیق در مفاهیم ریاضی کمک می‌شود. این روش موجب گردید تا در بارگیری و انتقال چرخشی حل مسائل، یادگیری تثبیت شود. از دیگر سو، گاه موجب چشم و هم‌چشمی و تسلط‌یابی می‌شود و در جهت مثبت، احساس خرسندی و انگیزه مضاعف و هویته در کنار استفاده از نرم‌افزار جئوگرا فی ایجاد می‌کرد. جدا از بهره‌های یادگیری غنی‌العملی برای عموم دانش‌آموزان، یادگیری برتر و ذهن پویای سرگروه که مرهون پرسش‌گری هم‌گروه و خدمت‌رسانی به عضایی گروه بود نیز نمایان شد.

اطهارات شفاهی یا مکتوب برخی از  
دانشآموزان درباره نقش تسهیل گر این  
ویکرد در یادگیری، همچنین ایجاد  
نوامندگی دانشآموزان در حل مسئله  
و درک عمیق تر و ماندگارتر مقاهیم در  
کلاس درس، شاهد مثال و پایان‌بخش این  
باددادشت خواهد بود.

۲۰ اسانبر ار قبل مسائل و دروس را  
می‌آموختم.

گسترش یادگیری در روش تعاملی

بهنظر میرسد که در این روش یادگیری اصلی ترین هدف معلم از تدریس و بیشترین انتظار دانش آموز کلاس درس است براساس تجربه نگارنده یادگیری در روش تعاملی، برای عموم مخاطبین، گسترشی وسیع و عمیق یافته، آن چنان که رشد خیره کننده نتایج آزمون های مربوطه، اثربخشی رویکرد تعاملی را در این خصوص، غیرقابل انکار ساخت دانش آموزان با میانگین تراز ۸۷۰ در یکی از آزمون های بین مدرساهای که بیش از یازده هزار شرکت کنندۀ داشت ترتیب‌نخست مدارس را احراز کردند و ضمن اختلاف چشمگیر با سایر دروس، رتبه اول را در درس ریاضی احراز نمودند. به اذعان برخی از دانش آموزان، یادگیری بخشی از مفاهیم ریاضی، برای ایشان، تنها در کارگوهی شکل گرفت. ارتباط چشمی و نزدیک، همچنین احساس مخاطب بودن اعضای گروه در فضای رفاقتی و بدون تکلف که موجب مشارکت جدی اعضای گروه می شد، یادگیری و رفع کژفهمی آن هارا ایجاد می کرد. ایجاد فوچت تحریک‌هاندوزی در کارگوهی، همراه با بهره دوسویه سرگروه و هم‌گروه، چنان تسهیل بخش یادگیری بادوام بود که برخی دانش آموزان، آن را مؤثرتر از تدریس معلم نیز قلمداد می کردند. گره‌گشایی گروهی در جریان رفع اشکال مسائل، دانش آموزان را در هر سطح علمی منتفع کرده بود؛ بهطوری که گاه برخی دانش آموزان به اصطلاح ضعیف، متوجه نکاتی در مسئله می شدند و با یادآوری آن، سرگروه را در حل بهتر مسئله یاری می کردند.

باز شدن وقت در این رویکرد، امکان حل مسائل متعدد گروهی را مهیا می کرد.

## فضای

## مه آسود

## ارزشیابی

گفت و گوی معلمان

با دکتر خسرو باقری

استاد فلسفه تعلیم و تربیت

زینت و کیل

علوم علوم متوسطه اول، تهران

عکس: غلام رضا بهرامی



برگه‌های تصحیح شده بچه‌ها در نایلوونی همراه است. وارد حیاط مدرسه می‌شوم. زنگ ورزش است و بچه‌ها در حال والبیال بازی کردن هستند. سارا توب را گرفته است تا سرویس بزند. مرا که می‌بیند منصرف می‌شود و دوان دوان، با چشم‌مانی که برق مخصوصی دارد، به طرفم می‌آید و می‌گوید: «خانم برگه‌ها را صحیح کردید؟! خانم خانم! تورو خدا برگه‌ام را بدید ببینم» سارا شاگردی است که جز به بیست راضی نمی‌شود و روزهایی که قرار است برگه‌ها را تحويل دهم شوقی آمیخته به اضطراب دارد. شاگرد دیگر صبا را می‌بینم. صبا روزهایی که قرار است برگه‌ها را تحويل بدهم، خجالتی تر از همیشه است و انرژی کمتری دارد. نمرات صبا معمولاً بین بانزده تا هجده در نوسان است. او را صدا می‌کنم و حاشش را می‌پرسم. به آرامی جوابم را می‌دهد و با نگرانی از نمره‌اش می‌پرسد. با خود فکر می‌کنم مگر این دو نفر چه قدر تفاوت نمره دارند؟ واقعاً دو نمره کمتر یا بیشتر چه چیزی را از دانش یا مهارت یک فرد نشان می‌دهد؟ ارزشیابی همواره با تقریب‌هایی همراه است.

شماره هفتم و هشتم مجله و شد معلم در گفت و گویی با دکتر خسرو باقری به موضوع ارزشیابی می‌پردازد. **بحث ارزشیابی** در دو مقام عام و خاص مورد بررسی است، مقام عام یعنی جریان تربیت انسان که اختصاص به مدرسه ندارد، هم در محیط خانه، هم محیط اجتماع و... وجود دارد. اما مقام خاص فقط به مدرسه و کلاس محدود می‌شود. در ارزشیابی عام به عمل فرد و ساختار عمل و اینکه چه مشخصاتی و چه ابعادی دارد، می‌پردازیم.

درون ما و آثاری در جهان خارج (اعم از انسان‌ها، اشیا و محیط طبیعی) می‌گذارد.

### ازدیابی عمل

اگر برای عمل دو بعد بیرونی و درونی را لحاظ کنیم، ارزشیابی نیز دارای دو عرصه درونی و بیرونی است. ارزشیابی درونی بیشتر به خود فرد بر می‌گردد مثل اینکه بداند نیت او از عمل چیست. در عرصه‌هایی مثل اخلاق و اعمال اخلاقی ارزشیابی عمل در جنبه‌های درونی بسیار مهم است. جنبه‌های اخلاقی به خود فرد مربوط است. هیچ کسی نمی‌تواند نیت

### بعد بیرونی عمل

اصل هر عمل بعد بیرونی آن است. وقتی مقدمات انجام عمل سپری شد، نوبت اقدام و بروز عمل فرا می‌رسد که می‌تواند بیرونی یا درونی باشد. قسمت بیرونی یا آشکار عمل، تبدیل به یک رخداد می‌شود که مانند هر رخدادی، آثاری به جامی گذارد. همه این آثار دست خود عمل نیست بلکه مانند تیری است که از کمان خارج شده است. البته آثار برخی از اعمال به خود ما بر می‌گردد و مبانی عمل (میل و شناخت و تصمیم) را تثبیت می‌کند. اعمال ما آثاری در

### بعد درونی عمل

عمل آدمی ابعاد درونی دارد و جنبه‌های شناختی در آن متصرور است. یعنی می‌توان ملاحظه کرد که فرد چه تصوری از آنچه می‌خواهد به آن اهتمام ورزد دارد و انگیزه و علایق او چیست؟ چه سلبی و چه ایجابی؛ دیگر اینکه چه تصمیمی برای انجام کار دارد. این‌ها در عین حال که دیده نمی‌شوند و جنبه باطنی دارند اما کیفیت و کمیت عمل فرد به آنها بستگی دارد.



یک مقدار از ارزیابی عمل وابسته به آثار بیرونی عمل است که بر محیط یا بر انسان‌ها اثر می‌گذارد. یک مقداری اثر عینی دارد، می‌توان جنبه‌های عینی با آثار خوب و بد را ارزیابی کرد، اعمال ما یک جنبه تفسیری دارد که همان توجهات است. گاهی احساس می‌کنیم که قضیه خیلی عینی نیست بلکه ما داریم توجیه می‌کنیم. در مسائل عینی می‌توان تاحدود قابل توجهی به توافق رسید، ولی مسائل غیرعینی قابل مخالفتند. وقتی دو نظر مختلف می‌بینیم وارد عرصه ذهنی شده و داریم تفسیر می‌کنیم، آمی این ویژگی را دارد که کار بد خود را توجیه می‌کند. در این موقع باید از طریق گفت و گو به نتیجه رسید، اینجا معیار «بین‌الذهانی شدن» است. فقط با ذهن خودمان نباید داوری کنیم. چون اگر ذهن ما بخواهد فراتر از عینیت برود هیچ تضمینی برای عدم خطا وجود ندارد. یک راه، خواستن نظر دیگران است تا به تعادل برسیم. پس باید دیگران را دعوت کنیم و ضمن گفت و گو با انها بینیم که کجا کار هستیم. این بخش تفسیری بخش دشواری است، چون شاید لازم شود به خودمان نمره منفی دهیم و رهایی از این بخش مشکل فقط با «بین‌الذهانی کردن» داوری است. البته در مورد اجماع نیز نمی‌توان گفت همیشه درست است اما شناس درستی در این حالت بیشتر است.

بله، سوگیری‌های ما یکی از مشکلات ارزشیابی است، مثلاً خودسوگیری باعث می‌شود ما ایرادهای کار خود را نبینیم و این طبیعی است. زیرا ما از همه به خودمان نزدیک‌تر هستیم. ایرادهای خود را کوچک‌تر و محسن خود را بزرگ‌تر می‌بینیم! درست برعکس دیگران. اینجا چه باید کرد؟ یک حرکت معکوس! یعنی عیبهای خود را بزرگ‌تر بینیم و محسن خود را کوچک‌تر. در مورد دیگران، در جنبه اجتماعی، برعکس می‌شود، یعنی باید عیبهای دیگران را کوچک‌تر و خوبی‌هایشان را زیادتر بگوییم تا به نقطه عدالت برسیم.

آدمی اصولاً باید متواضع باشد، چون آتش‌شانی در درون اوست که می‌خواهد فوران کند و بر همه مسلط شود. ولی تواضع مانع این کار می‌شود. ما باید واقعیت‌ها را بشناسیم و چون قبل تحریف دومی اتفاق بیفتند تا درست شود یعنی باید آنی بشویم که هستیم.

**◀ معلم:** چیزی که در ارزشیابی و خودارزیابی مهم است مرز توجیه شخصی و عقلانیت است. در این‌باره کمی توضیح دهید.

برای مشخص شدن مرز بین تلقی‌های شخصی و آثار واقعی و عقلانی اعمال و رفتار باید سراغ جنبه بیرونی آثار رفت.

فرد دیگر را بخواند و این خود فرد است که باید ببیند نیت یا تصمیم او در اینجا چه بوده است. نیت یا همان اندیشه‌ای که به تصمیم منجر می‌شود در عمل مانع نقش مهمی دارد.

**◀ معلم:** زمانی انگیزه به عمل منجر می‌شود که دو عامل یا سبب موجود باشد. اول اینکه فرد توان انجام عمل را داشته باشد و دوم اینکه مسلم بداند که نفع این عمل از ضررش بیشتر است. بفرمایید در بحث عاملیت انسان این دو نکته چه جایگاهی دارد؟

این خیلی مهم است، فرد کاری را که می‌خواهد انجام دهد، همیشه مورد ارزشیابی قرار می‌دهد. این ارزشیابی گاهی برای عمل و گاهی بر عمل است. همین که فرد می‌گوید آیا من می‌توانم این عمل را انجام دهم یا نه؟ و چه تصویری از توانایی خود دارد، ارزشیابی برای عمل است. بخشی از ارزشیابی که قبل از اقدام به عمل، توانایی‌ها و انگیزه‌های خود را ارزیابی می‌کنیم. علایق هم مهم است، چون وقتی علاقه نباشد عمل به خوبی انجام نمی‌شود. اینجاست که شناخت، علایق و نیت نهایی در ارزشیابی قبل از عمل و نیز بعد از عمل وارد کار می‌شود.

**◀ معلم:** آیا ما در خودارزشیابی دچار خطای نمی‌شویم؟



## در مقام دانش آموز

ایمان دهدشتی نسب  
دبير فیزیک، استان خوزستان

دارد که خود را همه چیزدان نشان دهد. گویی همه چیز را می‌داند و دیگر چیزی برای کشف کردن در سخن طرف مقابل برایش باقی نمانده است. اینجاست که جریان یادگیری در فضای گفت‌و‌گو قطع می‌شود. گفت‌و‌گو وقتی ثمربخش است و باعث

در راه خویش ایثار می‌باید، نه انجام وظیفه...» مارگوت بیکل، شاعر آلمانی یکی از آسیب‌های فضای تعامل در این است که گاهی فرد، تنها خود را موظف و آماده پاسخ‌گویی به طرف مقابل می‌داند. گویی علاقه



◀ معلم: در کنار اجماع و نظر عقلاء معيار دیگری وجود ندارد؟ گاهی فقط دو تفسیر وجود دارد و عینیت وجود ندارد. مثلاً دانش آموزی چیزی نوشته و من از آن همان را می‌فهمم که خودش فهمیده است. یعنی اینجا تفسیر من و او یکی است، اما گاهی دانش آموز مدعی می‌شود که ورقه او را با سوگیری تصحیح کرده‌ایم. در اینجا اجماع به درد می‌خورد تا نظر درست معلوم شود و برای درک درست نظر تفسیری، یا باید به اجماع روی آورده و یا به تبادل نظر با طرف مقابل پرداخت تا به واقعیت نزدیک‌تر شد. باید یادآور شوم که ارزشیابی قطعی نیست و تقریبی است. ارزیابی عمل آدمی چنین است که آن مقداری که معلوم است و آن مقداری که نامعلوم است ارزیابی می‌شود، پس تقریبی است و باید این را به دانش آموز و پدر و مادر او یادآور شد. علاوه بر این ما یک امر ذهنی را می‌خواهیم عینی کنیم و این با تقریب همراه است؛ چون من به طور دقیق ذهن دانش آموز را نمی‌بینم. من شکاری را در تاریکی می‌بینم و با تقریب آن را مورد هدف قرار می‌دهم. ما در یک فضای مه‌آلود کار می‌کنیم. پس باید حساسیت دانش آموز را در کسب نمره از بین ببریم.

◀ معلم: ارزشیابی در نظام آموزش و پژوهش تقریبی است ولی ما تلاش می‌کنیم آن را به عینیت نزدیک کنیم، در حالی که این فرایند، ذاتش تقریبی است و این در حالی است که والدین از ما فقط نمره‌هی خواهند.

ما با والدین بیگانه نیستیم. باید به والدین توضیح داد که اصولاً ماهیت ارزشیابی تقریبی است تا بدین وسیله اضطراب آن‌ها کم شود. منظور این نیست که نمره ۱۲ با نمره ۹ یکی است ولی واقعاً نمره ۱۲ و ۱۴ خیلی فرق ندارند.

لحظه‌ها خود را در مقابل یادگیرنده قرار دهم. روزی در یکی از کلاس‌های درس، دانش‌آموزی سؤالی را مطرح کرد که پاسخ آن را نمی‌دانستم. به او گفتم که سؤال خود را با بقیه دانش‌آموزان مطرح کند تا بینند که پاسخ‌های بقیه چیست. اگر دانش‌آموزی حین پاسخ گفتن به من نگاه می‌کرد و انتظار تأیید یا رد کردن از جانب من را داشت به او می‌گفتم که پاسخ خود را با همه کلاس در میان بگذارد. از بقیه دانش‌آموزان می‌خواستم راجع به پاسخ‌های داده شده حرف بزنند. هر پاسخی از طرف دانش‌آموزان شبیه قطعات پازلی بود که پاسخ نهایی را تکمیل می‌کرد و من هم مشتاقانه به پاسخ‌ها توجه می‌کردم. در نهایت، بعد از ده دقیقه، من و دانش‌آموزان با هم به پاسخ کامل تری رسیدیم. من به جای معلم بودن، در مقام دانش‌آموز وارد شدم و جریان یادگیری در کلاس درس شکل گرفت. گاهی لازم است معلم در نقش دانش‌آموز و موضوع یادگیرنده قرار گیرد و این اعتماد را در دانش‌آموزان ایجاد کند که، کلام و پاسخ خود را با شهامت و اطمینان بیان کنند.

#### منابع

۱. با هم اندیشیدن راز گفت‌و‌گو، نوشته مارتینه و یوهانس هارتکه مایر، ل، فریمن دوربیتی، ترجمه فاطمه صدرعاملی (طباطبایی)، اطلاعات، ۱۳۸۲.
۲. اصول و مبانی دیالوگ، نوشته دکتر محمدرضا نیستانی، یار مانا، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

اما چگونه می‌شود مهارت «گرایش به یادگیری» را در کلاس درس تمرین کرد؟ یکی از راه‌های مؤثر در این زمینه این است که معلم اجازه دهد سخنان دانش‌آموزان شنیده شود بدون رد یا تأیید کردن آن‌ها. به دانش‌آموزان اطمینان دهد که هر پاسخی می‌تواند از نگاهی پاسخ صحیح باشد. فضایی ایجاد شود که پاسخ‌های مختلف بین دانش‌آموزان رد و بدل شود. گاهی یک کلام

**گفت‌و‌گو وقتی ثمربخش است و باعث پیشرفت و ثبات ارتباط دو طرف می‌شود که هر دو بپذیرند که همه از مهارت‌های گفت‌و‌گو مورد توجه قرار می‌گیرد. «گرایش به یادگیری» با در نظر گرفتن این مهارت، شخص به خود می‌گوید که معلومات من نسبت به فلان موضوع تمام و کمال نیست؛ لذا همیشه آماده یادگیری است. در نتیجه طرف مقابل را به رسالت می‌شناسد و به او احساس امنیت می‌دهد تا نظر خود را بگوید.**

در فضای آموزشی که معلم در یک سو و دانش‌آموز در سویی دیگر قرار دارد، ارتباطی یکسویه شکل می‌گیرد. گاه پیش می‌آید که کلام یا پاسخی از طرف دانش‌آموز قبل از اینکه کامل شنیده شود از طرف معلم، قطع می‌شود. مثلاً فرض کنید که دانش‌آموزی در حال پاسخ‌گویی به یک سؤال است و معلم ناگهان کلام او را قطع کند و بگوید: «نه این طور نیست». پیش از آنکه اجازه دهد که تمامی ابعاد پاسخ دانش‌آموز شناخته شود. در پی این قطع کلام معلم، حضور و شخصیت دانش‌آموز نادیده گرفته می‌شود و این‌گونه در دانش‌آموز القا می‌شود که معلم همه چیز را می‌داند و دانش‌آموزان هیچ چیز نمی‌دانند.

با درنظر گرفتن مهارت «گرایش به یادگیری» از سوی معلم، فرصت کافی به دانش‌آموز داده می‌شود که کلام خود را در یک فضای امن بیان کند و جریان یادگیری در کلاس درس دوسویه و بلکه چندسویه شود.



## شفافسازی قوانین

حسین عاملی

کارشناس حقوقی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران



استفاده نمایند و چنانچه رئیس اداره یا معاون اداری و مالی وی، بنا به مصالح اداری، با درخواست مخصوصی مجبور موافقت ننمایند و بدین سهیله امکان استفاده از این مخصوصی تا پایان سال تحصیلی برای فرد فراهم نگردد، این مخصوصی برای سال بعد ذخیره خواهد شد.» در تبصره اصلاحی این ماده مصوب ۱۳۸۲ علاوه بر توضیحات مخصوصی رسته آموزشی بیان می‌دارد: «اعطای مخصوصی ذخیره حداقل تا میزان یک ماه در سال به حساب مخصوصی طبقه‌بندی مشاغل معلمان کشور برای یک بار در طول دوره خدمت به منظور انجام مناسک حج تمتع (حج واجب) در ایام تشرف به مکه مکرمه و مدینه منوره با رعایت سایر مقررات این فصل امکان پذیر می‌باشد. این مخصوصی قابل ذخیره نیست و از سال ۸۲ لازم الاجراست.»

زنان سپرپست خانوار و...» که قانون آن شهریور ۹۵ به تصویب رسید بحث «۴۴ ساعت اشتغال در هفته» مطرح شده که مانند موارد فوق الذکر شامل حال معلمان نمی‌گردد.

همچنین در خصوص مخصوصی ذخیره، در ماده ۱۷ آیین نامه مخصوصی ها آمده است: «تعطیلات فصلی مستخدمین رسته آموزشی و دیگر مستخدمینی که از این نوع تعطیلات استفاده می‌کنند تا میزان یک ماه در سال به حساب مخصوصی استحقاقی آنان در همان سال منظور می‌شود.»

این قبیل مستخدمین چنانچه در طول سال به علیه به میزان کمتر از تعطیلات فصلی استفاده نمایند ملزم می‌باشند با درخواست مخصوصی، مازاد مدت تا یک ماه را در طول سال تحصیلی از مخصوصی استحقاقی با رعایت مقررات این آیین نامه

در این شماره قصد داریم به صورت کوتاه چند مورد از مسائل قانونی را که موجب ابهاماتی برای معلمان گرامی شده و گاهی منجر به تقديم دادخواست به دیوان عدالت اداری می‌شود و وقت و هزینه آنها را تلف می‌کنند، بپردازیم؛ مسائلی چون هزینه غذا، هزینه ایاب و ذهب، تقليل ساعت کاری با نوان دارای شرایط خاص و مخصوصی ذخیره سالانه.

در قانون بودجه سالانه و ضوابط اجرایی آن کمک‌هزینه‌های رفاهی از جمله هزینه ایاب و ذهب و غذای روزانه برای کارمندان دولت در نظر گرفته شده است که دارای شرایطی است. این شرایط در دستورالعمل‌های نحوه پرداخت کمک‌هزینه‌های رفاهی بیان می‌گردد.

در بند الف دستورالعمل نحوه پرداخت کمک‌هزینه‌های رفاهی کارکنان دولت به شماره ۱۴۵۹۳/۳ ۲۰۰/۲۱۲۰/۸۸۰۲۱۲۰ مورخ

معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وقت رئیس جمهوری، در خصوص هزینه مستقیم و غیرمستقیم غذای روزانه بیان می‌دارد: «... برای کارمندانی که در روز حداقل ۸ سال کار می‌کنند، با تشخیص بالاترین مقام مسئول... تعیین می‌شود.» می‌بینید که این قانون هم ۸ ساعت کار در روز را شرط نموده و هم موافقت بالاترین مقام مسئول را.

در خصوص هزینه ایاب و ذهب نیز در بند ب دستورالعمل مذکور «اشغال ۴۴ ساعت در هفته» را شرط می‌نماید. پس با عنایت به شروط مندرج در این دستورالعمل این مزايا به معلمان تعلق نخواهد گرفت.

اما در خصوص تقليل ساعت کاری به بانوان داری شرایط خاص (از جمله داشتن معلوماتی شدید و همسر یا فرزند معلول و

# شعر

## پشت خط (۱۶)

### از «در شعر» ازیت «دارد»

شاعران و معلم‌های ادبیات، همواره با کسانی سروکار دارند که سودای شاعری در سر دارند و نوشته‌ها و سروده‌هایشان را برای اظهار نظر عرضه می‌کنند. گاهی هم از آن‌ها می‌خواهند که کتاب و مقاله مناسب برای مطالعه معرفی کنند. اما در برخی کتاب‌ها و نوشته‌ها، شعر با جملاتی از این دست معرفی شده است:

- شعر باید شعریت داشته باشد.
- هر کلمه در شعر، هویت خود را دارد.
- هر کلمه در شعر سنتگیت دارد. «از»، در «سنگ»، در شعر سنتگیت دارد.

شعر، ازیت دارد.

- شعر، صاعقه ناگهانی ناخودآگاه است که بر خودآگاه پرتو می‌افکند.

- شعر، جوشش درونی است که با کوشش فرمالیستی شکل می‌گیرد.

\*\*\*

حالا شاعر تازه‌کار با خواندن جملاتی از این دست، از کجا بداند که آنچه نوشته است شعریت دارد یا ندارد؟ از کجا بداند که هر کلمه شعر او هویت دارد یا ندارد؟ حتی شاعر حرفای و با تجربه از کجا بداند که وقتی شعر می‌گوید، صاعقه

## شانت (۷)

پس از معرفی شش مؤلفه شعر ماندگار، یعنی شعریت، شک‌اندازی، ارتباط، انتقاد، نوبودن و نمکین بودن، به هفتمنی ویژگی شعر، که می‌تواند در ماندگاری آن مؤثر باشد، به اجمال پرداخته می‌شود و آن تعالی‌بخشی است. تعالی‌بخشی یکی از اصلی‌ترین رکن‌های یک اثر ماندگار در هر قالب، از جمله در شعر، است. اگر به بیان دیگر بخواهیم به آن اشاره کنیم همان پیام و مفهوم و معنا و در مجموع اخلاق انسانی و معنوی است. این نگاه مسلماً ریشه در معنامداری و پیامداری یک اثر دارد که اصلی‌ترین مکتب ادبی آن کلاسیسیسم محسوب می‌شود.

تعالی‌بخشی یک شعر ریشه در باورها و اعتقادات یک شاعر دارد خواه متأثر از حس انسانی و نوعدوستی او باشد و خواه متأثر از باور و اعتقاد دینی و مذهبی او، هر کدام که باشد با پیشینه ذهنی خود و با هدف پیش‌برندگی مخاطب به سروden شعر روی می‌آورد.

مکاتبی چون فرمالیسم، اومانیسم، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم تا حدودی مقابل این نگاه واقع می‌شوند چون بر خلاف نظر کلاسیک‌ها که پوسته و شکل عارض بر درون و محتواست. از نظر این‌ها پیام و محتوای عرض بر شکل و محتوای باورمدار و ایدئولوژیک یک شاعر است.

یقیناً یک شاعر متعالی، یا متمایل به تعالی، در اثر خود سعی بر آن دارد که به نوعی پند و تذکر و حکایات و امثال مثبت و اخلاق‌مدار را زینت و هدف کلام خود قرار دهد تا خواننده یا شنونده به او تأسی کند و از راه و مسیر ناپسند و منحط دور شود و به پسندیده‌ها و مقصد تأیید شده، که به کمال و تعالی او ختم می‌شود، روی بیاورد و به نوعی شعر را در جایگاه دستگیر و راهنمای آموزگار زندگی خود ببیند تا او را از بیراهمه‌ها و کڑی‌ها نجات بدهد.

عمولاً مخاطبان اشعار تعالی‌بخش افراد عاقل‌تر و بالغ‌تر هستند و از مرحله احساسی‌گری و واکنش‌های عاطفی رقيق عبور کرده‌اند به همین جهت مطالعه بوستان و گلستان سعدی و مثنوی مولانا و حافظ و ... اغلب مربوط به افرادی می‌شود که پس از عبور از مرحله نایختگی به سمت پختگی و تکامل در حال حرکت هستند.

اگر به برخی آثار ماندگار و پر مخاطب در طول تاریخ زبان فارسی دقت کنیم خواهیم دید که این عنصر، یعنی تعالی‌بخشی، و به عبارتی اخلاق‌مداری و نگاه انسانی در آن‌ها قوی است.

علی آبان

**بهاریه‌ها**

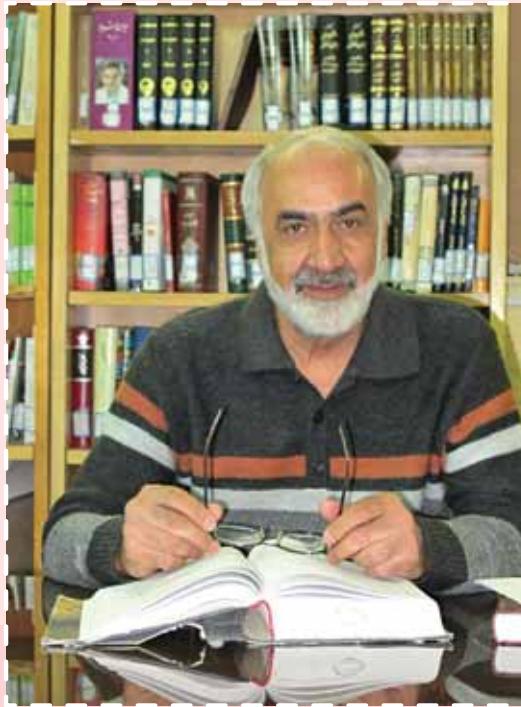
چگونه رد شده است  
از در آهنی،  
از دوربین‌های مداربسته،  
از دیوارهای بلند سیمانی،  
چگونه خودش را  
به باغچه کوچک زندان  
رسانده است؟  
بهار!

در آپارتمان ما،  
بهار،  
با سبزه‌های کوچک چندروزه،  
به خانه می‌آید.  
و چند روز بعد  
با سطل‌های زباله  
از خانه می‌رود.

چه در داور است  
بهار بیاید و  
در هزار توی زندگی موریانه‌ها  
اسیر شود!  
درست شبیه پروانه‌ای  
که گرفتار آمده باشد،  
در فکر عنکبوتی.

بر کندهای دودزده  
کنار اجاق  
جوانه‌ای کوچک.

مهردی مظفری ساوجی



نمی‌سراید. باید روش رفع اشکال وزنی را به او بیاموزیم. کسی که شعرش بیان ذهنیات تکراری است، نیازی به آموختن سبک‌شناسی و مکاتب ادبی ندارد، طبعاً باید به او بیاموزیم که شعر، بیان ذهنیات و درد دل و آه کشیدن‌های احساساتی نیست.

برای کسی که به زبان و بیان و موسیقی شعر مسلط است، اما شعرش آشفته و نابسامان است، سخن گفتن از شیوه‌های نقد ادبی بی‌فایده است. او باید بیاموزد که نظام هنری و زبانی شعر چیزی بیشتر از وزن و قافیه و سطربندی است.

اسماعیل امینی

## معلمان شاعر

سید سعید عندلیب در بیستم تیرماه ۱۳۴۴ خورشیدی در بیرون از تهران متولد شد. وی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است و در مدارس و دانشگاه‌های استان خراسان جنوبی تدریس کرده است. عندلیب از اولین کسانی است که در نشریه «دیدگاه» قلم زده است.

۵. گرد حصار شهر ... (مجموعه شعرهای آزاد)
۶. چارانه‌های ناچار (مجموعه رباعیات)
۷. ابونصر مشکان در تاریخ بیهقی
۸. سیمای آفریدگار هستی در حمامه ماندگار پارسی
- شعری از سعید عندلیب می‌خوانیم:

- چند نمونه از آثار او:
۱. کاوشی در «بومی سروده»‌های رسمی خراسان جنوبی
۲. منظومه‌ای بر فرهنگ عامه مردم خراسان جنوبی
۳. نغمه‌های آشنا (مجموعه چند دفتر از بومی سرودهای بیرونی)
۴. نغمه‌های اعنای اشنا (مجموعه شعرهای کلاسیک)

## غزال بی‌مهری

روزها مثل ابر می‌گذرند  
پیش از آنی که طی شوم برگرد  
زخم بر سینه بیش از این مگذار  
نیست این، رسم دوستی، نامردا!

شعله‌های خیال می‌رقصدند  
دور شومینه دل تنگم  
تو خیالت چهقدر پررنگ است  
برخلاف منی که بی‌رنگم

یک سبد سیب، میوه ممنوع،  
دو انار از بهشت پیرهنت  
خوشهای گندم گناه‌آلود  
ساغری بوسه از لب و دهنت

می‌کنم روز قبل آماده  
سبد سور و سات عشقم را  
تا میادا که جای بگذارم  
بسته خاطرات عشقم را

نذر من کن غزال بی‌مهری  
به امیدی که عشق برگردد  
به امیدی که باعثیت عشق  
التفات تو بیشتر گردد

با خودم دوره می‌کنم هر شب  
سَبَقَ روزهای آبی را  
چشم‌های گلاب‌افشان را  
دست‌های پر از گلابی را

عشق و دریا و آسمان را من  
می‌کنم در نگاه تو تفسیر  
هیچ دریا و آسمان در من  
مثل چشمت نمی‌کند تأثیر

چشم‌هایت شبیه اقیانوس  
گیسوان تو جنگلی انبوه  
لب تو مستی غزل دارد  
گونه‌هایت تعزی بشکوه

با شب گیسوان یلداییت  
ماه همسایه است مهتابم!  
یاد تو میهمان هر شب من  
تا سپیده مگر که می‌خوابم؟!

یادگاری نوشهام ای عشق!  
روی دیوار بی‌وقایی تو  
کاش قسمت نمی‌شدم هرگز  
قفس تنگ آشنای تو

من به یک دار خشک دل بستم  
که مرا نغمه در گلو خشکاند  
و به طوفان برگریزانی  
که مرا مثل برگ می‌رقساند

عندلیب بهار بود من  
برگریز غم تو لالم کرد  
از نگاه تو پرسشی کردم  
چشم تو نادم از سؤالم کرد

دکتر عباس معدن دار آرانی رئیس هیئت مدیره انجمن مطالعات تطبیقی  
آموزش و پژوهش ایران:

## عملکرد آموزش و پژوهش



### از سایر نهادهای اجتماعی بهتر است

گفت و گو: نصرالله دادار  
عکاس: غلامرضا بهرامی



از حرف و حدیث‌هایی که امروز در جامعه‌ما زیاد به گوش می‌رسد، مقایسه نظام آموزشی ایران با نظام‌های آموزشی بیشتر فته دنیاست.

مقایسه‌ای که اگرچه در جای خود امری ضروری و مبارک است؛ اما به گفته متخصصان تعلیم و تربیت تطبیقی، نوعاً از روش‌های علمی تبعیت نمی‌کند و بیشتر دچار عوامل‌زدگی است و به همین دلیل هم برای نظام آموزشی کشور خیلی مفید واقع نخواهد شد؛ شاید هم موجب یأس و نامیدی در نظام آموزشی کشور گردد.

در این زمینه گفت و گویی با دکتر عباس معدن دار آرانی، رئیس هیئت مدیره انجمن آموزش و پژوهش تطبیقی ایران، انجام داده‌ایم که در ادامه خواهید خواند.

دکتر عباس معدن دار آرانی، دکترای آموزش و پژوهش تطبیقی و فوق دکترا از دانشگاه هنگ‌کنگ و عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان است.

ایشان معتقد است: آموزش و پژوهش ایران نسبت به بودجه‌ای که دریافت می‌کند و تعداد مخاطبان و حجم کارکنانی که دارد، عملکردش نسبت به سایر نهادهای اجتماعی کشور خیلی بهتر است و یک بخش از رسالت وزیر آموزش و پژوهش این است که قسمتی از هزینه‌های دولت در سایر نهادهای اجتماعی را جذب آموزش و پژوهش کند تا بتوان برای حضور بیشتر دانش آموزان در مدارس برنامه‌ریزی کرد؛ زیرا با این کار، میزان آسیب‌های اجتماعی در کشور کمتر خواهد شد.

**انجمن آموزش‌وپرورش تطبیقی** ایران با چه اهدافی تأسیس شده است؟ این تشکل اولین انجمن آموزش‌وپرورش تطبیقی است که بعد از ۳ تا ۴ دهه از توسعه علوم تربیتی در ایران، در حوزه آموزش‌وپرورش تطبیقی تأسیس شده است.

اهداف آن هم، در مرحله نخست، توسعه دانش و علم آموزش‌وپرورش تطبیقی است.

هدف بعدی انجمن، آشنایی با طرز برخورد سایر کشورها با چالش‌های آموزش‌وپرورش و آشنایی با نوآوری‌های آموزشی آن کشورهاست.

هدف دیگری که انجمن دنبال می‌کند انکاس موقتی‌های نظام آموزشی ایران در صحنه بین‌المللی است.

احساس من این است که در فضای آموزشی ایران معلمان ما توانایی انجام خیلی از کارها را دارند و سایر کشورهای دنیا طالب دانستن چگونگی موفقیت ایران در این کارها هستند. در حقیقت این گونه نیست که موضوع یک طرفه باشد و ما هیچ درسی برای آموزش به سایر کشورها نداشته باشیم.

**این انجمن تابه حال به مطالعات و فعالیت‌هایی بر روی آموزش‌وپرورش دنیا انجام داده است؟**

انجمن ما یک انجمن تازه‌تأسیس است. ما عمده وقتمن را در دو سال گذشته، به زیربناسازی اختصاص داده‌ایم. خرید سایت، معرفی انجمن به پژوهشگران علوم تربیتی - روان‌شناسی در ایران، گرفتن مجوز اولین فصل‌نامه علمی- پژوهشی در حوزه مطالعات تطبیقی آموزش‌وپرورش به زبان انگلیسی از وزارت علوم و برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی در آذرماه ۱۳۹۶ در دانشگاه لرستان بخشی از فعالیت‌های انجمن در دو سال گذشته است.

**آقای دکتر! اساساً مطالعات تطبیقی آموزش‌وپرورش بر چه اصول و مبنای انجام می‌شود و در این کار چه روش‌هایی اصالت دارند؟**

باید توجه داشت که اساساً آموزش

اما به نظر من، اگر در سطح ملی در نظر بگیریم، بین نهادها و وزارت‌خانه‌های موجود در ایران، نظام آموزشی ایران بالاترین نمره را کسب می‌کند. ولی باز همه این‌ها جای بحث دارد. به عنوان مثال، اگر از منظر اجتماعی نگاه کنیم و آسیب‌های اجتماعی را در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم آموزش‌وپرورش به عنوان تربیت‌کننده انسان در ایران موفق نبوده است. وقتی می‌بینید کشوری مانند هند با بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت فقط ۱۵ میلیون پرونده در دادگاه‌ها دارد نشان‌دهنده این است که یک جای کار نظام آموزشی ما می‌لنگد.

اما اگر از نظر فردی نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم سالیانه ۱۵۰ هزار فرد متخصص تربیت‌شده داریم که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و تمام این مغرهای رفته محصول همین نظام آموزشی هستند، پس می‌توانیم بگوییم درخت نظام آموزشی ایران میوه‌های خوبی می‌دهد.

یکی از تحقیقات خیلی خوبی که در سال ۲۰۱۵، توسط نشست جهانی اقتصاد در داووس در زمینه ساختارهای رقابت جهانی انجام شده، ده شاخص را در زمینه رقابت جهانی بررسی بود که عبارت بود از ۱. نهادسازی و نوآوری، ۲. اندازه بازار، ۳. آمادگی تکنولوژیکی کشورها، ۴. توسعه بازار مالی، ۵. کارایی بازار کار، ۶. حجم و سایز بازار کالا، ۷. آموزش عالی، ۸. بهداشت، ۹. آموزش ابتدایی و ۱۰. محیط کلان اقتصادی. وقتی این موارد را بررسی می‌کنیم، ۲ تا ۳ مورد از این شاخص‌ها به آموزش‌وپرورش مربوط و بقیه موارد به سایر نهادهای اجتماعی مربوط می‌شود و آن‌ها هستند که دچار کاستی‌اند. درست است که آموزش‌وپرورش برای سایر نهادها نیروی انسانی تربیت می‌کند، اما اینکه بعد از آن نهادها چه اتفاقی برای این نیروها می‌افتد که کارایی لازم را ندارند، دیگر نظام آموزشی مقصو نیست، بلکه آن نهاد یا سازمان مقصو است. می‌خواهم بگوییم که تنها یک شاخص

## هدف انجمن

آموزش‌وپرورش تطبیقی ایران، توسعه دانش و علم آموزش‌وپرورش تطبیقی، آشنایی با طرز برخورد سایر کشورها با چالش‌های آموزشی آن کشورهاست.

در مؤسسه مطالعات علوم انسانی و علوم اجتماعی برای حل این چالش و مشکل پس اولین کاری که باید انجام بدهیم و احساس می‌کنم رسالت انجمن است، این است که محققان علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران را با چگونگی انجام درست تحقیقات تطبیقی آشنا کنیم.

**نظر شما، به عنوان یک متخصص مطالعات تطبیقی در آموزش‌وپرورش، درباره نظام آموزش ایران چیست؟**

اگر نظام آموزشی ایران را در سطح بین‌المللی در نظر بگیریم، شکست خورده نیست به این دلیل که طبق آمار یونسکو، ایران در بین ۱۸۸ کشور جهان، معمولاً رتبه‌اش بین ۹۰ تا ۱۱۰ است. یعنی ما خیلی از معیارهای بین‌المللی را کسب کرده‌ایم البته نمره خوبی هم نداریم.



هم شبیه است.

در مرحله اول باید این روش را انتخاب کند. در مرحله و گام دوم باید نظامهای آموزشی را که با هم شبیه هستند ولی نتایجشان متفاوت است.

ما باید ترکیه را بررسی کنیم که نزدیک ماست و قرابات‌های زیادی با آن‌ها داریم. ولی متأسفانه در ایران روال عکس است و به سراغ استراتژی چهارم می‌روند و این یکی از نقص‌هایی است که ما در چالش‌های روش‌شناسختی تحقیقات تطبیقی در ایران با آن مواجه هستیم و باید آن را رفع کنیم.

برای اینکه در مقایسه با سایر کشورها، دچار خودکمی‌یابی افراطی یا خودباآوری افراطی شویم چه پیشنهادی دارید؟

اولین موضوعی که احساس می‌کنم باید انجام شود این است که مطالعات تطبیقی را هرچه بیشتر علمی کنیم و آن را از حالت عوامل‌زدگی خارج سازیم. امروز یک مشکلی که نظام آموزشی ایران دارد این است که خیلی از حملات به نظام آموزشی کشور توسط خود متخصصان تعلیم و تربیت، که باید پاسخگو باشند، صورت می‌گیرد. بسیاری از این متخصصان نه تنها خودشان پاسخگوی

طبق آمار یونسکو، رتبه نظام آموزشی ایران در بین ۱۸۸ کشور جهان، معمولاً بین ۹۰ تا ۱۱۰ می‌باشد. یعنی خیلی از معیارهای بین‌المللی را کسب کرده‌ایم ولی نمره خوبی هم نداریم

آموزشی متفاوت را که نتایج متفاوتی هم دارند با یکدیگر مقایسه کنیم؛ مثل همین فنلاند و ایران که شما گفتید. اتفاقاً در ایران بیشتر محققان و اکثر کسانی که علاقه‌مند به تحقیقات تطبیقی به صورت تخصصی نیستند ولی از طریق تأثیر تکنولوژی‌های مثل اینترنت و تلگرام با بحث پیشرفت کشورهای دیگر عمده‌تر اروپایی آشنا شده‌اند، استراتژی چهارم را انتخاب می‌کنند ولی ما این استراتژی را صلاحتی بدل می‌کنیم. می‌توان گفت از لحاظ انتخاب نداریم. می‌توان گفت از لحاظ انتخاب یک محقق، هر محقق باید در مرحله اول نظامهای آموزشی‌ای را منتخب کند که هم مشاهدات‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی دارد و هم نتایج نظامهای آموزشی‌شان با

نمی‌تواند ملاک خوبی برای ارزیابی و سنجش باشد.

این شاید یک بخش از رسالت ما در انجمن آموزش و پژوهش تطبیقی باشد که بگوییم نظام آموزش و پژوهش ایران نسبت به نهادهای اجتماعی دیگر عملکرد خوبی داشته است و دارد. ما نباید دچار خودباآوری افراطی و خودباختگی یا خودکم‌بینی افراطی شویم. بهنظر من، آموزش و پژوهش ایران نسبت به بودجه‌ای که می‌گیرد و تعداد دانش‌آموzan و حجم کارکنان و معلماتی که دارد عملکردش نسبت به نهادهای اجتماعی دیگر کشور خیلی بهتر است و این مغفول مانده است.

مدتی است که در جامعه‌ما، نظام آموزشی کشور با نظامهای آموزشی کشورهای دیگر مانند ژاپن، فنلاند و ... مقایسه می‌شود و نتیجه‌گیری می‌کنند که نظام آموزشی مانسیت به این کشورها خیلی عقب است. بهنظر شما این نوع مقایسه‌ها تا چه اندازه درست و علمی است؟

در مطالعات تطبیقی، در امر پژوهش، چهار استراتژی متفاوت وجود دارد. یکی از این استراتژی‌ها این است که نظامهای مشابه را که نتایج مشابهی دارند با یکدیگر مقایسه کنیم.

استراتژی دوم آن است که نظامهایی را که مشابه هستند ولی نتایج متفاوت دارند با یکدیگر مقایسه کنیم. به عنوان مثال می‌توانیم نظام آموزشی ایران و جمهوری آذربایجان را با هم‌دیگر مقایسه کنیم که مشابههای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی دارند ولی از جهت نتایج با هم متفاوت هستند.

استراتژی سوم این است که نظامهای آموزشی متفاوت را که نتایج یکسانی دارند با یکدیگر مقایسه کنیم. به عنوان مثال ایران و شیلی را با هم‌دیگر مقایسه کنیم. ما دو کشور هستیم با فاصلهٔ حגרافیایی زیاد از یکدیگر که فاصلهٔ مذهبی، اجتماعی و تاریخی فراوان هم با هم‌دیگر داریم و وجه اشتراکمان بسیار کم است. ولی از نظر نتایج آموزش با هم‌دیگر مشابههای داریم. دو نظام آموزشی که با هم‌دیگر متفاوت است ولی نتایج یکسانی دارند.

استراتژی چهارم این است که نظامهای



سخت‌گیری آموزشی هم بیشتر شود. اگر مابخواهیم مانند فنلاند بچه‌هارا آزاد بگذاریم، مانند همان تجربه «دیوی»، خواهد شد که مدرسه پیشرو را بناهاد و خودش فهمید که اجرایی نیست و آن را تعطیل کرد. با وجود آنکه تعالیم دیوی بسیار زیبا بود اما در عمل دچار مشکل شد.

الآن نظام آموزشی ایران از ۲۴ ساعت شبانه‌روز، فقط چهار ساعت، بچه‌ها را در اختیار دارد و بچه‌ها بیشتر اوقاتشان را در کنار والدین سپری می‌کنند؛ تازه ما همه آسیب‌های اجتماعی را هم متوجه آموزش‌پرورش می‌کنیم.

از والدین می‌پرسیم از ساعت ۱۳ تا ۲۴ شب که بچه‌ها در منزل هستند، چه برنامه‌ای برای فرزندتان دارید؟ می‌گویند: یک ساعت درس می‌خوانند و بقیه آن را صرف بازی‌های کامپیوتري یا سرچ اینترنتي می‌کنند. طبیعی است که این همه بیکاری در خانه آسیب اجتماعی ایجاد می‌کند. با این وضع چرا باید حجم کتاب‌های درسی را کم کنیم؟ آیا باید با وجود این همه ساعت بیکاری باز هم وقت فراغت بیشتری در اختیار بچه‌ها بگذاریم و کاری کنیم که آزادتر باشند؟ من می‌گوییم آموزش را کره‌ای کنیم. دانش‌آموز از صبح به مدرسه برود و تا ساعت ۶ بعد از ظهر در مدرسه بماند.

بسیاری از مادران در تابستان‌ها دعا می‌کنند که ای کاش هر چه زودتر مهرماه بباید تا فرزندانشان به مدرسه بروند. زیرا از بودن فرزندانشان در خانه یا آپارتمان خسته و عصی می‌شوند.

به‌نظر من یک بخش از رسالت وزیر آموزش‌پرورش این است که قسمتی از هزینه‌های دولت در سایر نهادهای اجتماعی را جذب آموزش‌پرورش کند تا بتوان برای حضور بیشتر بچه‌های مدارس برنامه‌ریزی کرد. با این کار میزان آسیب‌های اجتماعی در جامعه کمتر خواهد شد. زیرا می‌توان از این طریق، بسیاری از بزهکاری‌های کوچک و بزرگی را که در نوجوان و جوان وجود دارد، برطرف کرد.

آقای دکتر معدن‌دار، از اینکه وقت خود را در اختیار مجله رشد معلم قراردادید، متشکریم.

در کتابی که ویراستار آن بودم، خواندم که معلم ابتدایی در فنلاند در حیاط مدرسه ایستاده است و دانش‌آموزان با متر قد او را اندازه می‌گیرند. دیدگاه دیگر، کره‌جنوبی است که زمانی تراکم جمعیت آن در کلاس به ۶۰ دانش‌آموز می‌رسید. شاید امروزه به ۴۵ تا ۵۰ نفر در هر کلاس رسیده است.

جمعیت کره‌جنوبی ۸۰ میلیون نفر است (برابر کشور ما) ولی مساحت آن شاید به اندازه استان همدان ما باشد. ولی همین کشور در آزمون‌های بین‌المللی رتبه خوبی کسب می‌کند.

اگر از من به عنوان یک تطبیق‌گر پرسند که کدام یک از این دو کشور (فنلاند و کره‌جنوبی) را برای ایران ملاک قرار می‌دهید، در پاسخ خواهم گفت: کشور کره‌جنوبی را ملاک قرار می‌دهم.

مشکلات نیستند بلکه فقط نقش منتقد را بازی می‌کنند که این خودش یک معضل و مسئله است. در صورتی که اولین چیزی که باید ملاک قرار گیرد علمی کردن مطالعات تطبیقی است.

دوم تأکید بر معیارها یا شاخص‌ها و نشانگرهایی است که مورد قبول دنیاست. مثلاً نسبت دانش‌آموز به معلم یک شاخص است که در هر جای دنیا می‌فهمند و آن را قبول دارند و ما باید همین شاخص را ملاک قرار دهیم. مثلاً در امارات متحده عربی، در مقابل هر پنج دانش‌آموز یک معلم دارند و در کشور ما در مقابل هر ۱۷ با ۱۸ دانش‌آموز یک معلم وجود دارد. البته به‌نظرم شاخص ما خوب است و در این شاخص ۱۲۰ کشور بعد از ما هستند.

یک دیگر از انتقاداتی که به نظام آموزشی ما می‌شود، بالا بودن حجم و محتوای کتب درسی است و می‌گویند محتوای کتب درسی ایران نسبت به سایر کشورها زیاد است. نظر شما در این باره چیست؟

در اینجا دو نوع نگاه و یا سیاست وجود دارد. یک نگاه، نگاه کره‌جنوبی است و دیگری نگاه فنلاند است. نگاه فنلاند آموزش همراه با بازی است.



دو قسمت از سلسله بحث‌های آموزش کارآفرینی باقی مانده است. در این شماره به معرفی تعدادی از ظرفیت‌های قابل استفاده از آموزش کارآفرینی می‌پردازیم و در شماره پایانی، برخی تجارب آموزشی قابل اعتماد را که توسط همکاران خوش‌فکر و پر تلاشمان در گوشه و کنار کشور گزارش شده است معرفی خواهیم کرد. در شماره قبل، ظرفیت‌های مدرسه را به دو سطح سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کردیم. در این شماره، ابتدا، بعضی ظرفیت‌های سخت‌افزاری و بعد برخی ظرفیت‌های نرم‌افزاری را معرفی می‌کنیم. در شماره قبل، ظرفیت‌های بوفه مدرسه به منظور توسعه آموزش کارآفرینی با جزئیات زیادی تشریح شد. این نکات در اغلب موارد برای سایر ظرفیت‌های سخت‌افزاری دیگر نیز مصدق دارد. به همین دلیل و با هدف پرهیز از تکرار، در این نوشتار به نکات مشترک اشاره نمی‌شود.

## ۱. ظرفیت‌های سخت افزاری

### تولید کود ارگانیک، خواره، حیاط بازاریابی، بازآفرینی داخل مدرسه

بعد از بوفه مدرسه، که در شماره پیشین مفصلابدان پرداخته شد، مکان‌های فوق از بالاترین ظرفیت‌های سخت افزاری محسوب می‌شوند. پشت بام مدرسه یکی از بهترین مکان‌ها برای ایجاد درآمد ثابت برای مدرسه، دانش‌آموزان و سرمایه‌گذاران است. تاکنون تجربه‌های موفقی در داخل و خارج گزارش شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: نیروگاه برق خورشیدی، گلخانه، بازیافت، تولید کود ارگانیک و رمی کمپوست و نمایشگاه دائمی دستاوردهای دانش‌آموزان و مدرسه.

### نیروگاه برق خورشیدی

به‌دلیل وجود آفتاب فراوان در اغلب نقاط کشور ما، در آینده‌ای نه چندان دور، نیروگاه خورشیدی یکی از منابع درآمدی کشور ایران حتی در سطح خانوادها و بنگاه‌های نیروگاه‌های خورشیدی در مدارس، علاوه بر کسب سودی بیش از دو نیم برابر سود بانکی در مدارس، زمینه آموزش عملی و چه بسا بروز استعدادهای تعدادی از دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد. این کار سرمایه‌ای اولیه چندانی لازم ندارد و دوره راهاندازی آن بسیار کوتاه است. به همین دلیل، برای افراد کم‌حوصله مناسب است، زیرا خیلی زود نتیجه کار خود را در قالب درآمد حاصل از فروش برق می‌بینند.

### گلخانه

صنعت کشاورزی با سرعت حیرت‌آوری

عمومی مرتبط با مدرسه و نیز اداراتی که والدین دانش‌آموزان در آن‌ها فعالیت می‌کنند، بازارهای محلی و فروشگاه دائمی مدرسه.

### بازیافت

میزان تولید زباله در مدرسه، اعم از خشک و تر، قابل توجه است. اثربخشی آموزش حفظ محیط‌زیست، که یکی از اهداف آموزش رسمی در مقاطع و پایه‌های مختلف محسوب می‌شود، می‌تواند به کمک فعالیت‌های عملی افزایش یابد. در هر مدرسه حتماً تعدادی دانش‌آموز یافت می‌شوند که بتوان آن‌ها را به صنعت بازیافت جلب کرد.

این بخش ظرفیت خوبی در شکل‌گیری برنده جهانی در حوزه تعلیم و تربیت و مدرسه‌داری دارد. تعداد قابل توجهی تحقیق دانش‌آموزی در حوزه علوم انسانی و رفتاری می‌توان در همین بخش تعریف نمود که علاقه‌مندان و بودجه‌های جهانی دارد. باید به دانش‌آموزان یادآور شویم که شغل رفتگری شغلی بسیار شریف و ضروری است، طوری که بدون وجود رفتگران حتی مترقبی ترین جوامع نیز به زباله‌دانی‌های بزرگ تبدیل می‌شوند. لذا می‌توان این فعالیت را به دیده فرضی طلایی برای ثروت‌آفرینی فردی و جمعی نگاه کرد مشروط بر آنکه نگاه صنعتی و کلان داشته باشیم. برای بازیافت زباله و تبدیل این کار به صنعتی پولساز و پایدار باید درس فناوری را آموخت و صد البته آن را تجربه کرد.

### تولید کود ارگانیک

مقدار قابل توجهی از زباله‌های تولید

در تمام زمینه‌های ممکن در حال توسعه است. نگرانی اصلی جامعه جهانی از کمبود غذا به دلیل افزایش جمعیت، محدودیت منابع و آلودگی هواست. این موضوع باعث شده تا رشته‌های زیادی اعم از مکانیک، شیمی، زیست‌شناسی و زیست‌فناوری، فیزیک، الکترونیک، هوش مصنوعی، رایانه، بازاریابی، محتوا دیجیتال، فین‌تک و دهه رشته و رشته میان رشته دیگر به صورت جدی در گیر موضوعاتی شوند که نهایتاً منجر به افزایش بهره‌وری عوامل تولید مانند آب، خاک، هوا، نور، کود، و بذر، کاشت داشت، برداشت و فعالیت‌های بعد از آن شامل بازاریابی و فروش و توزیع در صنعت کشاورزی گردد.

در مدرسه می‌توان با راهاندازی یک گلخانه کوچک اما حرفه‌ای، دانش‌آموزان را در طیف گسترده‌تری از علایق درگیر کرد و از همین طریق در آن‌ها انگیزه مطالعه دروس اصلی را، به صورت تخصصی و براساس نیازهای هر دانش‌آموز، تا سطح پژوهش و کاربرد افزایش داد.

محصولات ارگانیک مخصوصاً سبزی و صیفی‌جات - که متأسفانه سرانه مصرف آن در دانش‌آموزان پایین‌تر از حد نیاز است - می‌تواند محور این فعالیت قرار گیرد. با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌توان محصولات را از دورترین نقاط به بزرگ‌ترین مراکز خرید معرفی و منتقل نمود.

بازارهایی که می‌توان این محصولات را عرضه کرد عبارت‌اند از: مصرف روزانه دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌های آنان، میهمانی‌های کلاسی، مدرسه‌ای و خانوادگی، ادارات و نهادهای دولتی و

می‌گویند: «این‌ها پیشنهادهای خوبی است، ولی ما مجاز این کار را نداریم» یا «بودجه لازم برای این کار زیاد است» یا «پول کافی برای انجام چنین کاری را نداریم» یا «فرد آموخته دیده نداریم» و سخنانی از این دست. روشن است که وقتی سابقه کاری از پیش موجود نباشد، مشکلات و موانع هم زیاد خواهد بود. مخصوصاً که نظام آموزش‌وپرورش کشور ما به دلیل متمرکز بودن حساسیت‌های زیادی دارد. با این وجود، نمونه‌های متعددی وجود دارد که بعضی مدارس با تلاش هوشمندانه، پیگیری، جدیت، و کمی هم خلاقیت مowanع مهمی را از سر راه برداشت‌اند. انجام اغلب طرح‌ها یا پیشنهادهای این نوشتار، به سرمایه زیادی نیاز ندارد و از طریق روش‌های سنتی مانند تعاوونی یا حمایت صنعتگران محلی و یا روش‌های نوین مانند سرمایه‌گذاری جمعی قابل تأمین است.

روی دیگر این سکه اما طلایی است. داشتن تجربه موفق، هرچند کوچک، باعث دیده شدن توسط رسانه‌های رسمی و غیررسمی و اقبال عمومی به آن می‌شود که در این صورت جمع‌آوری منابع مالی کمترین مشکلی است که می‌توان متصور شد. اگر تصور می‌کنید که این یک کار از نوع مرغ و تخم مرغ است، احتمالاً اشتباه می‌کنید. تا زمانی که یک سرمایه‌گذار از کاری هرچند کوچک شگفت‌زده و احساساتی نشود و در کنار آن، تعقل و تفکر و منطق و نظم را استنباط نکند، پول نخواهد داد. بنابراین، گام اول بر عهده مدرسه است، اما خیلی زود خواهید دید که حمایت‌های مختلف آغاز خواهد شد.

۱. تکالیفی که در قالب پژوهش درسی به دانش آموزان داده می‌شود، از ظرفیت‌های مذکور هستند. در این دروس می‌توان هر یک از عناصر مدل کسب‌وکار، طرح تجاری، کار تیمه‌ی، تفکر استراتژیک و بسیاری اهداف آموزشی دیگر را قرار داد.

۲. مدرسه به مناسبت‌های مختلف افرادی را برای سخنرانی یا برگزاری کارگاه آموزشی به مدرسه دعوت می‌کند. کارآفرینان و نیز دانش آموزانی که در زمینه کارآفرینی موفق هستند می‌توانند برای این سخنرانی‌ها که هدف اصلی آن‌ها انگیزشی خواهد بود بیشتر دعوت شوند.

۳. همچنین می‌توان از سخنرانان اجتماعی، فرهنگی و مذهبی خواست تا در حوزه ثروت‌آفرینی، کارآفرینی، اقتصاد و تأثیرات آن‌ها در موقفیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی سخن بگویند.

۴. برخی فعالیت‌ها مانند گردش علمی را می‌توان به مراکز خرید، بازارهای بورس کالا و خدمات، بازارچه‌های محلی و مرزی و فصلی و مانند آن اختصاص داد و از دانش آموزان خواست تا به موضوعاتی مانند قواعد موقفيت در آن بازارها، الگوهای قیمت‌گذاری، اصول ارتباطات، الگوهای اعتمادسازی میان فعالان اقتصادی، بازیگران و نقش‌های مختلف آن بازار و مانند آن بینشند و استباط خود را در قالب انشا یا گزارش و مانند آن‌ها ارائه نمایند.

## فعالیت‌های کارآفرینی و جذب منابع نوشتار

اغلب در هنگام مطرح کردن این پیشنهادها به مدیران مدارس، با این حرف آن‌ها مواجه شده‌ام که

شده در مدرسه را زباله‌هایی غیر از شیشه، پلاستیک، فلز و کاغذ تشکیل می‌دهند. این‌ها غذای خوشمزه‌ای برای نوعی کرم است که قیمت هر کیلوگرم از فضولات آن بسیار زیاد است، زیرا این فضولات بهویشه در شهرهایی که به باغات و مزارع نزدیک هستند، مشتریان فراوان دارد. همچنین، می‌توان از آن به عنوان کود مصرفی گلخانه مدرسه نیز استفاده نمود و فروش آن در بازارهای تخصصی و حتی جهانی نیز ممکن است. در این حوزه، دانش آموزان می‌آموزند که علاوه بر گاو و گوسفند و کرم ابریشم و مانند آن، کرم‌ها نیز مخلوقات مفیدی هستند.

## نمایشگاه دائمی تولیدات دانش آموزی

بکی از محبوب‌ترین مکان‌ها برای دانش آموزانی که مایه‌هایی از کارآفرینی دارند برگزاری نمایشگاه از تولیدات خودشان است.

لازم نیست شما فضای زیادی به این کار اختصاص دهید. همچنین اگر در تأمین فضای زیاد محدودیت دارید، می‌توانید کالا و خدمات دانش آموزی را بر مبنای یک معیار مانند عملکرد آنان در دروس یا فروش یا رضایت مشتریان از محصولاتشان ساماندهی نمایید.

## ۲. ظرفیت‌های نرم‌افزاری

درس‌ها و فعالیت‌های بسیاری در مدرسه وجود دارد که از ظرفیت نرم‌افزاری برخوردارند و می‌توان چاشنی کارآفرینی را بدانها افزود و بهره زیادی برد. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

## خودآگاهی در بازخورد فرایندی

دکتر نیره شاه محمدی

در گفت و گویی که با دانشجو معلم داشتم به اینجا رسیدیم که یکی از اهداف نظام آموزشی ایجاد تغییر در ساخت شناختی و فرایندهای ذهنی یادگیرندگان است به روی که دانش آموز بتواند آنچه را در یک موقعیت یادگرفته است در موقعیت های دیگر به کاربرد یکی از ابزارهای تحقق این هدف ارائه بازخوردهای دقیق و مناسب است و یکی از کاربردی ترین انواع بازخورد، بازخورد فرایندی است.

## بازخورد فرایندی چیست؟

### ویژگی و شرایط ارائه

بازخورد فرایندی نوعی بازخورد توصیفی - شناختی است که معلم با هدف بهبود بخشیدن به شیوه یادگیری دانش آموز و آگاه کردن او از نقاط قوت و ضعف خود، در یادگیری مطالب و مباحث دروس مختلف، به دانش آموز ارائه می کند. دانش آموز با به کارگیری این نوع از بازخورد از سوی معلم به صورت مدام، هدفمند، متعدد و قبل درک به میزان یادگیری خود پی می برد و در می یابد که در فرایند یادگیری، خود در چه وضعیتی قرار دارد و باید چه فعالیتها و کارهایی را انجام دهد تا یادگیری خود را بهبود بخشد.

موفقیت توسط وی باعث دلگرمی و افزایش علاقه اش به یادگیری می شود و کمک می کند تا فعالیت های مورد نظر معلم را با رغبت بالایی انجام دهد. بر این اساس معلم در ارائه بازخورد فرایندی لازم است اعتماد به نفس، حس لیاقت و داشتن کفايت را در دانش آموز رشد دهد و از جملاتی استفاده کند که بر روان او تأثیر مثبت بگذارد. بنابراین بازخوردهای فرایندی لازم است براساس شناخت معلم از دانش آموز ارائه گردد تا از این طریق خوب داوری و انگیزش برای حرکت و تلاش را در دانش آموز فراهم کند.

بازخورد فرایندی باید به گونه ای باشد که دانش آموز آن را درک کند تا در او انگیزه و علاقه لازم برای اصلاح یادگیری خود بوجود آید. از این رو معلم با توجه به اهداف آموزشی و سن، سطح درک، شرایط روحی و روانی و نوع عملکرد دانش آموز، با به کارگیری بازخورد فرایندی، او را از نتیجه عملکرد خود آگاه می سازد. به عبارت دیگر بازخوردی که توسط دانش آموز درک شده باشد او را یک گام جلو می برد. بدون توجه به توانایی های دانش آموز نمی توان از او انتظار تغییر و اصلاح داشت. ایجاد احساس خوب در دانش آموز نسبت به خود و شناسایی میزان

## فواید بازخورد فرایندی

این نوع رفتار چقدر مورد توجه او است. این دقت و ریزبینی معلم باعث می شود رفتار مناسب در دانش آموز تقویت شود. عنصر اصلی بازخوردهای فرایندی به کارگیری جملات تشویقی است. زیرا از این طریق دانش آموز به انجام فعالیت دلگرم و تحریک می شود و حس لیاقت و داشتن کفايت در او رشد می کند. برای مثال معلمی که به دانش آموز خود می گوید: «من رنگ آمیزی زیبای شما را می بسندم» دانش آموز خود را دلگرم و خوشحال می سازد و به او انگیزه می دهد.

از آنجا که بازخورد فرایندی بر پیشرفت و موفقیت دانش آموز تأکید دارد و معلم کوچک ترین پیشرفت دانش آموز را در فرایند یادگیری در نظر گرفته و او را تشویق می نماید این نوع از بازخورد برای دانش آموزان ضعیف و شلوغ کلاس کاربرد زیادی دارد. برای مثال موقعي که دانش آموز شلوغ کلاس به آرامی مشغول انجام تکلیف است، ارائه بازخورد به هنگام و مناسب معلم مانند گفتن «آفرین پسرم! چه خوب و آرام تکلیفت را انجام می دهی، با این کارت مرا خوشحال کردی» به او می فهماند که

\* منبع

1. Brookhart Susan M. (2008) How to give effective feedback to your students: Association for supervision and curriculum development (ASCD)

# نرdban بازنشستگی

خبر: در ماندانهای، جزیره‌ای در اقیانوس آرام، اخیراً یک اپلیکیشن بازی به بازار آمده که نام آن «چالش معلمی» است. این بازی ۱۸ مرحله دارد و براساس سیستم آموزش و پرورش همان منطقه طرح‌بیزی شده است. اگر معلم بتواند آن را با موفقیت پشت سر بگذارد در نهایت قدرت رسیدن به بازنشستگی را پیدا خواهد کرد. بنا به گزارش خبرنگار ما، این مراحل از این قرار است:

رویا صدر  
تصویرگر: سام سلاماسی



**مرحلهٔ ۱:** غول کنکور را که ۱۲ سال تمام دنبالت کرده بود دست به سر کن و آن را سرانجام شاگردانست بفرست.

**مرحلهٔ ۲:** یک طرح درس بنویس و بی توجه به دنیا و مافیها سال‌ها از روی آن درس بده.

**مرحلهٔ ۳:** بعضی همکارانت که چشم ندارند آسایش تورا ببینند ممکن است اصرار داشته باشند که تو با فناوری مدرن آشنا شوی و سعی کنی از آن در درس‌ها استفاده کنی.

**مرحلهٔ ۴:** درس‌هایی را که هیچ وقت نمی‌دانستی به چه دردی می‌خورد توی کله بچه‌هایی فروکن که آن‌ها هم نمی‌دانند این درس‌ها به چه دردی می‌خورد.

**مرحلهٔ ۵:** طرح ارتقا و رتبه‌بندی را بالا بردن نمره‌ها تا آسمان هفتم و کمی پیست شایسته و در خور تحسین مقاله‌ها جدی بگیر که اگر مثل کارت سخت ممکرانت

جدی نگیری، برای گذشتن از مراحل بعدی کارت سخت ممکرانت

**مرحلهٔ ۶:** به توصیه بعضی همکارانت برای برگزاری کلاس جبرانی گوش بد.

سعی نکن مثل معلم‌های ناشی! با همان تعداد ساعات کلاس و همان میزان دستمزد بسوزی و بسازی...



**مرحله ۷:** در ملاقات با اولیای دانش آموز لزومی ندارد صاف و بوسټ کنده حرف بزنی. سعی کن در برابر ادعای: «بچه من اینستینه، تقصیر شماست» عکس العمل شایسته نشان دهی. مباداً بگویی که کمک مالی آنها به مدرسه دردی را از نمره فرزندشان دوانی کند که کار خودت را برای رفتن به مراحل بعدی سخت کرده‌ای.

**مرحله ۸:** پذیر باش. ممکن است کارشناس ارشد ناسا باشی،

جنگل مناطق حاره کار کنی و یا معلم ادبیات باشی تو را بفرستند تا به دیستانی‌ها شیوه آبیاری گیاهان دریابی کارائیب را یاد بدهی. با روی باز و آغوش گشاده کلاس‌های پیشنهادی را پذیر و متأسفانه جای دیگهای خالی نیست.

**مرحله ۹:** شجاع باش. شجاعت رویه رو نشدن با واقعیات را داشته باش. در یک جلسه خواستگاری از همان ابتدای نگو که من یک معلم ساده‌ام.

**مرحله ۱۰:** در کلاس آموزش حین خدمت شرکت کن و سعی کن حین چرت زدن، چشمان را چهار طاق باز نگه داری.

**مرحله ۱۱:** با وجود تب شدید، به مدرسه برو، چون بچه‌ها درس دارند و بیجا کردی میریض شدی.

**مرحله ۱۲:** اوراق امتحانی و تکالیف درسی بچه‌ها را به منزل بیاور و به آهنگ گوش نواز اعتراض خانواده دل سپار.

**مرحله ۱۳:** رأس ساعت ۵/۵ از خواب بیدار شو و خودت را برای اجرای نقش در فیلم اکشن: «هل نده، خفه شدیم» در مترو و اتوبوس آماده کن.

**مرحله ۱۴:** اگر دیرت شده، درستی بگیر. بی خیال تیکتاک ساعت و بوق و ترافیک و دود باش و با: «صبح قشنگت بخیر» شبکه‌های تلگرامی مشغول شو.



**مرحله ۱۵:** سراغ کار دوم و سوم برو و همزمان، هندوانه‌هایی را که در طول تاریخ زیر بغل معلمان گذاشته شده است وزن کن و نتیجه را برایمان بفرست.

(در مقیاس چارک)

**مرحله ۱۶:** وعده‌های داده شده به فرهنگیان را از طریق رسانه‌ها دنبال کن و لبخند بزن و فیلمش را برای ما بفرست تا به قید قرعه در برنامه‌های تلویزیونی به عنوان تماشاچی با گل لبخند، بنشینی و کف بزنی.

**مرحله ۱۷:** به عنوان ارباب رجوع به اداره‌ای برو و توی شاگرد تنبل ساخت که الان دارد پشت میز مدیریت برایت پشت چشم نازک می‌کند لبخند بزن.

**مرحله ۱۸:** اگر تمام مراحل فوق را با موفقیت گذراندی، آمادگی این را داری به افتخار بازنشستگی نائل شوی و راحت در خانه بنشینی و بگویی: «آخیش... خدا را شکر هنوز زنده‌ام... راستی جای نمی‌شناشید

حق التدریسي معلم بخواهد؟!»



# سریازی که به خانه بازگشت

نویسنده: دینوبوترازی

ترجمه: رضانجفی

تصویرگر: میثم موسوی

پس از انتظاری دراز، زمانی که دیگر همه دست از امید شسته بودند، یوهانس به خانه‌اش بازگشت. یکی از روزهای تیره و تار مارس بود. کلاغ‌ها به این سوی و آن سوی پرواز می‌کردند. هیچ کس انتظار ورودش را نمی‌کشید. مادرش دوید تا او را در آغوش بکشد و فریاد زد: «خدایا، ای خدای بزرگ!» خواهر و برادر کوچک یوهانس یعنی آنا و پتر نیز از شادی به جنب و جوش درآمده بودند. لحظه‌ای که ماههای مددید در آرزوی رسیدنش بودند، فرا رسیده بود؛ لحظه‌ای که بارها آن را در خواب دیده بودند.

یوهانس به طرز مرموزی خاموش بود و هیچ نمی‌گفت، حالتی داشت که گویا می‌کوشید از گریستن خودداری کند. مادر با گریه گفت: «بگذار تماشایت کنم، بگذار تماشایت کنم، چقدر بزرگ شده‌ای، اما چرا رنگت پریده؟»

مادر با گفتن این جمله در حالی که ترسیده بود، عقب رفت. به راستی هم رنگش پریده بود؛ مثل آنکه رقم و توانش رو به پایان باشد با حالتی خسته کلاهش را از سر برداشت و به میان اتاق رفت و روی صندلی نشست. چقدر خسته به نظر می‌رسید، چقدر زیاد! گویی لبخند زدن هم برایش دشوار بود. در نظر مادرش شبح غریبی می‌نمود که هر لحظه با او بیگانه‌تر و گریزپاتر می‌شود.

مادر گفت: «پسرم دست کم پالتویت را در بیاور.»

با خودش فکر کرد چقدر پسرش بزرگ، زیبا، موقر و متین شده است، گرچه به طور ترسناکی رنگش پریده بود، اما خب زیاد مهم نبود.

«پالتو را در بیاور و بده به من، مگر

نمی‌بینی اتاق گرم و خفه است؟» ولی یوهانس ناگهان با حرکتی تند و ناخودآگاه خودش را عقب کشید و از ترس آنکه مبادا دست به پالتو بزنند، آن را محکم‌تر به خود پیچید.

«نه، ولم کنید، نمی‌خواهم پالتویم را

در بیاورم، از آن گذشته همین الان باید بروم.»

«باید بروم؟ بعد از دو سال تازه برگشته‌ای و حالا می‌خواهی دوباره بروم؟!»

پس از خوشحالی بزرگ بار دیگر رنجی بزرگ مادر را فرا گرفت، رنجی که تنها مادرانی آن را حس می‌کنند که طعم فراق را چشیده باشند.

«همین حالا می‌خواهی بروم؟ یعنی نمی‌خواهی چیزی بخوری؟»

یوهانس بالخندی غمناک در حالی که گوشه گوشه خانه را می‌تگریست گفت: «مادر جان من غذا خورده‌ام.»

و در حالی که به نقطه‌نامعلومی در گوشة اتاق خیره شده بود با لحن مرموزی ادامه داد: «در منزلگاهی که در نزدیکی اینجاست توقف کرده‌ایم.» «آه پس تو تنها نیستی؟ کی با تو بود؟ از رفقای هم‌گروهانت بود؟ شاید پسر ما نباوده؟»

«نه، نه، در بین راه با او آشنا شدم، الان بیرون خانه در انتظار من است.»

«بیرون منتظر است؟ چرا او را به خانه دعوت نکردی؟ او را در خیابان تنها گذاشتی؟»

مادر به سوی پنجره رفت و آن سوی بازچه، پشت نرده‌های حیاط مرد سیاهپوشی را دید که با خونسردی جلوی خانه قدم می‌زد. بی‌آنکه بداند چرا. در قلبش، در کشاکش شادی فراوان، رنجی مرموز و ناشناس حس کرد که هر لحظه بیشتر قلبش را می‌فسردد. یوهانس گفت: «این طور بهتر است، ممکن است این کار برایش مشکل ایجاد کند.»

«پس دست کم یک جام آب برایش ببریم، نظرت چیست، عیبی که ندارد؟» «نه، مادر، راستش را بخواهی او کمی غیرعادی است، ممکن است عصبانی شود.»

«این دیگر چه جور آدمی است؟ خب چرا با او دوست شده‌ای؟ از جان تو چه می‌خواهد؟» پسر آهسته و غمگین گفت: «درست

نمی‌شناسم، توی راه به او برخوردم. خودش با من آمد. چیز دیگر هم نمی‌دانم.»

مثل اینکه خوش نمی‌آمد در این مورد صحبت کند. مادر هم که این را حس کرده بود، برای اینکه او را ناراحت نکند، موضوع صحبت را عوض کرد و گفت: «هیچ فکر کرده‌ای اگر ماریا بفهمد تو برگشته‌ای چه حالی می‌شود؟ می‌دانی چقدر شاد خواهد شد؟ حتیاً به خاطر اوست که دائماً می‌گویی باید بروم. این طور نیست؟ می‌خواهی پیش او بروم؛ مگر نه؟»

یوهانس فقط لبخند تلخی زد؛ لبخندی که گویی می‌خواهد و نامود کند که شاد است ولی به علت درد پنهانی که در دل دارد نمی‌تواند. مادر نمی‌توانست در ک کند که او چرا چنین غمگین نشسته است؟ چقدر شبیه روزی بود که می‌خواست راهی جمهه جنگ بشود.

اما اکنون دیگر جنگ به پایان رسیده و او بازگشته است. دیگر زندگی جدیدی پیش روی اوست. روزهای آزادی، روزهایی که در آن ترس و نگرانی نیست، چه شب‌هایی که با هم خواهند بود و چه شب‌هایی که آن‌ها پشت سر نگذاشته بودند، شب‌هایی که ناگهان صدا و نور انفجار آن را شعله‌ور می‌ساخت و هر لحظه به یاد آدمی می‌انداخت که شاید عزیزش نیز در چنین آتشی سوخته و نابود شده باشد و یا شاید بدن عزیزش با سینه‌ای تیر خورده و خونین در میان خرابه‌ها، خشک و بی‌حرکت افتاده است. نه، دیگر این تصورات به پایان رسیده بود. او دیگر بازگشته بود. چقدر ماریا خوشحال می‌شد. به زودی بهار می‌رسید و آن‌ها در کلیسای دهکده ازدواج می‌کردند. حتیاً هم روز یکشنبه مراسم عقد را اجرا می‌کردند. آوای دلنشیں ناقوس به گوش می‌رسید و بیوی گل‌ها هوا را عطرآگین می‌کرد. اما چرا یوهانس چنین رنگ‌پریده و پریشان است؟ چرا نمی‌خندد؟ چرا از نبردهایش حکایت نمی‌کند؟ چه رازی

نفوذ کرد. گویی می خواست بگوید: «تو را به خدا مادر بیش از این چیزی نگو و قلبم را مخراش!»

دوباره گفت: «مادر، من باید بروم؛ آن کسی که بیرون ایستاده، در انتظار من است. حالا دیگر خیلی بی تاب شده است.»

خواست از در بیرون برود که خواهر و برادرش، که هنوز از دیدنش شادمان بودند، خود را به او چسباندند و پتر گوشه پالتوش را بالا زد تا ببیند یونیفرم برادرش در زیر پالتو چه شکلی است. مادر که می ترسید یوهانس ناراحت شود، داد زد: «پتر دست نزن، چه می کنی؟»

به راستی نیز وقتی مرد جوان این کار برادرش را دید ناراحت شد و داد زد: «نه، نه! دست نزن!» ولی دیگر دیر شده بود. پالتو برای لحظه‌ای کنار رفت.

مادر در حالی که دست‌هایش را جلوی دیدگانش گرفته بود با لکن فریاد کشید: «آه! یوهانس، پسر عزیزم، چه به روز تو آمده است؟ چرا چین خون آلوود؟»

یوهانس برای بار دیگر و برای آخرین بار، کاملاً مصمم گفت: «مادر، وقت رفتن من فرا رسیده، او را خیلی در انتظار گذاشتم. خدا حافظ آنا، خدا حافظ پتر، خدا حافظ مرد عزیزم.»

وقتی به در رسید ناگهان خارج شد. گویی او را باد برد. او و مرد سیاهپوش سوار بر اسب به تاخت رفتند؛ اما نه به سوی خانه ماریا بلکه به سوی افق و به سوی کوههای سر به فلک کشیده.

مادر به اطراف خود نگاه کرد. قلبش خاموش و خالی شده بود، چنان خالی و تهی که حتی قرون متمامدی هم نمی‌توانست آن را پر کند.

حالا ماجرای آن پالتلو و علت غم پسرش را می فهمید؛ مهمتر از همه مردی که در خیابان قدم می‌زد، همان مرد سیاهپوش و صبور جلوی خانه را. به راستی که او چقدر مهربان، دل‌سوز و صبور بود. او یوهانس را به خانه بازگردانده بود تا با مادرش بدرود گوید، تا سپس او را به سفری ابدی ببرد.

بگشاید، یوهانس همان گوشه ایستاد و اثاثیه نو، پرده‌های سفید و دیوارهای شفاف را تماشا کرد. همه‌چیز تمیز و مرتب بود. گفت: «قدرت زیباست؟»

اما چشم‌هایش به طرز عجیبی بی‌حالت و سرد می‌نمود. در این لحظه مادر متوجه شانه‌های نحیف و تکیده پسرش شد و غمی که هیچ‌گس نمی‌توانست آن را دریابد وجودش را فرا گرفت. آنا و پتر معمومانه پشت سر برادرشان ایستاده بودند و در انتظار ابراز شادی و سروری بودند که دیده نشد. دوباره گفت: «قدرت زیباست، متشرکم مادر!»

دیگر چیزی نگفت. با دیدگانی مضطرب به این سو و آن سو نگاه می‌کرد. به کسی می‌مانست که بخواهد گفت و گوی رنج‌آوری را پایان دهد. مرتب با دلواپسی از پنجه‌های مرد سیاهپوش رانگاه می‌کرد که آهسته به چپ و راست قدم می‌زد. با کوشش فراوان تبسمی کرد. اما مادرش سرانجام صریش تمام شد و به او التماس کرد: «تو را به خدا یوهانس، راستش را بگو، چه مشکلی داری؟ تو چیزی را از من پنهان می‌کنی، چرا نمی‌خواهی به من بگویی؟»

پسر لب‌هایش را گاز گرفت؛ گویی بخواهد نالهاش را در گلو خفه کند. سپس با صدای غم‌آلود و آهسته گفت: «مادر جان، حالا دیگر وقت رفتن من رسیده است، دیگر باید بروم.»

«باید بروی؟ خب حتماً خیلی زود بر می‌گردد، مگر نه؟ می‌روی پیش ماریا؟»

یوهانس با صدای دردنگ گفت:

«نمی‌دانم، مادر، نمی‌دانم!»

در این لحظه او به سوی در رفت و کلاه سربازی‌اش را بر سر نهاد.

«اما حتماً بر می‌گردد، این‌طور نیست؟ من عمو یولیوس و عممهات را هم خبر می‌کنم، خیلی خوش حال خواهند شد و با هم جشن خواهیم گرفت، سعی کن قبل از غروب حتماً برگردی.»

یوهانس نگاه تلخ و دردنگی به مادرش انداخت؛ نگاهی که تا اعمق وجودش

در این پالتلوست؟ چرا آن را در خانه و در این گرما از تن بیرون نمی‌آورد؟ شاید لباس زیر آن پاره و کشیف است. اما از مادر نباید که خجالت کشید و چیزی را پنهان کرد.

خیلی دوست داشت به افکار پسرش بی‌برد. شاید مريض است یا خيلي خسته؟ اما چرا حرفی نمی‌زند؟ چرا او را نگاه نمی‌کند؟

به راستی هم یوهانس کمتر به او نگاهی می‌انداخت. حتی به نظر می‌آمد که می‌کوشند نگاهش با نگاه او تلاقي نکند. گویا از چیزی می‌ترسید. در این مدت برادر و خواهر کوچکش با گنجکاوی و تعجب بی‌آنکه چیزی بگویند، نگاهش می‌کرندند.

مادر با دلسوزی و مهربانی گفت: «آه! یوهانس چقدر خوب است که تو پیش ما برگشته‌ای، بگذار برایت قهوه‌ای بیاورم.»

با شتاب راهی آشپزخانه شد و یوهانس را با برادر و خواهر کوچک‌ترش تنها گذاشت. چقدر در این دو سال عوض شده بودند. در سکوت همیگر را نگاه می‌کرندند و گاهی لبخندی شرمگین به هم می‌زنند، گویی در گذشته قرار و مدار خاصی با هم گذاشته باشند. مادر با فنجانی قهوه گرم و مقداری نان شیرینی برگشت. پسر قهوه را سرکشید و با بی‌میلی نان شیرینی را گاز زد.

مادر دلش می‌خواست بپرسد: «چرا این‌طور با بی‌میلی می‌خوری؟ مگر سابق‌ا از آن خوشت نمی‌آمد؟» اما هیچ نپرسید، دلش نمی‌خواست او را ناراحت کند. در عوض پرسید: «یوهانس! دلت نمی‌خواهد دوباره اتاقت را ببینی؟ تختخواب نو برایت گذاشته‌ام. داده‌ایم دیوارها را سفید کرده‌ام. یک چراغ جدید هم برای اتاقت خریده‌ام. بیا ببین، باز هم نمی‌خواهی؟... نمی‌خواهی پالتلویت را به من بدھی؟ نمی‌بینی اتاق چقرن گرم شده است؟»

یوهانس پاسخی نداد، از صندلی بلند شد و به اتاق رو بدر و رفت. چنان آرام حرکت می‌کرد که گویی در خواب راه می‌رود. مادر جلوتر دوید تا پنجه‌ها را

# جشن نوآوری

## گفت و گو با معلمان برگزیده

زینب و کیل

معلم علوم متوسطه اول تهران

عکس: میثم اصغری

هر سال جشنواره‌های مختلفی برگزار می‌شود که در آن‌ها معلمان از سراسر ایران دور هم جمع می‌شوند و چند روزی را در کنار همکاران خود می‌گذرانند. یکی از بهترین لحظات در این جشنواره‌ها، که تجربیات نابی در آن نهفته است، گفت و گوهای بین معلمان است. در این گفت و گوها معلمی می‌تواند معنای تازه‌ای پیدا کند. در حاشیه دومین جشنواره نوآوری در فرآیند آموزش و یادگیری به گفت و گو با چهار گروه از معلمان نشستیم.

گفت و گوی  
نخست

نجمه عطایی، فاطمه درودی و فاطمه امیر تیموری از استان کرمان:

### رتبه اول در نوآوری در روش‌های ایجاد

### نشاط و انگیزه در کلاس درس

و مورد داوری قرار می‌گیرد و این توجه برای ما ارزشمند است. ماسالی که مشهد در جشنواره درس پژوهی بودیم روزهای بسیار خوبی را داشتیم، وقتی به شهرستان خودمان برگشتم با همکاران خود جلسات درس پژوهی را در درس آمادگی دفاعی راهنمایی کردیم.

آیا فکر می‌کنید می‌توانید در گروههای آموزشی دستاورده از این جشنواره داشته باشید؟

بله، می‌توانیم همین فیلم را در گروههای آموزشی به نمایش بگذاریم و به گفت و گو پردازیم.

بینید، من فقط نه ساعت تدریس دارم و بقیه ساعت‌هایی کار هستم، اما اجازهٔ فعلیت در گروههای آموزشی را به من نمی‌دهند. کاش یک اتفاقی در اداره داشتیم به نام اتفاق درس پژوهی. من

می‌توانم سفر درس پژوهی در استان کرمان بشوم. من کتاب درس پژوهی آفای دکتر آرایی را چندین بار خوانده‌ام. این کار هیچ هزینه اضافه‌ای هم ندارد. در نهایت چیزی که ما می‌خواهیم این است که برای جایزه به ما پول ندهنند؛ این بول تمام می‌شود و می‌رود، ما به دنبال کتاب‌های آموزشی هستیم که بتوانیم در معلمی خود پیشرفت کنیم.

اگر سال بعد از شما در مورد بهبود جشنواره پرسنده، چه پیشنهادی دارید؟ ما بسیار علاقه‌مندیم بدانیم که معلمان هم‌رشتهٔ ما چطور کلاسشان را پیش می‌برند. اگر یک سی‌دی داشته باشیم و از روش تدریس معلمان دیگر مطلع شویم خوب است.

تعاد محورها هم زیاد بود، شاید بهتر باشد دو محور نشاط و روش تدریس را داشته باشیم. هم چنین پخشندۀ باید شفاف و اطلاع‌رسانی زمان‌ها بهتر باشد. مافیلم خود را با کلی نگرانی در تاریخ اعلام شده آماده کردیم، اما به یکباره مهلت دریافت آثار تمدید شد. تمام شب‌هایی که فردای آن من تصمیم به فیلم‌برداری داشتم تصویب بیدار بودم و فکر می‌کردم چطور می‌توانم تدریس خلاقانه‌تری داشته باشم.

انگیزه شما از شرکت در این جشنواره چه بود؟ در جشنواره‌ها به کار ما توجه می‌شود

با توجه به اینکه شما در برنامه هفتگی سه ساعت درس علوم دارید چه قدر فرصت دارید از روش‌های فعال تدریس استفاده کنید

سال قبل که رتبه سوم کشوری را گرفته بودم چیزهای زیادی یاد گرفتم. برای مثال تلاش هرچه بیشترم روی این موضوع است که نقش اصلی را بچه‌ها ایفا کنند. همان طور که در فیلم دیدید بچه‌ها جای غده پانکراس را ابتدا روی مولاژ و سپس روی بدن خودشان اندام‌های داخلی را پیدامی کنند و سپس هر کدام نقش یک اندام را به عهده می‌گیرند.

در قسمتی از فیلم کلاس به این اشاره می‌کنید که دانش‌آموزان در مورد موضوعی تحقیق کنند، آیا در این زمان شما منبع هم معرفی می‌کنید؟ بله معمولاً سایت و کتاب معرفی می‌کنیم. مثلاً برای زیست‌شناسی، سایت خانه زیست ایران را معرفی می‌کنیم.



آذر سه راب بیگ، معلم دینی و قرآن، الهام میری دبیر انگلیسی و فرشته  
شاه محمدی دبیر مطالعات اجتماعی از استان کرمانشاه:

## نوآوری در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یادگیری



برنامه را نباید جایگزین کلاس کرده، زیرا تعامل بین دانشآموز و معلم از بین می‌رود که اصلاً درست نیست. این برنامه قرار نیست جایگزین روش‌های سنتی شود، فقط در موقع اضطرار می‌توان به این برنامه رجوع کرد. برای مثال دانشآموزی به هر دلیلی نتوانسته است در کلاس حضور داشته باشد.

### فناوری به شما چه کمکی کرد در این نوع آموزش؟

برای دانشآموزان کار با کامپیوتر جذاب است، ما ذوق و تمرکز بچه‌ها را در انجام کار دیده‌ایم. بیشترین کمک این نرم‌افزار جذابیت آن برای بچه‌ها است.

### از جهت سرعت و دقت در انجام کار چطور؟

نرم‌افزار همان لحظه به دانشآموز بازخورد می‌دهد، اگر نمرة کسب شده کمتر از ۶۰ درصد نمره کل باشد امکان شروع مرحله بعد وجود ندارد و دانشآموزی که نمی‌توانست وارد مرحله بعد بشود یک آموزشی می‌دید و بعد دوباره به ادامه کار با برنامه می‌پرداخت. یکی از مزیت‌های این برنامه این است که دانشآموز در خانه در ساعت دلخواه خود به آموزش می‌پردازد.

### دانشآموزی که غایب است در جلسه بعد باید به نحوی گزارش خود را در استفاده از برنامه بدهد؟

بله همیشه در جلسه اول سراغ دانشآموزانی که غایب بوده‌اند می‌رویم و از آن‌ها در مورد درس جلسه قبل می‌پرسیم.

ببینید این برنامه به تدریج کامل می‌شود. امروز من دو نفر غایب دارم و این برنامه را به روز می‌کنم و فردا در مدرسه‌ای دیگر معلم دیگری این کار را می‌کند. یک روز من برنامه را کامل می‌کنم و همکار دیگر از این برنامه استفاده می‌کند، روز دیگر هم من از کار همکاران بهره می‌برم. بعد از یک سال بانکی که تشکیل شد می‌توان از آن استفاده کرد.

در حال حاضر در بازار آموزش مجازی به این شکل نداریم. برای آموزش‌های رایج باید جدآگاهه هزینه شود. این آموزش‌ها معمولاً به صورت فیلمبرداری از کل کلاس است که ممکن است برای دانشآموزان خسته‌کننده باشد و تعاملی در این حالت وجود ندارد. اما این برنامه قسمت‌های مختلف دارد و سعی شده است که مثل یک کلاس پویا باشد.

همین طور نرم‌افزارهایی که در بازار وجود دارند، که ما بررسی کرده‌ایم، به این صورت نیست که دانشآموز خودش درس را یاد بگیرد و بیشتر به شکل ارائه مطلب است. در این نرم‌افزار می‌توان از صوت و بازی استفاده کرد. برای استفاده به شکل کتبی می‌تواند سوال‌ها به همراه تصویر آورده شود. آموزش برنامه‌ای به این صورت است که هر تدریسی به گام‌های کوچکی تقسیم می‌شود و هر گام پیش‌مقدمه گام بعدی است و تا این گام برداشته نشود گام بعدی شروع نمی‌شود. مزیت این برنامه در این است که می‌توان به شکل فردی آن را اجرا کرد و دانشآموز فعلانه می‌تواند به یادگیری پردازد. این

ما در مدرسه همیشه این دغدغه را داشتیم که چرا وقتی زنگ مدرسه می‌خورد بچه‌ها با چه خوشحالی از مدرسه رها می‌شوند. تصمیم گرفتیم برای علاقه‌مند کردن دانشآموزان کاری کنیم. من در زمان دانشجویی شاگرد استاد حمزه گنجی بودم. ایشان یکبار سر کلاس گفتند: «ما به بیان نظام و تربیت به بچه‌ها برنامه می‌دهیم و آن‌ها را به کارهای زیادی مجبور می‌کنیم. ایشان اشاره کردند که سیستم‌های آموزشی پویا دست دانشآموز را در انتخاب برنامه خود باز می‌گذارند و دانشآموز هر وقت که احساس نیاز پیدا کرد می‌تواند درس را یاد بگیرد».

خیلی اوقات برنامه‌های وجود دارد تا به دانشآموزان کمک کند به برنامه کلاس برسند. برای شرکت در جشنواره به دنبال یک آموزش مجازی بودیم. برای سنجش کار خودمان یک کار پژوهشی واقعی انجام دادیم.

### من معلم برای اجرای طرح شما باید چه مراحلی را طی کنم؟

در هر مدرسه‌ای معلمانی هستند که علاقه دارند دانشآموزانی را که به هر دلیلی از درس عقب مانده‌اند آموزش دهند. آن‌ها می‌توانند برای این کار گروهی تشکیل بدهند. همچنین می‌توان از دانشآموزانی که به ساخت برنامه علاقه دارند کمک گرفت. در واقع باید یک بانکی از آموزش‌های داده شده درست کنیم. این برنامه به شکل گام‌به‌گام است و دانشآموز تا یک گام را طی نکند نمی‌تواند به گام بعدی برود.

**اگر امروز معلم درسی می‌دهد و دو غایب در کلاس دارد البته می‌تواند وقت بگذارد و این دو نفر را به درس برساند، اما اگر هفتة بعد دو دانشآموز دیگر غایب بودند چه کند؟ آیا دوباره باید برای آن‌ها طرح جبرانی دیگری داشته باشد؟**

ببینید ما یک تیم هستیم و معلمان دیگری از مدارس دیگر هم به این تیم می‌پیوندند و محتوا را کامل می‌کنند، البته برای مثال بعد از یک سال این محتوا کامل می‌شود.

## گفت‌وگوی سوم

# نوآوری در روش‌های ارزشیابی فرآیندمحور و عملکردی

شوید، چطور می‌توانید توجه ایشان را به این جشنواره‌ها جلب کنید؟ یکی از عوامل بی‌انگیزگی معلمان نبود لوازم آزمایشگاهی است. متأسفانه مدیران هم می‌گویند چون می‌توان آزمایش‌ها را به شکل مجازی انجام داد، دیگر مثل سابق نیازی به این لوازم آزمایشگاهی نیست. اما این طور نیست و ما به آزمایشگاه نیاز داریم. لوازم این درس مغناطیس را که در فیلم نشان دادم، خود دانش‌آموزان فراهم کردند.

کافی داشته باشدند.  
به نظر شما، آیا شرکت در این جشنواره بهتر می‌تواند به کیفیت آموزش منجر شود یا شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت؟

کارایی این مدل برای من بیشتر بوده است و چیزهای بیشتری را از همکارانم یاد گرفته‌ام.  
اگر در یاسوج شما با یک معلم بی‌انگیزه روبرو باشند.

از چه طریقی با جشنواره آشنا شدید؟ از طریق بخش‌نامه. اما برای اجرا هرچه تعداد تمرین بیشتر باشد نتیجه بهتر است.

آیا در اجرا مشکلاتی داشتید؟ مشکلاتی در این راه وجود دارد، از جمله اینکه وقت تدریس کم است و یا فضای کلاس برای فیلم‌برداری از یک کلاس ۳۰ نفره کوچک است. مشکل دیگر شلوغی و سروصدای زیاد دانش‌آموزان است.

پیشنهاد شما برای جشنواره بعدی چیست؟

باید رقابت به صورت موضوعی و در هر رشته به طور جداگانه باشد و داوران هم نسبت به موضوعات تخصصی، اطلاع

ستاره ستوده، از استان سیستان و بلوچستان:

# نوآوری در روش‌های مشارکت اولیای دانش‌آموزان در فرایند یادگیری

هر بار یکی از اعضاء قسمتی از یک درس را رائسه می‌دهد و بقیه هم نقد می‌کنند. در درس ریاضی این کار بسیار مفید بوده است، حتی مشورت با معلم‌های دروس دیگر مثل قرآن نیز مفید است. برای مثال آیه‌والله سریع الحساب را من از معلم قرآن، برای شروع درس آمار، گرفتم.

اولیا در تدریس استفاده کردید، چطور این ایده به ذهن شما رسید؟ حضور اولیا هم می‌تواند به دانش‌آموزان در فهم مطالب درسی کمک کند. اولیا عموماً پیشنهادهای خوبی برای معلم‌مان دارند. من همیشه با اولیا جلسه دارم، برای هر درسی گروههای مشخص داریم که

شما برای تدریس محیط دانشگاه را انتخاب کرده‌اید، علت این کار چه بود؟ دانشگاه علمی کاربردی را برای اجرای کلاس درس انتخاب کردم تا چههای در یک فضای دانشگاهی بتوانند درس ریاضی را یاد بگیرند.

شما در تدریس خود از مشارکت

## گفت‌وگوی چهارم

# ← بازنگری نوشه‌های مارا کامل می‌کند

سیدحسین حسینی‌نژاد

مدیر مسئول ماهنامه انشا و نویسنده‌گی

نویسنده تصمیم می‌گیرد «چه چیز» را با «کدام هدف» و برای «چه کسی» بنویسد. این سه مورد بسیار اهمیت دارد و قبل از کار باید برای نویسنده روش باشد. البته اینکه چه چیزی از کار در می‌آید به داشت و مهارت نویسنده در موضوع مورد نظر بستگی دارد. همچین به نحوه استفاده از ظرفیت‌های زبانی وابسته است. وقتی این نکات برای فرد روش شد شروع می‌کند به تهیه پیش‌نویس. به این نکته هم توجه دارد که نام این بخش پیش‌نویس است یعنی بعداً فرست هر نوع تغییر و دگرگونی در متن را دارد. می‌تواند آن‌ها را کم و زیاد و حتی حذف کند. لذا موقع نوشتمن هیچ‌گاه به درستی یا نادرستی نوشتلهای نمی‌اندیشد. قبل اطلاعات لازم را گردآورده اکنون آن‌ها را در یک مسیری به نمایش می‌گذارند. نه به دنبال یافتن غلط املایی است، نه اشکال ویرایشی و حتی اصلاح‌آماری مطالبی که می‌نویسد. صرفاً براساس تصمیم و آگاهی قلی خود می‌نویسد تا به یک متن نسبتاً قابل قبول دست یابد. می‌توانیم بگوییم با انجام این بخش یک چهارم کار نویسنده تمام شده است و اصل کار باقی است که در بخش بازنگری و ویرایش کامل می‌شود.

نوشتمن اثرگذار و هدفمند پنج مرحله دارد: پیش از نوشتمن، تهیه پیش‌نویس، بازنگری، ویرایش، انتشار. پیش از نوشتمن نقطه شروع و تمرکز نویسنده است. او در این مرحله همه مطالبی را که می‌خواهد در نوشتمن اش بیاورد تنظیم می‌کند. این مرحله شبیه به کار آشپزی است که برای پخت غذا همه وسایل و مواد لازم را گرد می‌آورد. او می‌داند نبود یک وسیله یا یکی از مواد اولیه غذا کارش را با مشکل مواجه می‌کند و حتی موجب هدر رفتن زحماتش می‌شود. این را می‌توان به کار کوهنوردی نیز که برای صعود برنامه‌ریزی کرده است تشییه کرد.

نوشتمن هدفمند به قصدی نوشتمن می‌شود که خواننده را تحت تأثیر قرار دهد، او را به کاری تشویق کند یا از کاری بازدارد، اطلاعات او را افزایش دهد و یا الذتی در وی ایجاد کند. در نتیجه نیاز به مواد و مصالحی دارد که گاه نویسنده باید ساعتها جست‌وجو کند تا آن‌ها را فراهم کند. برخلاف آشپز یا کوهنورد یا ... نویسنده این امکان را دارد تا کارش را شروع کند و در مرحله بعدی (بازنگری) به رفع کمبودهای نوشتمن اش بپردازد. بدون انجام این مرحله نوشتمن کامل نیست.

## دروز کدن نوشتمن از حمود

پس از آنکه پیش‌نویس تهیه شد، در روزهای اول وابستگی ما به متن خیلی زیاد است. احساس می‌کنیم بهترین و کامل‌ترین متن را نوشتنهایم. تصور می‌کنیم بهتر از این نمی‌شود. به تک‌تک کلمات و عبارات وابسته شده‌ایم. سخت می‌پذیریم که یک قسمت را حذف کنیم. یا چیزی را اضافه نماییم. برای همین می‌گویند نوشتمن را دور از دسترس خود قرار دهید تا میزان وابستگی تان به آن کم شود، بتوانید بازخوانی کنید و نقایصش را دریابید. به هر میزان که به متن اول وابسته باشید انجام مرحله نهایی یعنی بازنگری برایتان سخت‌تر می‌شود.

## پیش از نویسن

در این بخش نویسنده روی موضوع تمرکز می‌کند. چارچوبی برای ورود به موضوع آماده می‌کند. موضوع را از زاویه طرح سوال یا فهرست مطالب و یا بارش ذهنی برای خود محدودتر می‌کند. هر کدام از این سه روش نویسنده را برای تهیه پیش‌نویس آماده می‌کند. فرض کنیم موضوع نوشتمن می‌یک خاطره است یا نوشتمن درباره مشکلات تدریس در کلاس، یا فرست‌ها و تهدیدهای فضای مجازی، یا مقاله‌ای درباره امید آفرینی، یا راههای افزایش دقت در موقع خواندن یا حتی موضوع‌هایی مثل بهار، پاییز، کمیاب آب و ... هر چه باشد فرقی ندارد. به یکی از روش‌های فوق ابتدا آن را تجزیه و به اجزایی تقسیم‌ش می‌کنیم. بعد تصمیم می‌گیریم درباره کدام قسمتش بنویسیم. به این نکته توجه داریم که قصدمان دوباره‌نویسی مطالبی که قبل از نوشتمن ایند نیست. چرا که این کار کمترین اثری را در خودمان و خواننده تدارد. قرار است از زاویه دید جدیدی به موضوع نگاه کنیم. حرف جدیدی بزنیم که قبل از ما گفته نشده یا ناقص گفته شده است.

در این مرحله نیاز به گردآوری مطلب داریم؛ از طریق خواندن کتاب، مقاله، جست‌وجو در سایت و ... پس از جمع‌آوری اطلاعات است که کار تهیه پیش‌نویس آغاز می‌شود.

## پیش نویس

اکنون نوبت تهیه پیش‌نویس اولیه است. در این مرحله

**غیر از خودمان در بازنگری از چه کسانی کمک بگیریم؟**

بعد از آنکه متن را چند روزی از خودمان دور کردیم تا وابستگی به آن را از دست دادیم، نوبت به تمرکز روی نوشتمن می‌رسد که در ادامه به جزئیات آن اشاره می‌کنیم. اما دوستان به خصوص دوستانی که نگاه متفاوت‌تری دارند بهترین مشاوران شما هستند. فقط این نکته را فراموش نکنید که لازم نیست همه پیشنهادهای اصلاحی را اعمال کنید. چون ممکن است آنچه شما می‌خواستید بگویید تحت الشاعر این کار قرار گیرد و اصلاح در میان پیشنهادهای اصلاحی گم شود. به آن دسته از نکته‌ها توجه کنید که بن‌مایه نوشتمن را دگرگون نکنند و در واقع موجب پنهان شدن ایده اصلی نشونند. فراموش نکنیم کسانی که ما را خیلی دوست دارند شاید مشاوران خوبی در این زمینه نباشند مگر آنکه از نظر حرفه‌ای صلاحیت لازم را داشته باشند.

# نقاشی‌های درختی

سهیل‌اعیمی

شهرستان‌تکابی

نسبت دهنده. در آن لحظه این ندای عقل من بود که زودتر از ندای قلبم خودش را به زبانم رساند و گفتمن: فکر هر کس بود بسیار خوب بود؛ چرا به عقل خودم نرسید که روی درخت برویم. در آن لحظه تمام فکرم پایین آوردن بچه‌ها از روی درخت بود. اگر داد می‌کشیدم و عصبانیت خود را نشان می‌دادم، ممکن بود بچه‌ها به دلیل ترس از درخت پایین بیفتدند. دوری در باغ زدم و همه درخت‌ها را از نظر گذراندم، روی هر درخت دو تا سه دانش آموز نشسته بود. گفتمن: بچه‌ها! همان جایی که هستید بمانید تا من هم پیش شما بیایم. درست یادم نیست، ولی فکر کنم آن روز از ۱۰ تا ۱۵ درخت پرتفاع بالا رفتم. تلاش داشتم آن‌ها را با ترفندی خاص و ادار به تسلیم کم تا خودشان رضایت دهنده از درخت پایین بیایند.

روی هر درختی که می‌رفتم می‌گفتمن به به چه جای خوبی را انتخاب کرده‌اید. و برای هر کدام از آن‌ها موضوعی را برای نقاشی انتخاب می‌کرم. مثلاً می‌گفتمن سینا جان! اینجا که نشستی باید اون قارچ کنار درخت را بکشی. رامتین جان تو هم پشت به سینا بشین و چوب‌های پایین اون درخت را بکش. بعد از درخت پایین می‌آمدم و از درخت دیگر بالا می‌رفتم و برای کسانی که روی آن درخت نشسته بودند تکلیف معین می‌کرم. بالاخره از تمام درختانی که پسرهای بازیگوش کلاسم از آن بالا رفته بودند، یکی بکی بالا رفتم و پایین آمدم و منتظر نتیجه کارم ماندم. بچه‌ها روی درخت قلاب وار نشسته بودند و داشتنند نقاشی می‌کردند. کار بسیار سخت و دشواری بود. بعد از ده دقیقه بود که فهمیدند نمی‌توانند به آن صورت نقاشی بکشند و یکی یکی اجازه خواستند از درخت پایین بیایند. در دلم گفتمن: مگر شما بالا که داشتید می‌رفتید از من اجازه گرفتید؟ پس باید همان بالا بشینید. اما با قیافه‌ای حق به جانب به آن‌ها گفتمن: البته باید روی همان درخت آن نقاشی را بکشید ولی چون شما بچه‌های خوبی هستید، اشکالی ندارد می‌توانید بیایید پایین. با این ترفند یکی بکی بچه‌ها از درخت پایین آمدند. بعد از انتمام ساعت هنر، آن‌ها را به مدرسه بردم، در حالی که با خودم می‌گفتمن این آخرین بارت باشد که از این خلاقیت‌ها به کار می‌بری!

به دعوت مدیر یکی از دبستان‌های غیردولتی پسرانه در تکابی قرار بود هفته‌ای دو روز به عنوان معلم هنر به آن مدرسه بروم. در آن زمان هنوز پایه ششم وارد آموزش‌پرورش نشده بود. من دعوت مدیر را پذیرفتمن و تدریس هنر پایه‌های چهارم و پنجم را بر عهده گرفتم. در جوار آن مدرسه و در کوهچه‌ای بن‌بست باغ مرکباتی وجود داشت که من، بعد از گذشت چند ماه از سال تحصیلی، روزی به مدیر پیشنهاد دادم بچه‌ها را برای طراحی از طبیعت زنده با مسئولیت خودم به آن باغ ببرم. این پیشنهاد با استقبال مدیر مواجه شد و من یکی از کلاس‌های پایه پنجم را برای بردن به آنجا آماده کردم. در روز موعود، بچه‌ها با خوشحالی از مدرسه بیرون رفتدند و من هم پشت سر آن‌ها به راه افتادم. در حالی که از دور می‌دیدم که همه وارد باغ شدند و خودم آخرین نفری بودم که وارد باغ شدم، اما زمانی که وارد باغ شدم هیچ دانش آموزی را ندیدم یک لحظه شک کردم. دوباره داخل باغ شدم. خبری کوچه رانگاه کردم. دوباره داخل باغ شدم. بچه‌ها از داخل باغ وارد باغ دیگری شده‌اند. حسابی نگران شدم. خبری از هیچ کدام از بچه‌ها نبود! پس این ۳۰ دانش آموز چه شدند؟ حالا جواب مدیر و اولیاء بچه‌ها را چه بدھم؟ در این افکار پریشان بودم. چند بار داخل باغ شدم و بیرون آمدم و سر و ته کوچه رانگاه کردم. نمی‌دانستم چه باید بکنم. در این حال یکدفعه صدای یکی از بچه‌ها را شنیدم که می‌گفت: خانم ما اینجا هستیم! دقت کردم و دیدم بله دانش آموزان همه در باغ هستند. اما نه در زمین، بلکه روی درخت‌های باغ. احساس و دلواپسی کم بود حالا احساس عصبانیت هم به آن اضافه شده بود. قبل از اینکه من چیزی بگوییم یکی از بچه‌ها گفت: خانم خوب جایی رفتیم؟ بدون تأمل جواب دادم بله، کارتان بسیار خوب و عالی بود. و پرسیدم: این فکر کدام بک از شما بود؟ مهمه‌ای برپا شد. همه تلاش داشتند این فکر خلاقی را به خودشان

# آتش‌پاره

سید حبیب سیحانی  
رضوان شهر استان گیلان

در صبح سرد زمستان دانش‌آموزانی که از روزستاهای دوردست با وانتبار یا پیاده به مدرسه می‌آمدند نوک بینی و لاله‌گوش آن‌ها از سوز سرما قرمز می‌شد. گرمای بخاری نفته هم زیاد نبود که اول صبح کلاس را گرم کند. از این رو آن‌ها چند دقیقه ساکت و آرام پشت نیمکت‌های چوبی می‌نشستند و تکان نمی‌خوردند. اما بعد از یکنکه تنشان گرم می‌شد تبدیل به آتش‌پاره می‌شدند. اگر هم گاهی ساکت بودند یقیناً نقشه‌ای برای شیطنت توی سر داشتند. درس را شروع کرده بودم. سابقه نداشت آن‌ها این همه تحت تأثیر قرار بگیرند. سرا پا گوش بودند.

البته از دانش‌آموزان دبیرستانی همین انتظار را داشتم. در آخرین ردیف کلاس دانش‌آموزی ایستاده بود. دانش‌آموزی قد کوتاه و لاغر اندام که اسمش را فراموش کرده بودم. دستش را به نشانه اجازه گرفتن بلند کرده بود.

گفتیم: بفرمایید. دانش‌آموزان ردیف‌های جلو برگشتند و به او نگاه کردند.  
\_ آقا

- بله بفرمایید.  
- آقا قدم چقده؟

همه دانش‌آموزان یک دفعه خنده‌یدند. البته با کمی شیطنت خنده و قهقهه خودشان را بیشتر کش دادند تا در عین حال که نفسی تازه می‌کنند همه بی‌نظمی کلاس را به گردن پسرک بیندازند.

با صدای بلند گفتم: ساکت! ساکت با شماهای!  
کلاس کمی ساکت شد. اما آخر کلاس بچه‌ها همچنان پچیج می‌کردند. معلوم بود طرف از آن آتش‌پاره‌های حرفة‌ای است و من تا پایان سال باید مواظبش باشم. تعجب من این بود که در طول یک ماهی که گذشته بود، توی کلاس همیشه ساکت و آرام بود. حتی یک مورد هم بی‌نظمی نکرده بود، اما حالا معلوم نبود چرا کلاس را به هم زد. این آتش‌پاره‌ها بالآخره دیر یا زود خودشان را نشان می‌دهند. تصمیم گرفتم یک سیلی آبدار و حسایی نثارش کنم تا درست و حسابی ادب شود. با این کار هم یه زهر چشمی از همه می‌گرفتم و هم اینکه این آتش‌پاره را ادب می‌کردم.

حالا اگر از سمت راست می‌رفتم دو نفر می‌باشندی بلند می‌شوند. از سمت چپ بهتر بود، چون سیلی را که می‌زدم تا نزدیک در کلاس هم هلش می‌دادم و از کلاس اخراجش می‌کردم. نزدیکتر شدم گفتم: منظورت چیه؟ لابد می‌خوای کلاسو بهم بزنی؟!

دلم می‌خواست کمی بحث می‌کرد و سربالایی حرف می‌زد تا از زدنش و جدانم راحت

باشه. اما رنگش پریده بود و مظلومانه گردنش را کج کرده بود.

گفت: آقا به خدا منظوري نداشتم.  
از ردیف اول کلاس، دانشآموزی که کاپشن قهوهای پوشیده بود و ریش و سبیل کاملی داشت، گفت: «آقا ناراحت نشین، اون کمی مشکل داره» بعد به بقیه نگاه کرد و پوزخندی زد.

نمی‌دانم چرا و چطور شد که دلم به رحم آمد و نظرم عوض شد. گفتم: «اصلاً این طور نیس. اون توی امتحان برخلاف شما نمره خوبی گرفته. پسر خیلی خوبی، لابد امروز اشتباه کرده» پسرک سرش را پایین انداخته بود و ظاهراً می‌خواست نشان دهد کمرو و خجالتی است. دست‌هایش را به هم می‌بیچاند. اما من آنقدر خام و ساده نبودم که به این راحتی فریش را بخورم. حالا برایم روشن شد که اون چه آب زیرکاهی است. آدم هیچ وقت از این آتش‌پاره‌ها سردر نمی‌آورد.

کمی نزدیک‌تر رفتم با دست زیر چاهاش را گرفتم گفت: بار اختر باشه! فهمیدی؟ سرش را نکان داد و آهسته گفت: چشم آقا، چشم.  
گفتم: بشین.

وقتی نشست آه راحتی کشید. لابد این دفعه خیالش راحت شد.  
از هفته بعد پسرک آتش‌پاره غایب شد و کسی از علت غیبتش اطلاعی نداشت. غیبت او طولانی‌تر شد و کم‌کم حضورش را از یاد بردم.

به زودی بهار از راه رسید. هنوز برگ شاخه‌های درختان کنار خیابان پرپشت و کامل نشده بودند. از پیاده‌رو ردمی شدم و گرمی نور خورشید را در پشتمن حس می‌کردم به نفر از پشت سرم گفت: «آقا معلم، آقا معلم!» برگشتم. از میان مردمی که در حال عبور بودند پسر جوانی که کلاه لبهداری به سرداشت نزدیک آمد. همان پسرک آتش‌پاره کلاس بود. اما شاداب‌تر و جوان‌تر از قبل موهای سرش را از ته اصلاح کرده بود و کمی چاق‌تر به نظر می‌رسید.

آقا معلم: سلام

گفتم: سلام پسرا تو کجاي؟ رفتی و ديگر برنگشتی؟

پسرک گفت: آقا معلم یادتان هست اون روز توی کلاس‌تون بلند شدم گفتم قدم چقده؟  
گفتم: بله همون روز که کلاس درسو بهم زدی؟

پسرک با دست‌پاچگی گفت: آقا معلم باور کنین اصلاً منظوري نداشتم. من اون روز می‌خواسم گروهبانی ثبت‌نام کنم، گفته بودن قدم باید بیشتر از یک مترو نیم باشه. اون روز همه‌اش تو این فکر بودم که قدم چقده. حالا گروهبانی قبول شدم و به گروهبانم.

پسرک لبخند می‌زد و می‌گفت: آقا بخشین، حلالم کنین.  
دستش توی دستم بود گفتم: آفرین پسر، آفرین، خیلی خوبه. خوشحالم کردی. بعد دستش را فشردم و خداحافظی کردم.

پسرک رفت و لای عابران ناپدید شد و من با خودم می‌گفتم: «واقعاً این آتش‌پاره‌ها را نمی‌شود شناخت».«

فروز دین

۱

## شهادت حضرت امام علی النقی (ع)



در تنگی از زندگی گرفتار شده بود. به حضور امام هادی(ع) رفت. در محضر نشسته بود که حضرت فرمود: ای ابا هاشم درباره کدام نعمتی که خداوند به تو داده است می توانی شکر گذار او باشی؟ ساخت ماند و ندانست چه بگوید.

حضرت فرمود: خداوند ایمان را روزی تو کرد و به وسیله آن بدنست را از آتش دوزخ مصون ساخت. عافیت و سلامتی را نصیب تو گردانید و تو را بر اطاعت شیاری نمود و به تو نعمت قناعت بخشید و از اینکه خوار و بی آبرو گردی تو را حفظ کرد. ای ابا هاشم من در آغاز این نعمت‌ها را به تو یادآوری کردم چرا که گمان بردم می خواهی از آن کسی که این نعمت‌ها را به تو بخشیده است شکایت کنی. اما من دستور دادم صد دینار به تو پیردازند؛ آن را دریافت کن.

منبع: نگاهی بر زندگی چهارده معصوم (انوار الهیه) نور دوازدهم، تألیف شیخ عباس قمی

فروز دین

۱۱

## ولادت حضرت علی(ع)

اصحاب گردانگر رسول گرامی اسلام(ص) نشسته بودند. کسی در این میان پرسید: صحابه شما چطور هستند؟

حضرت درباره صحابه خود سخنرانی ایراد فرمود. دوبله سؤال شد: یا رسول الله(ص) چرا از علی(ع) سخنی به میان نیاوردید؟

خاتم پیامبران (ص) فرمود: شما از اصحاب من سؤال کردید، از خود من که سؤال نکردید! علی(ع) خود من است! آری! علی(ع) جان پیامبر است و بن.

منبع: مناقب ابن شهر آشوب؛ ج ۲؛ ص ۲۱۷



فروز دین

۱

## آغاز سال نو شمسی

تقویمی که امروز ما از آن استفاده می کیم، یکی از دقیق‌ترین تقویمهای جهان است. این تقویم را عبدالغفار خان نجم‌الدوله (۱۲۵۹-۱۳۲۶ق) استخراج کرد و در بالای صفحات آن برای نخستین بار عبارت سال «۱۲۶۵ هجری شمسی» را قرار دارد. آغاز سال هجری شمسی روز اول فروردین، مطابق با روز اول بهار است. لحظه تحويل سال، که عبارت از لحظه عبور مرکز خورشید از نقطه اعتدال بهاری نیم کره شمالی است، با محاسبات نجومی دقیق تعیین می شود. نامهای ماههای شمسی ریشه اوستایی دارند. برای مثال «دی» یکی از لقبهای اهورامزدا و نام ۱۱ ماه دیگر نیز اسمی فرشتگان و یاوران اهورامزداست. اگر لحظه تحويل سال بعد از ظهر سیصد و شصت و

پنجمین روز و یا قبل از ظهر سیصد و شصت و ششمین روز سال باشد، آن سال سال عادی، یعنی ۳۶۵ روز است، اما اگر لحظه تحويل سال، در بعد از ظهر سیصد و شصت و ششمین روز سال واقع شود، آن سال را کبیسه یعنی ۳۶۶ روز، به حساب می آورند.

منبع: مؤسسه تقویم  
دانشگاه تهران

فروز دین

۸

## ولادت حضرت امام جواد(ع)



مجلس مناظره‌ای راه انداختند و بزرگ‌ترین داشمندشان را هم فرا خواندند. از امام جواد(ع) نیز دعوت کردند تا شاید با پرسش‌های خویش بر او غلبه کنند. مجلس در سکوت بود که کسی از ایشان پرسید: «اگر

کسی برای مراسم حج محروم شده باشد و شکاری را بکشد تکلیفش چیست؟»

امام فرمود: «این شخص زن است یا مرد؟...

شکار پرنده بوده یا نه؟... و حالا جملگی ساخت مانده بودند. انتظار پاسخی این چنین نداشتند. دانستند که او آگاه است و فرزند عالم آل محمد(ص).

بزرگ است یا بچه؟  
ازاد است یا بنده؟  
کارش عمده بوده یا نه؟



## روز جمهوری اسلامی



مردم ایران در روز ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ در یک همه‌پرسی سراسری نظام سلطنتی کشور خود، را بعد از یک سلسله مبارزه، به حکومت جمهوری اسلامی تغییر دادند و ساختار سیاسی اجتماعی این سرزمین شکل دیگری به خود گرفت.  
جمهوری اسلامی از یک نظام حکومتی است که تلاش می‌کند با الهام از قوانین و تعالیم نجات‌بخش اسلام، الگوی زندگی جدیدی در عرصه اجتماعی و سیاسی ارائه دهد تا براساس آن نیازهای مادی و معنوی مردم بهطور همزمان فراهم شود.



## وفات حضرت زینب(س)

هنگامی که زینب(ص) متولد شد، مادرش حضرت فاطمه زهرا(ص) او را نزد پدرش امیرالمؤمنین علی(ع) اورد و گفت: این نوزاد را نامگذاری کنید! حضرت فرمود: من از رسول خدا(ص) جلو نمی‌افتم. در این ایام حضرت رسول اکرم(ص) در مسافت بود. پس از مراجعت از سفر، امیرالمؤمنین علی(ع) به آن حضرت عرض کرد: نامی را برای نوزاد انتخاب کنید. رسول خدا(ص) فرمود: من بر پروردگارم سبقت نمی‌گیرم. در این هنگام جبرئیل فرود آمده و سلام خداوند را به پیامبر(ص) ابلاغ کرد و گفت: نام این نوزاد را «زینب» بگذارید! خداوند بزرگ این نام را برای او برگزیده است. سپس جبرئیل مصائب و مشکلاتی را که در آینده بر زینب وارد خواهد شد بارگو کرد. پیامبر اکرم(ص) گریست و فرمود: هر کس براین دختر بگرد، همانند کسی است که بر برادرانش حسن(ع) و حسین(ع) گریسته باشد.



## روز ارتش

امام خمینی(ره) در تاریخ ۲۹ فروردین سال ۵۸ با صدور پیامی روز ارتش را اعلام نمود. در بخشی از پیام امام آمده بود: «روز چهارشنبه ۲۹ فروردین روز ارتش اعلام می‌شود. ارتش محترم در این روز در شهرستان‌های بزرگ با ساز و بزرگ به رژه بپردازند و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران و حضور خود را برای فدایکاری در راه استقلال و حفظ مرزهای کشور اعلام نمایند.»



## روز ملی فناوری هسته‌ای



روز بیستم فروردین ماه سال ۱۳۸۵ بود که خبر دستیابی ایران به فناوری غنی‌سازی اورانیوم و راهاندازی زنجیره کامل غنی‌سازی در نطنز اعلام شد. در پی این خبر با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پاس قدردانی از تلاش‌های افتخارآمیز دانشمندان جوان ایران اسلامی، بیستم فروردین ماه، مقارن با تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در تقویم رسمی ایرانیان روز ملی فناوری هسته‌ای نام گرفت.

# تولد مجلات تخصصی رشد

محمد دشتی

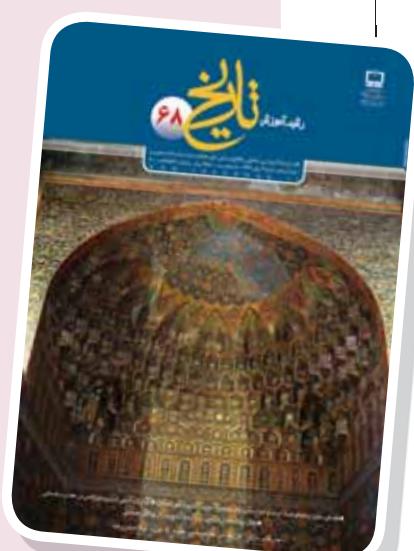
همان درس است، باید برای هر درس مجله خاص آن تولید می‌شد. مثلاً ما نمی‌توانستیم مجله‌ای تولید کنیم که در آن هم روش آموزش جغرافیا باشد و هم روش آموزش ریاضی. ضمناً اگر می‌خواستیم مجله‌ای تولید کنیم و همه روش‌های مواد درسی مختلف را در آن بیاوریم، سه‌هم هر درس حداکثر دو صفحه بود که کفايت نمی‌کرد. به همین دلیل به سراغ انتشار مجلات رشد تخصصی رفتیم. به نظرم اولین مجله رشد تخصصی، مجله رشد ریاضی بود. سپس مجله رشد فیزیک هم منتشر شد و تا زمانی که من در سازمان بودم (۱۳۷۲)، شمار مجلات تخصصی به ۱۰ عنوان رسید.

انتشار این مجلات هم به این دفتر واکذار شد تا ضمن اسناده از توان حرفة‌ای و کارشناسی کارشناسان و مؤلفان کتاب‌های درسی، همراه با دیگر مجلات به صورت منسجم در این دفتر چاپ و توزیع شوند. دکتر حداد عادل رئیس وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در مجموعه گفت و گوهای تاریخ شفاهی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، که در سال ۱۳۹۰ انجام شده است، در این خصوص می‌گوید: ... چند سالی که گذشت و ما تجربه‌ای پیدا کردیم، متوجه شدیم که باید به روش‌های تعلیم و آموزش بیشتر توجه کنیم. از آنجا که روش آموزش هر درسی خاص

با پا گرفتن مجلات دانش‌آموزی و مجلات ویژه معلمان، جای خالی مجلاتی که بتوانند به طور تخصصی و در رشته‌های مختلف به نیازهای معلمان و دانشجویان و دیگر علاقمندان خود پاسخ دهند، احساس می‌شد. به همین جهت مسئولان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تصمیم گرفتند انتشار مجلات تخصصی را در دستور کار قرار دهند. مجلات تخصصی رشد بیش از یک دهه در گروههای مرتبط با هر رشته، در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، منتشر می‌شدند تا اینکه هم به دلایل فنی و هم به دلیل مأموریت ذاتی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی،

## رشد آموزش تاریخ

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در جهت ایجاد زمینه مناسب برای تقویت مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفة‌ای معلمان؛ کمک به ارتقای دانش معلمان در زمینه اصول و مبانی آموزش و پرورش؛ معرفی راهبردها، رویکردها و روش‌های آموزش تاریخ؛ کمک به ارتقای دانش معلمان نسبت به محتوای کتاب‌های درسی؛ ایجاد زمینه مناسب برای هم‌اندیشی و تبادل نظر بین معلمان، کارشناسان و برنامه‌ریزان درسی برای بهبود یا رفع تنگناهای آموزشی؛ افزایش آگاهی معلمان از کاربردهای گوناگون علم تاریخ در زندگی، با تأکید بر محتوای کتاب‌های درسی؛ تشویق معلمان به انجام دادن کارهای پژوهشی در زمینه‌های علمی-آموزشی؛ آشنا کردن معلمان با تاریخ علم به منظور دانش‌افزایی و تقویت دیدگاه‌های ارزشی-آموزشی؛ آشنا کردن معلمان با تازه‌ترین دستاوردهای علمی در زمینه تاریخ و تاریخ‌نگاری؛ افزایش آگاهی‌های معلمان درباره رخدادهای علمی-آموزشی تاریخ در جهان و آشنا ساختن معلمان با مهم‌ترین مسائل موجود در حوزه‌های علمی-آموزشی، اقدام به انتشار مجله آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی رشد آموزش تاریخ کرده است. این مجله به صورت فصل‌نامه و در ۸۰ صفحه به چاپ می‌رسد. آخرین شماره مجله رشد آموزش تاریخ به شماره ۶۸ در بهار ۹۷ با شمارگان ۴۰۰۰ نسخه منتشر و توزیع شده است.





## با مجله‌های رشد آشنا شوید

### مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

**رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

**رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

**رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و نهم دوره آموزش ابتدایی

### مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

**رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

**رشد پرها** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

**رشد کودک** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

**رشد بزرگسال** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

### مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

▪ رشد آموزش ابتدایی ▪ رشد تکنولوژی آموزشی

▪ رشد مدرسه فردا ▪ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال تخصصی

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

▪ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ▪ رشد آموزش زبان و ادب فارسی

▪ رشد آموزش هنر ▪ رشد آموزش مناور مدرسه ▪ رشد آموزش تربیت بدنی

▪ رشد آموزش علوم اجتماعی ▪ رشد آموزش تاریخ ▪ رشد آموزش جغرافیا

▪ رشد آموزش زبان‌های خارجی ▪ رشد آموزش ریاضی ▪ رشد آموزش فیزیک

▪ رشد آموزش فیزیک ▪ رشد آموزش زیست‌شناسی ▪ رشد مدیریت مدرسه

▪ رشد آموزش فن و حرفه‌ای و کار دانش ▪ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مریبان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه‌های فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

▪ نشانی: تهران، خیابان ابراتشیر شمالی، ساختمان شماره ۴

▪ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶

▪ تلفن و تماير: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۷۸

▪ وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)



### رشد مدرسه فردا

نشریه مدرسه فردا، نشریه‌ای است در حوزه فاوا و تعلیم و تربیت که مخاطبان آن معلمان، کارشناسان فاوا و آموزش و پرورش و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان می‌باشد. این مجله در ۴۸ صفحه متن و ۴ صفحه جلد در هشت شماره، در هر سال تحصیلی، منتشر می‌شود و آغاز انتشار آن از دی ماه ۱۳۸۳ بوده است.

مأموریت‌های این نشریه، آن گونه که در برنامه اهداف آن اشاره شده، به قرار زیر است:

- توسعه دانش نظری و عملی مخاطبان نشریه در حوزه فاوا و تعلیم و تربیت؛

- معرفی آخرین دستاوردهای آموزش و پرورش جهان در عرصه فاوا و تعلیم و تربیت؛

- معرفی آخرین دستاوردهای آموزش و پرورش ایران در عرصه فاوا و تعلیم و تربیت؛

- توسعه تفکر انتقادی مخاطبان در کاربرد فاوا در تعلیم و تربیت؛

- توانمندسازی مخاطبان نشریه در به کارگیری فاوا در تعلیم و تربیت.

شماره ۱۰۹ (پی در پی) این مجله در فروردین ماه ۱۳۹۷ در ۴۸ صفحه و در شمارگان ۱۸۰۰۰ نسخه توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی چاپ و در مدارس سراسر کشور توزیع شده است.



## درجوانی بازنشسته شوید!

حسین نامی ساعی

در این شماره از رشد معلم قصدم این بود که، بیمه‌نامه زندگی جوانان و ویزگی‌های این نوع بیمه‌نامه را معرفی کنم. به نظرم آمد که بهترین روش برای معرفی این بیمه‌نامه توضیح شرح حال واقعی یک بیمه‌گذار است. برای همین به سراغ کامران، جوانی که یک بیمه‌گذار واقعی است، رفتم. کامران ۶ سال پیش، زمانی که ۲۹ سال داشت، خودش را بیمه‌نامه زندگی کرد و الان که ۳۵ سال دارد طی پرداخت ۶ سال بیمه در جوانی بازنشسته شده‌اما شرح حال و ماجراجوی بیمه شدنش: کامران سی و پنج ساله، خیلی زودتر از پیرمردها بازنشسته شده‌او مستمری دریافت می‌کند؟! مبلغ مستمری ماهانه‌اش هم ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان است، تعجب نکنید! بریتانیا می‌گوییم که چطوری توانته با این سنش بازنشسته بشود؛ ۶ سال پیش، کامران ۲۹ سال داشت و تازه ازدواج کرده بود. شغلش آزاد بود و همسرش خانه‌دار. همیشه نگران این بود اگر خدای ناکرده اتفاقی بیفتد و کسب‌وکارش بی‌رونق بشود، آن موقع تکلیف خودش و خانواده‌اش چه می‌شود. این بود که روزی هنگام خواندن روزنامه یک آگهی باعنوان «مستمری مادام‌العمر شرکت بیمه عمر» توجه‌اش را خیلی جلب کرد. او همیشه با خودش فکر می‌کرد حداقل ۳۰ سال باید حق بیمه پرداخت کند تا بتواند مستمری دریافت کند ولی در آن آگهی دید که این مستمری فقط با پرداخت ۶ سال حق بیمه قابل دریافت است! جالب‌ترین که دیده‌مبلغی که حق بیمه پرداخت کند بعداً مادام‌العمر همان مبلغ را از طریق شرکت بیمه دریافت خواهد کرد. این بود که کامران خیلی سریع اقدام کرد و با خرید بیمه‌نامه زندگی جوانان از اول سال ۱۳۹۰ و پرداخت ماهانه ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان توانت از مهرماه سال ۱۳۹۶ به صورت مادام‌العمر مستمری ماهانه دریافت کند. به همین سادگی! ضمناً در طول این شش سال از طرف شرکت بیمه یک کارت اعتباری به او داده شده که با آن می‌توانست از موجودی حسابش از فروشگاه‌های مختلف خرید داشته باشد. علاوه بر این امتیازات در طول این ۶ سال خیالش راحت بود که اگر به هر علتی فوت می‌کرد شرکت بیمه مورد نظر ماهانه مبلغی معادل ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان به همسرش، به‌طور مادام‌العمر، پرداخت می‌کرد.

چه چیزی بهتر از این؟!



## رشد برای رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.

ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۵۶۲۰۰۰۵۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه آرایش کد ۳۹۵۳۹۵ در طبقه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به شماره ۰۹۰۲۳۳۴۹۸۷۰.

عنوان مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداخت:

اگر قبلاً اشتراک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

Email: [Eshterak@roshdmag.ir](mailto:Eshterak@roshdmag.ir)

هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰,۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۴۰۰,۰۰۰ ریال



# دستور

رشد

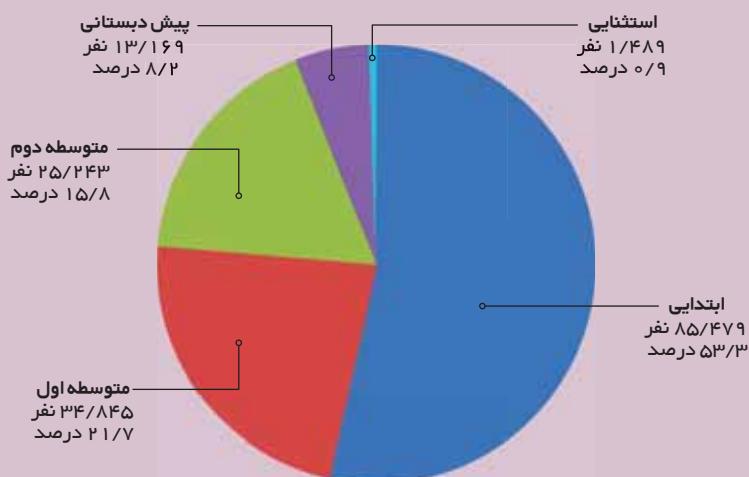


عکس‌ها: مجتبی گرگی

## ویژه‌نامه استان خراسان جنوبی

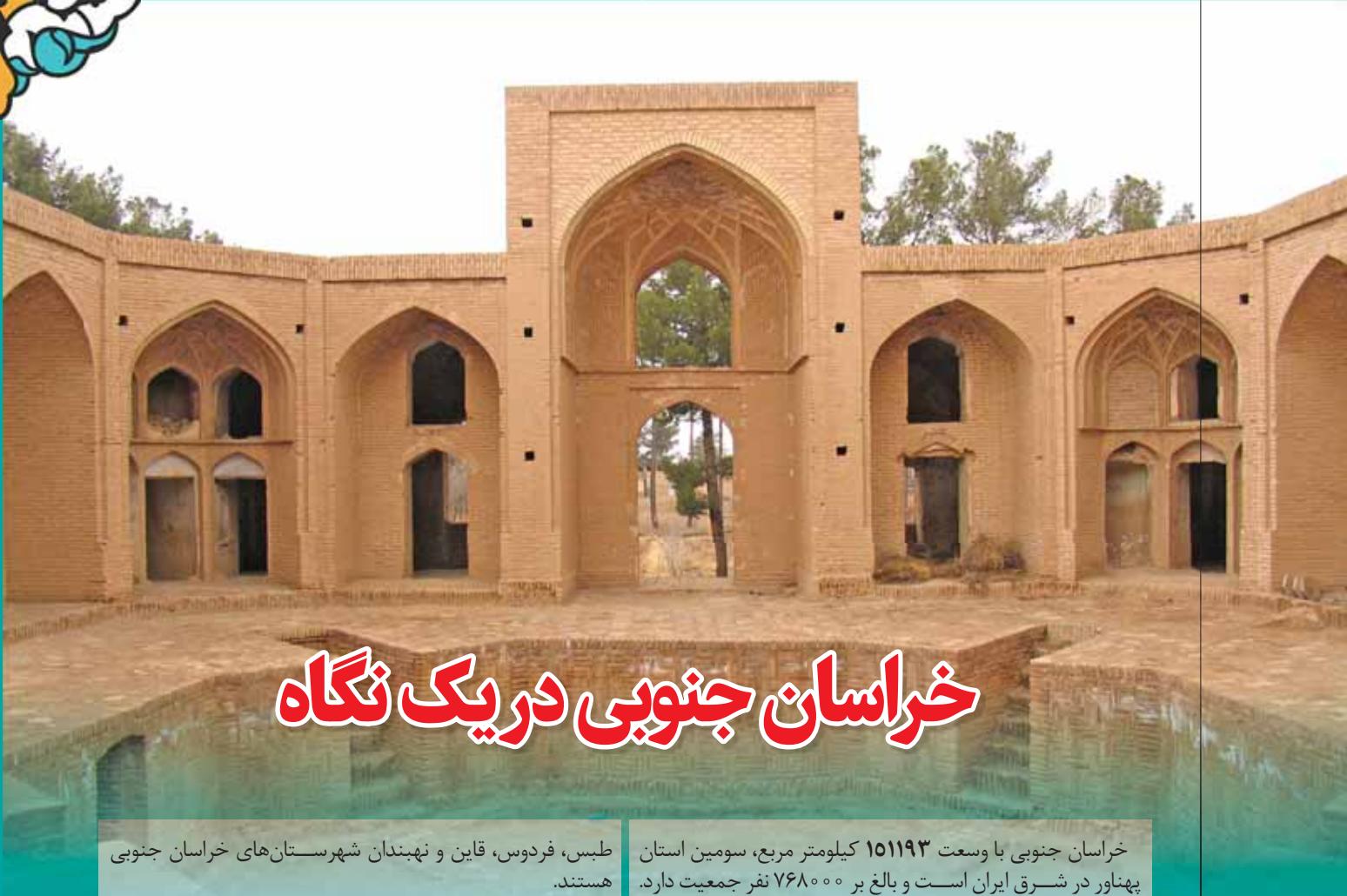
سوزمین پیناور ما، سرشار از معلمان خوش‌ذوق، بانگیزه و خلاق است که تلاش وافری در جهت رشد تعلیم و تربیت همه‌جانبه فرزندان این مرز و بوم دارند. مجله رشد معلم بسته‌تری برای انکاس این تلاش‌هاست. اگرچه بسیار مطلوب است که با گسترش فرهنگ نوشتمن، معلمان عزیز، خودشان تجارب زیسته و روش‌های ارزشمند خویش را مکتوب سازند و به دفتر مجله ارسال نمایند، لکن به منظور حمایت از گسترش این فرهنگ و ایجاد رشد همه سویه آن، برآن شدیم تا از شماره ۵، بخشی از صفحات مجله را به ویژه‌نامه استانی اختصاص دهیم تا فرصت این مشارکت افزایش یابد.

برای این شماره به استان خراسان جنوبی سفر کردیم تا از تجارب خوب معلمان آن سوزمین بهره‌مند شویم و اینک دستاورده خود از این سفر را تقدیم شما همکاران عزیز می‌کنیم.



## سهم دانش آموز در دوره‌های مختلف تحصیلی

استان خراسان جنوبی  
سال تحصیلی ۹۶-۹۷



# خراسان جنوبی دریک نگاه

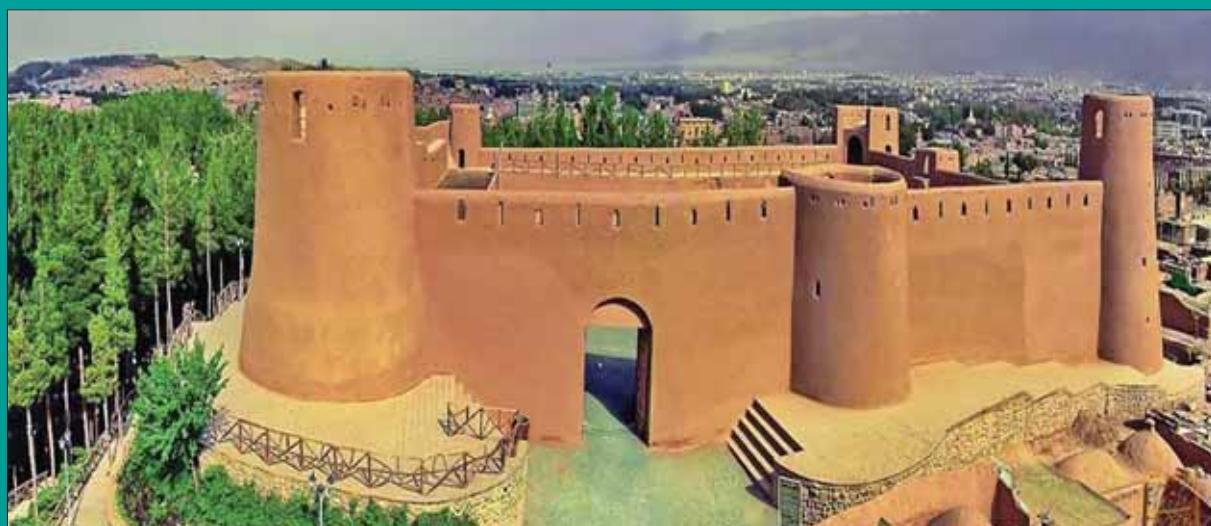
طبس، فردوس، قاین و نهبندان شهرستان‌های خراسان جنوبی هستند.

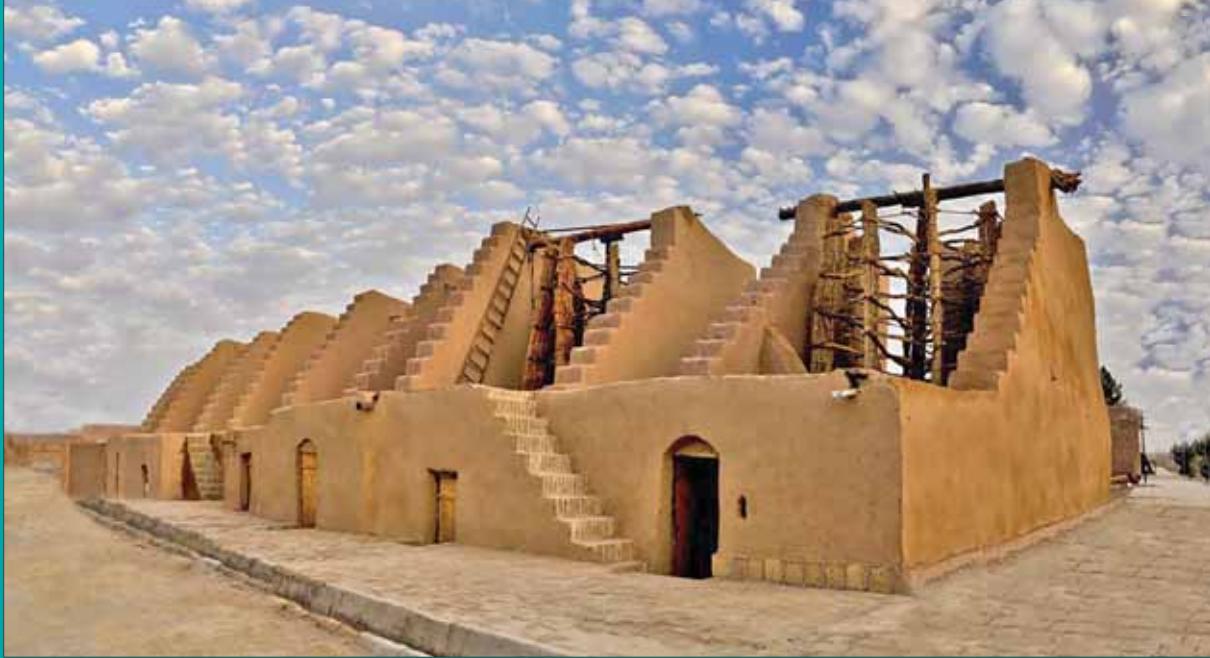
## پیشینهٔ تاریخی

بنابر منابع تاریخی قهستان (به معنای کوهستان) سرزمینی با کوه‌های بلند بین نیشابور و هرات بوده است که محدوده وسیعی، از تربت حیدریه تا بخش‌هایی از سیستان و کرمان، را شامل می‌شده است.

به روایت کتاب «تاریخ ده هزار ساله ایران» در متون کهن فارسی نام قهستان به چشم می‌خورد. (آلفونس گابریل) معتقد است که در سنگنوشته‌های داریوش اول از این سرزمین به عنوان استان «هریوہ» یاد شده است که خاستگاه و زیستگاه یکی از اقوام

خراسان جنوبی با وسعت ۱۵۱۱۹۳ کیلومتر مربع، سومین استان پهناور در شرق ایران است و بالغ بر ۷۶۸۰۰۰ نفر جمعیت دارد. ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان و به ویژه موقعیت راهبردی «بیرجند» مرکز استان از دیرباز یکی از دلایل اهمیت سیاسی- جغرافیایی این شهر بوده است. با وجود دوری از مرکز، بیرجند همواره در بسیاری از مظاهر تمدن جدید پیشتاز بوده است. این شهر اولین شهری است که از آب لوله‌کشی برخوردار شده است و مدرسهٔ شوکتیه آن همزمان با دارالفنون راهاندازی شد. در دورهٔ قاجاریه دولت‌های بریتانیا و روسیه در این شهر کنسولگری و بانک داشته‌اند. بُشروعه، بیرجند، خوُسف، دَرمیان، زیرکوه، سرایان، سربیشه،





آسیاباد - طبس مسینا

باغ گلشن طبس از زیباترین نمونه باغ‌های ایرانی هستند «سرزمین باغ‌ها» لقبی است که به دلیل وجود همین پرده‌سی‌های چشم‌نواز به خراسان جنوبی داده شده است.  
علاوه بر این مسجد جامع قاین، آرامگاه بودرجمهر قاینی، ارگ کلاه فرنگی و مدرسه شوکتیه در بیر جند، بافت‌های تاریخی در فردوس، سرایان، بشرویه، خوسف و امامزاده حسین ابن موسی الكاظم (ع) در طبس جزئی از جاذبه‌های تاریخی و مذهبی استان بهشمار می‌رود.

### ظرفیت‌های اقتصادی استان

انواع مواد معدنی از جمله منیزیم (تنها معدن کشور) زغال سنگ، مس، سنگ‌های ساختمانی، قیمتی و نیمه قیمتی و ... در خراسان جنوبی استخراج می‌شود. علاوه بر این دهان نوع ماده معدنی دیگر با ذخایر غنی به تازگی شناسایی شده است.

در زمینه تولیدات باغی و کشاورزی انواع محصولات در این ناحیه از کشور تولید می‌شود. این استان تولیدکننده اول عناب و زرشک است و مقام دوم را در برداشت زعفران و پنبه کشور دارد.

### سرزمین دانشواران

ابن حسام خوسفی بزرگ‌ترین شاعر آیینی شیعه، در قرن نهم هجری قمری، حکیم نزاری بیر جندی که عبدالرحمن جامی حافظ را در غزل پیرو او دانسته و همچنین لامع درمیانی از زمرة بزرگ‌ترین شاعران این دیارند. از دیگر مشاهیر خراسان جنوبی می‌توان عبدالعلی بیر جندی منجم و ریاضیدان، بودرجمهر قاینی و فاضل تونی از دانشمندان نام‌آور این خطه را نام برد. بدیع‌الزمان فروزانفر، سید محمد فروزان، سید غلامرضا سعیدی، محمد ابراهیم آیتی، محمد حسن گنجی و دهان چهره علمی و دانشگاهی دیگر نیز از مشاهیر خراسان جنوبی‌اند.

علاوه بر این، این منطقه خاستگاه عالمانی دین پرورد همچون آیات نظام تهمی، محمد باقر آیتی، هادوی، سید کاظم حائری، عارفی و عبادی نیز بوده است.

جنگ‌آور ایرانی به نام «ساگارت» بوده است. اگرچه از حدود و ثغور این ایالت در طول تاریخ به واسطه تحولات سیاسی کاسته شده اما بخش اصلی آن همچنان تحت نام خراسان جنوبی باقی مانده است. این سامان، پس از اسلام، به دلیل موقعیت پناهگاهی خود همواره مأمن علویان و اسماعیلیان ناراضی از حکومت خلفای جور بود و در دوره اقتدار اسماعیلیه، قهستان دومین پایگاه آن‌ها بعد از الموت محسوب می‌شد. مارکوبولو از این ناحیه به عنوان تونوکاین که همان (تون و قاین) است، یاد کرده است.

نهیندان (نه)، خوسف، قاین، طبس، فردوس (تون)، بشرویه و بیر جند از دیرینه‌ترین شهرهای خراسان جنوبی هستند. نام بسیاری از روستاهای این استان نیز ریشه‌ای باستانی دارد از آن جمله: خور، خوراشاد، گیو، بهدان، اسفزار و ....

### نژاد و گویش

بیش از ۹۷ درصد مردم خراسان جنوبی را فارس‌ها تشکیل می‌دهند. اندکی بلوج و گروهی عرب نیز در این ناحیه زندگی می‌کنند. مردمان خراسان جنوبی به زبان فارسی با گویش شهرها و روستاهای خود سخن می‌گویند. این استان مجموعه‌ای مرکب از فرهنگ‌ها و گویش‌های متنوع است.  
براساس نظر کارشناسان لهجه مردمان این منطقه از پاک‌ترین گویش‌ها و نزدیک‌ترین لهجه به زبان فارسی است.

### جاده‌های تاریخی و گردشگری

خراسان جنوبی، هم سرزمین کویرهای خیال انگیز است و هم دارای باغ‌های رویایی است. از این میان کویر لوت، باغ اکبریه و قنات بلده فردوس از آثاری هستند که ثبت جهانی شده‌اند. کویر سه قلعه سرایان، یکی از تاریک‌ترین آسمان‌ها (پرستاره‌ترین) در ایران و جهان را دارد. جایی که از آن به عنوان «بهشت منجمان» یاد می‌شود.  
باغ و عمارت اکبریه، شوکت‌آباد، رحیم‌آباد و امیر‌آباد در بیر جند و

## فرهنگ بومی خراسان جنوبی

با هدف آشنایی دانشآموزان استان با فرهنگ بومی محلی منطقه، جشنواره‌ای تحت عنوان «جشنواره خاوران‌شناسی» در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ در مدارس ابتدایی استان برگزار گردید که تأثیر بسزایی در معرفی و شناخت آداب و رسوم منطقه داشت. در اجرای این جشنواره، دانشآموزان به همراه معلمان والدین خود، نمایشی بی‌نظیر از اشیا و وسائل قدیمی، مشاغل سنتی، غذاهای محلی، آداب و رسوم کهن، بازی‌های محلی و ... را در مدارس خود بهطور زنده برگزار کردند.

یکی از آموزگاران علاقه‌مند و پر تلاش در این جشنواره خاتم فاطمه ملک آبادی‌زاده، آموزگار پایه ششم دبستان دکتر غفرانی شهرستان بیرون چند، بود که در خصوص فرهنگ و آداب و رسوم محلی توضیحاتی داده است که در زیر می‌خوانید.

حب الوطن من الإيمان

بیا گویم برایت نکته‌ای چند ز فرهنگ غنی و سبقت آن

ز اوضاع قدیم شهر بیرون چند ز اهل دانش پیشکسوت آن



# معلم مؤلف کتاب‌های درسی

محمد رضا محمدی

مؤلف کتاب درسی

من با توضیحاتی که به ایشان دادم قول دادند که رشته کامپیوتر در هنرستان خاتم تأسیس شود. چندی نگذشت که طبق قول آقای مهندس، امکانات مورد نیاز برای شروع به کار رشته به هنرستان نمان فرستاده شد و ما از اول مهرماه سال ۷۵ با تعداد ۱۰ هنرجو کار را شروع کردیم. از آنجا که بچه‌ها متأسفانه بدون

شروع کار تدریس من از سال ۷۴ با رفتن به استان دوردست زیبا و خاطره‌انگیز سیستان و بلوچستان و کار در هنرستان حرفه‌ای خاتم‌الانبیاء شهرستان ابرانشهر آغاز شد. در همان اولین سال خدمتم روزی گروهی از میهمانان وزارتی به همراه مرحوم مهندس علاقه‌مندان برای بازدید از امکانات و شرایط وارد هنرستان شدند.

واژه فرهنگ از دو بخش «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. «فر» به معنی شأن و شوکت و رفعت و «هنگ» از ریشه اوتستایی thang به معنی کشیدن و گسترش دادن است. بنابراین فرهنگ به معنی گسترش سطح دانش و بینش افراد می‌باشد. از این جهت کلمه فرهنگ با کلمه education به معنی تعلیم و تربیت مطابقت دارد.

با توجه به نژاد، زبان، دین، محل جغرافیایی و سطوح کمی و کیفی آموزش‌های تجربی و کلاسیک، طبعاً ویژگی‌های فرهنگی گروه‌های مختلف با هم متفاوت می‌باشد و شناخت ارزش‌ها، باورها، رفتارها و هنجارهای آن‌ها در مراسم مختلف شایان توجه است.

در این بخش به گزیده‌ای کوتاه از فرهنگ بومی و آداب و رسوم مذهبی و سنتی مردم شهرستان بیرجند پرداخته می‌شود.

در سال‌های ۷۹ تا ۸۰ شرایطی فراهم شد که من به دلیل تحصیل همسرم به تهران منتقل شدم و در هنرستان شهید آوینی منطقه ۱۳، که یک هنرستان کارشناسی در رشته کامپیوتر بود، مشغول تدریس شدم. در هنرستان شهید آوینی نیز با توجه به زمینه قبلی که از دانشگاه و تحصیل در رشته تکنولوژی آموزشی (با گرایش فنی) در دروس گرافیکی و چندرسانه‌ای داشتم به تدریس این استانداردها مشغول شدم در همین سال‌ها بود که دفتر تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای در حال نوشتن سرفصل‌های جدید رشته کامپیوتر بود. خوبی‌خانه یکی از همکاران هنرستان مرا برای نوشتن سرفصل‌های گرافیکی و چندرسانه‌ای به دفتر تألیف معرفی کرد و من با جلساتی که با کارشناسان دفتر تألیف داشتم سرفصل‌های مورد نظر را آماده کردم. این شاید اولین کاربرد حرفه‌ای دروس دانشگاهیم بود که به یک خروجی مناسب و تأثیرگذار در عرصه آموزش تبدیل شده بود. من از این بابت بسیار خوشحال و خرسند بودم. پس از اتمام تحصیل همسرم به شهر خودمان بیرون شدم و من به تدریس در رشته کامپیوتر ادامه دادم. در آن سال‌ها هنوز هم استانداردهای شاخه کارشناسی به جز منابع آزاد، دارای کتاب درسی نبود و من از تجربه سال‌های خدمت در سیستان و بلوچستان و تهران، با استفاده از منابع مختلف و گاهی اوقات نیز استفاده از Help نرم‌افزارها و ترجمه آن، اقدام به نوشتن جزو و طراحی تمرين و فعالیت‌های مهارتی مورد نیاز کلاس می‌کردم و همیشه زمان زیادی از وقتمن در خارج از هنرستان صرف به روز کردن اطلاعات و طراحی آموزشی درس‌های روزانه و حتی سال آینده می‌شد. در یکی از همین روزها، تماسی از دفتر تألیف با یکی از گرفته شد و

شرط معدل در رشته کامپیوتر ثبت‌نام شده بودند و اکثرًا دارای معدل‌های زیر ۱۴ بودند من مجبور شدم علاوه بر تدریس موظفم، بعداز ظهره را نیز در خارج از وقت اداری با بچه‌ها در هنرستان کار کنم. البته از حق نباید گذشت که خوشی‌خانه هنرجویانم بسیار به رشته و دروس کامپیوتر علاقه‌مند شده بودند و همین باعث شده بود که بعداز ظهره را با علاقه مرا همراهی کنند. در آن سال‌ها یادم می‌آید که هنوز شاخه کارشناسی در رشته‌های مختلف دارای کتاب نبود و ما مجبور بودیم براساس سرفصل سازمان فنی و حرفه‌ای و با استفاده از منابع مختلف، به هنرجویان دروس تخصصی آن‌ها را آموزش دهیم. همین امر باعث شده بود که علاوه بر مدرسه وقت بسیار زیادی از من در منزل به نوشتن جزو و تمرين‌ها و فعالیت‌های کلاسی صرف شود. خیلی از مواقع در تابستان نیز برای آماده کردن محتوای آموزشی سال آینده برنامه‌ریزی می‌کردم و جزوات درسی سال آینده را براساس سرفصل می‌نوشتم. علاوه بر این بعد از تدریس مباحث نیز بازخورده از کلاس ام می‌گرفتم و مواردی را که هنرجویان در مباحث گفته شده اشکال داشتند در روش تدریس تصحیح می‌کردم و حتی در جزوه آموزشی این تغییرات را اعمال می‌کردم. نکته جالب‌تر این بود که در پایان تدریس استاندارد، یکی از کارشناسان سازمان فنی و حرفه‌ای از هنرجویان ما آزمون می‌گرفتند که با این احوال در اولین سال تدریسیم، حدود ۹۰ درصد قبولی خردداد داشتیم. این باعث شد خستگی یک سال پر تلاش و طاقت‌فرسا از تنم خارج شود، علاوه بر اینکه خیلی از این هنرجویان نیز ادامه تحصیل دادند و از تعدادی از آن‌ها هم بعدها شنیدم که در همان هنرستان مشغول به تدریس شدند.

مشهور بوده‌اند؛ علم‌های قدیمی را به دست می‌گیرند و با عزاداری و نوحه‌سرایی، آغاز حرکت هیئت‌ها را اعلام می‌کنند. برنامه هیئت‌ها عبارت است از:

- روضه‌خوانی و نوحه‌سرایی
- دیدار با سایر هیئت‌ها
- حضور بر مزار اهل قبور، بهویژه شهداء و روحانیون
- حضور در خانه بزرگان و علمایی که به تازگی در گذشته‌اند برای عرض تسلیت و قرائت فاتحه از دیگر مراسم عزاداری، برپایی مجالس ترحیم در گذشتگان در روزهای سوم، هفتم، چهلم و سالگرد وفات آن‌هاست.

## الف: آداب و رسوم مذهبی

در باب برگزاری مجالس مذهبی مردم این دیار می‌توان از تعزیه و عزاداری آن‌هادر رمضان و ایام محرم و صفر، بهویژه تاسوعاً و عاشورای حسینی نام برد. مردم شهرستان بیرجند با توجه به علائق دینی و گرایش‌های عمیق مذهبی، در ماه‌های محرم و صفر عزاداری می‌کنند و این فرصت را برای تعظیم شعائر حسینی غنیمت می‌شمارند. هیئت‌های مذهبی در مساجد و محلات مختلف برپا می‌گردند. عصر روز ششم محرم، مراسم «علم بندان» در هیئت حسینی، که یکی از قدیمی‌ترین هیئت‌های مذهبی بیرجند به‌شمار می‌رود، برگزار می‌شود. در این مراسم تعدادی از افرادی که از قدیم به «علمدار»

مریم پورغلامی و آقایان غلامرضا مینایی، حبیب رسا و علیرضا افشار، که همکاران تألیف بندۀ بودند، تشکر ویژه‌ای داشته باشند. ضمناً در سال ۹۵ که برنامه درسی دچار تغییرات اساسی شد و برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، اساس کار تألیف کتب جدید رشته کامپیوتر قرار گرفت، من همچنان در تألیف کتاب، تولید محتوا و برنامه‌سازی افتخار همکاری با آقایان علی حیدری و محمدرضا قشوی و خانم‌ها شیوا داودزاده، لیلا داوودی ثانی، حمیرا رخ‌افروز و زهرا عسگری رکن‌آبادی را داشتم.

سال ۱۳۸۰ اولین کتاب درسی ام را با عنوان «نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای» در رشته کامپیوتر تألیف کردم و این شروع یک فعالیت و تجربه جدید در زندگی حرفه‌ای ام بود، به طوری که در طول سال‌های ۱۳۹۶ موفق شدم با تیم‌های مختلفی که در کنارم بودند اقدام به تألیف ۸ عنوان کتاب درسی کنم که عنوانین آن‌ها به شرح زیر است:

سال ۱۳۸۰ نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، محمدرضا محمدی، غلامرضا مینایی

سال ۱۳۸۲ بسته‌های نرم‌افزاری یک، محمدرضا محمدی، علی آقاکشیری، مليحه طرزی

سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ طراح امور گرافیکی با رایانه، محمدرضا محمدی، عفت قاسمی

میکس رایانه‌ای، محمدرضا محمدی، عفت قاسمی، کاربر Flash، محمدرضا محمدی، عفت قاسمی،

حبیب رسا کاربر Director، محمدرضا محمدی، عفت قاسمی

کاربر Illustrator و تولید محتوا و برنامه‌سازی اشاره کرد.

مرا برای نوشتن کتاب نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای دعوت به همکاری کردند که قبول کردم پس از اینکه یک فصل از کتاب را به صورت پیش‌نویس به دفتر فرستادم متن و قلم من مورد تأیید قرار گرفت و لذا همراه دوست عزیزم آقای مهندس مینایی در سال ۱۳۸۰ شروع به تألیف این کتاب کردیم. پس از تحقیقات اولیه و با توجه به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در یک بازه زمانی حدود یک سال و نیم، این کتاب به سرانجام رسید. این کار، با توجه به بازخوردهایی که از منابع مختلف می‌گرفتم، یک تجربه موفق بود. نکته در اینجا باید به اقدام قابل تحسین و فکرانه دفتر تألیف اشاره کنم که در نوشتن کتب جدید رشته کامپیوتر، پس از سال‌ها که از اساتید خارج آموزش و پرورش استفاده می‌شد، در تألیف سرفصل‌های جدید، از هنرآموزان رشته‌ها و با توجه به تجربه آن‌ها استفاده کرد. این اقدام خلاقانه منجر به ظهور نسل جدیدی از معلمانی شد که از آن‌ها مؤلف کتاب درسی ساخته شد.

حاصل تلاش‌های من در طول این سالیان، تألیف هشت کتاب درسی در شاخه کارداشی و فنی و حرفه‌ای رشته کامپیوتر کشور در حوزه گرافیک و چندرسانه‌ای بود که از آن میان می‌توان به کتاب‌های طراحی امور گرافیکی با رایانه، نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، بسته‌های نرم‌افزاری یک، میکس رایانه‌ای، کاربر Flash، کاربر Director، کاربر Illustrator و تولید محتوا و برنامه‌سازی اشاره کرد.

البته تمامی تألیفات فوق کار تیمی دو یا چند نفره بوده و همکاران عزیزی بندۀ را همراهی و یاری رساندند که از جمله باید از خانم‌ها عفت قاسمی، معصومه رضایی،

## ب: چاوش خوانی

چاوش خوانی رسم زیبایی است که در آن- هنگام عزیمت فرد یا افرادی به مکه مکرمه و عتبات عالیات یا بازگشت از آن- اشعاری نغز و دلنشیں توسط «چاوش خوان» خوانده می شود که دیگران نیز با وهم نوامی شوند و این حال به وجود می آیند. دسته چاوش خوان، هنگام عزیمت را اوراتا چند کیلومتر بدرقه می کنند و هنگام بازگشت به استقبال و پیشواز وی می روند.

دو بیت از اشعار معروف چاوش خوانی این است:

هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله

هر که دارد سر همراهی ما بسم الله

بر مشام می رسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

اولین نرم افزاری که با همکاری همسرم برای تدریسمن طراحی و پیاده سازی کردیم، درس افزار آموزشی در مورد مدار منطقی بود که در آن با استفاده از انیمیشن و مباحث تعاملی و جذاب توانستیم بسیاری از مفاهیم مشکل و پیچیده کتاب درسی را به شکلی جذاب و ساده تولید محتوا نماییم و همین امر شروع فعالیت جدیدی شد که حاصل آن تهیه درس افزارهای آموزشی و مذهبی - قرآنی شد که علاوه بر استفاده در آموزش، در جشنواره های مختلف تولید محتوا کترونیکی کشور نیز حائز رتبه های اول، دوم و سوم شدند. البته تمامی درس افزارها و نرم افزارهای چندرسانه ای تولید شده نیز کار تیمی بود.

**آموزش سخت افزار؛**

رتبه اول کشور در بخش نرم افزارهای آموزشی آموزش **Html**؛

رتبه دوم کشور در بخش نرم افزارهای آموزشی آدینه ظهور؛

رتبه اول نرم افزارهای مذهبی قرآنی هشت تین آفتتاب؛ رتبه اول بخش نرم افزارهای مذهبی - قرآنی چندرسانه ای حیدر؛

رتبه دوم بخش نرم افزارهای مذهبی - قرآنی آموزش **Authorware**؛

رتبه اول کشور در بخش نرم افزارهای آموزشی کلید بهشت؛

رتبه سوم نرم افزارهای مذهبی - قرآنی درس افزار طراح امور گرافیک با رایانه درس افزار نرم افزارهای چندرسانه ای

کاربر **illustrator**، محمد رضا محمدی، عفت قاسمی و سال ۱۳۹۵ تولید محتوا کترونیک و برنامه سازی، محمد رضا محمدی، علی حیدری، شیوا داود زاده، لیلا داودی ثانی، حمیرا رخافروز، زهرا عسگری رکن آبادی و محمد رضا قشونی.

نکته ای که در تألیف کتاب هایم همیشه بر روی آن تأکید داشته ام کاربردی کردن مطالب درسی در جهت مهارت آموزی هرچه بهتر هنرجویان بوده است. به همین جهت از همان ابتدا سبک نوشتمن کتب درسی ام را در شاخه کارداش و فنی و حرفه ای براساس رویکرد **PBL** یا پژوهه همچور با تأکید بر مهارت آموزی کاربردی قرار دادم.

مهم ترین دغدغه ام در نوشتمن کتاب های فوق همیشه این بود که محتوا نوشتمن شده به صورتی باشد که هنرجویان عزیز بتوانند با یادگیری مطالب کتاب، مهارتی را یاد بگیرند تا بتوانند با خروج از هنرستان جذب بازار کار شوند. ضمن اینکه تنها انگیزه ای که در طول این سال ها مرا علی رغم مشکلات فراوان به جلو هدایت می کرد این بود که فردی

مشترم باشم و اینکه کتاب درسی یک کار ملی است و تألیف و تأثیر مثبت آن می توانست فارغ التحصیلان زیادی را جذب بازار کار کرده و چرخ صنعت و اقتصاد کشور را بچرخاند. به نظر من این بزرگ ترین پاداشی است که یک مؤلف می تواند از اجر معنوی کارش از خالق یکتا بگیرد.

در تمام این سال ها همیشه در کنار تدریس، با توجه به علاقه ای که به رشته ام تکنولوژی آموزشی (با گرایش فنی) و کاربرد آن در آموزش داشتم اقدام به ساخت نرم افزارهای آموزشی مورد استفاده در تدریس می کردم و از دست ساخته های خودم در جهت تدریس کار آمدتر و پایدار تر مفاهیم درسی استفاده می کردم.

## پ: روز برات

روز چهاردهم ماه شعبان، مردم به یاد اموات خود به قبرستان‌ها می‌روند و با دادن خیرات، روح آن‌ها را شاد می‌کنند. در این روز نان‌های محلی و سنتی بین مردم تقسیم می‌شود. روز برات مانند یک میهمانی باشکوه است که در آن سفره‌های شیرینی، میوه و ... بر مدفن اموات گستردگی شود و قبرستان را به صورت یک مراسم پذیرایی بزرگ جلوه‌گر می‌سازد.

# مدیریت فرایندهای یادگیری

محمدعلی شاکری



در تهیه فهرست‌های سنجش مشاهده‌ای وقت‌گیر بودن تنظیم پوشش کار و نیز ترکیب کردن اطلاعات به دست آمده از این ابزارها به منظور تصمیم‌گیری در مورد دانش آموز به صورت دستی، از جمله عواملی بود که موجبات ایجاد نگرش منفی در بین معلمان در مورد ارزشیابی توصیفی را ایجاد نمود و باعث شد که تکمیل این دفاتر نه به منظور تصمیم‌گیری در مورد دانش آموزان بلکه جهت رفع تکلیف انجام شود. لذا آن‌ها را ابزاری ناکارامد می‌دانستند و رغبتی برای تکمیل آن‌ها نداشتند.

## اهداف

- صرفه‌جویی در وقت معلم و کیفیت بخشی به آموزش و پرورش دانش آموزان
- آشنایی معلمین با اهداف، انتظارات و سطوح عملکرد تحصیلی دانش آموزان
- ارائه گزارش‌های منظم، منسجم و هدفمند به اولیاء، مدیران و مسئولان و پیگیران برنامه در سطح مدرسه، منطقه و استان
- تجمعیه و انسجام بخشی به ثبت عملکرد تحصیلی دانش آموزان و ارائه بازخوردهای لازم
- کمک به تحلیل نتایج ارزشیابی و بهبود فرایند یاددهی - یادگیری
- بهبود فرایند نظارت و ارزیابی و ارائه بازخوردهای لازم

## اشاره

رایانه و نرم‌افزارهای کاربردی، ابزارهایی هستند تا به ما کمک کنند بتوانیم با دقت و ظرافت بهتری وظایف خود را انجام دهیم. پس از عملیاتی شدن طرح نظام ارزشیابی کیفی، کارشناسان آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی با همت و خلاقیت‌های خود برنامه‌ای تولید کرده‌اند که ثبت رویدادهای کلاس در دوره ابتدایی را برای ارزشیابی کیفی سهل تر می‌کند.

نظام ارزشیابی کیفی - توصیفی در حالی دوازدهمین سال اجرای خود را پشتسر گذاشته است که مطابق بررسی‌های میدانی و بازدیدها و پرس‌و‌جواب معلمین، علی‌رغم رضایت نسبی مجریان، ناراضیانی هم دارد. در واکاوی دلایل عدم همراهی و همگامی حداقل بخشی از آموزگاران و مجریان برنامه به مواردی همچون آمار بالای دانش آموزان در کلاس‌ها، وجود تعداد زیاد کلاس‌های چند پایه و تدریس همزمان چندین درس در یک ساعت، حجم بالای کتب درسی، تعداد زیاد فرم‌ها و اقدامات دست‌و‌پاگیر دیگر مربوط به فرایند اجرایی برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی، تهیه و تکمیل پوشش کار و خصوصاً ثبت عملکرد دانش آموزان به صورت ساعتی و روزانه، تکمیل و تنظیم دفتر فرایندهای یادگیری و گزارش‌های پیشرفت تحصیلی بیشتر خودنمایی می‌کند.

## اهمیت و ضرورت

در طول سال تحصیلی، معلم با روش‌های متنوع و ابزارهای گوناگون و انجام فعالیت‌های رسمی و غیررسمی، اطلاعات جامع و مفیدی از دانش آموزان را گردآوری می‌نماید. تصمیم‌گیری در مورد آنچه باید ثبت شود و نحوه نگهداری داده‌های تکمیل شده، به منظور فراهم نمودن زمینه کار لازم برای برداشتن قدم بعدی مسافر یادگیری در اختیار معلم است.

ابزارهایی که به این منظور برای معلم پیش‌بینی شده عبارتند از:

۱. دفتر ثبت فرایندهای کلاسی
۲. دفتر ثبت مشاهدات
۳. پوشش کار

ناکافی بودن فضای دفتر ثبت فرایندهای کلاسی، دقت و تبحر بالا

## ت: مراسم کفازنی

بزرگداشت شب چله یا بلندترین شب سال (یلدا) با دیدار دوستان و اقوام آشنايان و پذيراي های سنتي يکي از رسوم متداول در خراسان جنوبی است. يکي از آين های ويژه اين شب، برگاري مراسم «کفازنی» است. در اين مراسم، ريشه گياهي به نام چوبك (بيخ) را در آب می خيسانند و پس از چند بار جوشاندن در يک ظرف بزرگ سفالی به نام «تعار» می ريزند. آن گاه مردان و جوانان با دسته اي از چوب هاي نازك اثار به نام «دسته گز» مایع مزبور را انقدر هم می زنند تا بهصورت كف درآيد. به فرآيدن شده مقداری شکر می افزایند و آن را با مغز گرد و پسته تزئين و از ميهمانان پذيراي می کنند.



- صرفه جویی در امکانات (کاغذ، جوهر و ...) و استفاده از علم و تجهیزات هوشمند در آموزش و پرورش ابتدایی

## کارکردهای نرم افزار

در غنی سازی محظای نرم افزار سعی کردیم پنج گام مهم و اثربخش را که در ارزشیابی توصیفی موجود است لحاظ نموده و از آن بهره گیریم. در اولین قدم اهداف را با انتظارات آموزشی و نشانه های تحقق آن جهت سهولت کار معلم ارائه گردهایم تا معلم مناسب با آن به تهیه ابزار مبادرت نماید، درنتیجه گام دوم، یعنی جمع آوری اطلاعات با استفاده از ابزار، برایش هموار گردد و در ضمن نگهداری و ساماندهی اطلاعات هم آسان تر صورت گیرد. تمهید اتخاذ شده برای گام سوم، یعنی تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات را با قابلیت گزارش گیری در بازه های زمانی مختلف از عملکردهایی که ثبت نموده ایم (ترتیب اطلاعات) لحاظ نموده ایم. در ضمن در این مرحله نرم افزار قادر خواهد بود گزارش گری های متنوعی در بازه های زمانی مختلف از عملکرد دانش آموزان داشته باشد و نیز این گزارش ها به شکل چاپی به ذی نفعان (در صورت لزوم) ارائه شود. برای برداشتن قدم چهارم، یعنی تصمیم گیری درباره چگونگی بهبود یادگیری مضمون استفاده از ترکیب اطلاعات، جداولی با عنوان توصیه و راهکار تهیه شده است تا معلمان با کمک گرفتن از این جداول و ثبت اقدامات اصلاحی خود در آن، زمینه را برای آخرین و مهم ترین گام یعنی «باز خورد» آماده نمایند. بهره گیری از تمامی مراحل به آموزگاران محترم کم خواهد کرد که تصمیم درستی در مورد دانش آموز، به عنوان خروجی بالریزش در آموزش و پرورش، اتخاذ نمایند.

۱۰. تبادل اطلاعات با سیستم توصیفی و دریافت اطلاعات دانش آموزان از این سیستم و عدم نیاز به ثبت اولیه اطلاعات دانش آموزان.
۱۱. ارائه گزارش های مختلف و متنوع به اولیای دانش آموزان در بازه های زمانی مختلف، براساس، آیین نامه ارزشیابی توصیفی و غیره.
۱۲. مشخص نمودن میزان تحقق اهداف آموزشی دروس در دانش آموزان و بازیابی نقاط ضعف و قوت دانش آموز و معلم (با گرفتن گزارش های متنوع).
۱۳. امکان اسکن آزمون های مختلف دانش آموز، تهیه عکس از دست ساخته ها و فعالیت های فردی و گروهی دانش آموزان و حذف کاغذ در نرم افزار وجود دارد.
۱۴. کنترل ثبت عملکرد دانش آموزان کلاس به صورت متوازن (حداقل یک بار از هر دانش آموز در ماه).
۱۵. امکان برقراری ارتباط اینترنتی با نرم افزار، پشتیبانی برنامه با ارسال و نصب نگارش جدید، رمز و پسورد دانش آموز و اولیا و اطلاع از وضعیت عملکرد تحقیلی دانش آموز.
۱۶. کلیه فرم های موجود در دفتر فرایندهای کلاسی مثل ثبت عملکرد فرم شماره ۵، حضور و غیاب، ملاقات با اولیا، برنامه هفتگی و بودجه بندی در نرم افزار قرار دارد.
۱۷. با توجه به منابع و اطلاعات موجود در نرم افزار، مجموعه ای از راهنمای تدریس معلم در دروس و پایه های مختلف، راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی، کتب درمان اختلالات یادگیری، اهداف دروس، عملکردهای مختلف و همسو با نتایج مختلف و خلاصه دایرة المعارفی از اطلاعات مهم و ضروری به وسیله نرم افزار در اختیار معلم قرار داده شده که باعث ارتقا و آگاهی او و دیگر استفاده کنندگان می شود.

ث: مراسم درخواست باران  
در گذشته‌های نه چندان دور، وقتی باران نمی‌بارید و امید مردم به یاوس تبدیل می‌شد، در حاشیه شهر یا روستادهای باران می‌خواندند. مردم پیکرهای چوبی به شکل یک متربک به نام «تالو» می‌ساختند و آن را در کوچه‌ها می‌گرداندند و به صورت حرکت دسته‌جمعی، ترانه‌ای محلی را که نشانه استغاثه متربک (آدمک) از خداوند بود می‌خواندند.

نمونه این اشعار؛

اتالو ماتلار، ای خدا بارو کو (ای خدا باران بیار)  
با روی او شرو کو (که از ناودان‌ها آب جاری شود)  
تالوی ما تشنه شده (متربک ما تشنه شده)  
ورکوه ور پشتنه شده (از تشنگی به کوه و تپه بالا می‌رود)



# باغی پرازگل‌های رنگارنگ

زینب عباسی

آنها شود. او باید با هنر معلمی خود کاری انجام دهد که باعث لذت و استیاق دانش‌آموز نسبت به درس و کلاس شود. باید به افکار دانش‌آموزان احترام بگذارد زیرا طرز فکر کردن، احساس کردن و فهمیدن کودکان مخصوص خودشان است و آنان باید آزادانه رشد کنند. من به شغل معلمی علاقه وافر داشتم. به همین جهت این شغل را انتخاب نمودم و اکنون در این عرصه با جدیت و در حد توان تلاش می‌کنم. من کلاسم را به صورت گروهی اداره می‌کنم. اما نه به روش گروه‌بندی قالبی. برای مثال، اجازه می‌دهم دانش‌آموزان افکار و دانسته‌هایشان را بلند بر زبان آورند نه آهسته. از آنان می‌خواهم هر آنچه را از ذهنشان می‌گذرد به راحتی بیان کنند. زیرا همه ما سریع‌تر از صحبت کردن فکر می‌کنیم. بنابراین فکر از کلام جلوتر است. بایستی به افکار بچه‌ها پر و بال داد تا جرئت فکر کردن در آنان تقویت شود و مخصوصاً دانش‌آموزان خجالتی و یا دارای لکنت زبان بیشتر بتوانند ابراز وجود نمایند.

## اشاره

معلمی بیش از هر چیزی سستگی به نگرش ما به انسان، یادگیری، فضای مدرسه، تربیت و ... دارد. در گفت‌وگوهایی که با معلمان داریم، زیبایی‌هایی می‌بینیم که در جاهای دیگر کمتر شاهد آن هستیم. معلمانی که با جان و دل کار می‌کنند و رضایت دانش‌آموزان، والدین و مسئولان آموش‌وپرورش بهترین پاداشی است که هر معلمی دریافت می‌کند. در ادامه با نمونه‌هایی از تجارب یک معلم نمونه کشواری از استان خراسان جنوبی آشنا می‌شویم.

کلاس درس شبیه باغی است پرازگل‌های رنگارنگ، و هر یک با شکل و رنگ و بوی خاص خود. این گل‌های رنگارنگ همان شاگردان کلاس‌اند، دارای اخلاق، افکار و اندیشه‌های متفاوت. لذا اینجا معلم است که بایستی نقش باگبان را به خوبی ایفا نماید و با شناخت تک‌تک دانش‌آموزان و کمک گرفتن از اولیای آنان ارتباطی بجا و صمیمی با بچه‌ها برقرار نماید و دوست و همراه و همیاری

## ج: مراسم خواستگاری

از دیگر مراسم‌های عروسی به خواستگاری است. در خواستگاری زنی از نزدیکان داماد به خانه عروس می‌رفته و مکالماتی بین او و خانواده عروس رد و بدل می‌شده است. این رسم امروزه تقریباً منسوخ شده است. بخشی از مکالمات خواستگاری: در خانه عروس کوبیده می‌شود، مادر دختر از داخل منزل می‌گوید: کنه کنه در می‌زنه (چه کسی است در می‌زند؟). زن می‌گوید: در واکنی، بُر شما حنا بیاردم (در را باز کنید، برای شما حنا آورده‌ام) و ...

و همراه با «خط بُر» تحويل آن‌ها می‌دهم و از فرآیند می‌خواهم حتی الامکان هر جلسه با وضو به مدرسه بیایند. یک شیشه عطر کوچک حرم همیشه توی کیفم دارم که قبل از شروع قرآن بچه‌ها را با آن خوشبو می‌کنم. در مورد سایر دروس نیز از مکان‌هایی همچون حیاط مدرسه، راهرو و سالن اجتماعات و در صورت مجوز گرفتن بازدیدها و گردش‌های خارج از مدرسه ترتیب می‌دهم و در تدریس مواردی همچون اشکال هندسی، دانش‌آموzan را به کف، دیوار و سقف کلاس توجه می‌دهم و در حیاط مدرسه نیز با کشیدن شکل‌های هندسی با گچ و ... کار را دنبال می‌کنم. برای آموزش مفاهیم کلیدی و مهم، در برخی موارد کلاس را کم نور، و یا تاریک، نموده و با چراغ قوه به تصاویر و مفاهیم مهم تدریس نور می‌تابانم و تدریس را دنبال می‌نمایم.

در ریاضی، برای تدریس اعداد زوج و فرد، از روش توب کاغذی و نوشتن اعداد زوج و فرد بر روی برگه‌های کاغذی و پخش کردن بین دانش‌آموzan به روش‌های مختلف استفاده می‌کنم. هر دانش‌آموز توب کاغذی خود را باز می‌کند و عدد را می‌خواند و بقیه در دفتر یادداشت خود می‌نویسند و این کار تا آخرین دانش‌آموز ادامه می‌یابد. در پایان دانش‌آموzan در دفاتر خود اعداد زوج و فرد را جدا کرده و مشخص می‌نمایند و هر دانش‌آموزی که بیشترین اعداد زوج یا فرد را مشخص نمود و خواند به عنوان برنده انتخاب می‌شود.

برای آموزش الگویابی، از حیاط مدرسه یا کف کلاس استفاده می‌کنم، بچه‌ها مفاهیم شمارش رو به جلو عقب را با طراحی خانه به خانه یاد می‌گیرند و از این طریق به معنا و مفهوم الگو آشنا می‌شوند.

در نهایت به لطف حق، تاکنون نتیجه تلاش‌های اینجانب، معلم نمونه استان شدن در سال ۱۳۸۹، فرهیخته ادبستان شدن در سال ۱۳۹۱، شرکت فعال در پژوهش و تحقیق و داشتن پائزده مقاله علمی با رتبه‌های اول و دوم کشوری و استانی و همچنین داشتن سی مقاله با کسب رتبه‌های برتر بوده است. علاوه بر این موارد در جشنواره الگوهای برتر تدریس نیز رتبه‌های استانی و کشوری کسب کرده‌ام. ضمناً کسب عنوان «معلم نمونه کشوری» در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ از افتخارات دیگر اینجانب است.

معلم در عین حال که دوست و همراه دانش‌آموzan است باید قاطعیت و اقتدار خود را نیز حفظ کند. من خود برای اینکه در کلاس موفق باشم و تدریس مناسب و موفقیت‌آمیزی داشته باشم نخست اقتدار خود را اعمال و سپس تدریس را شروع می‌نمایم، چون می‌دانم در غیر این صورت بدون شک کیفیت تدریس ام کاهش می‌یابد و کارایی مناسب را نخواهد داشت.

نکته دیگر حرمت نهادن به دانش‌آموzan است، و آن این است که قبل از هر چیز دانش‌آموzan را با مسائل کلاس و توجه به تدریس آشنا می‌کنم و هرگونه رفتار ناشایست آن‌ها را زیر نظر می‌گیرم و به آنان تذکر می‌دهم. لازم به ذکر است «نقش الگویی معلم» بیشترین اثر را در تشبیث رفتار و شخصیت فرآیند دارد، لذا من مسائلی همچون نظم، بهداشت، نحوه لباس پوشیدن، باز کردن و در دست گرفتن کتاب و دفتر و مداد، تراشیدن مداد و دهها مورد دیگر را سعی می‌کنم خودم به نحو احسن عمل نمایم تا دانش‌آموzan نیز رعایت نمایند. به تغذیه دانش‌آموzan اهمیت فراوانی می‌دهم و در هماهنگی با اولیای دانش‌آموzan عزیز از آن‌ها می‌خواهم تغذیه مناسب همراه بچه‌ها کنند و با نظارت من در زنگ‌های تفريح صرف نمایند.

اگر بخواهم تدریس را به چیزی تشبيه کنم می‌گویم تدریس مثل بالا رفتن از کوه است. برای انجام این کار اولین گام آماده شدن و سپس تهیه وسایل و امکانات لازم برای کوهنوردی است. اگر کوهنورد یکی از وسایل ضروری را فراموش کند قطعاً صعود موفقیت‌آمیزی نخواهد داشت. همان‌طور که یک کوهنورد موفق باید کاردان و آشنا با اصول کوهنوردی باشد، معلم هم باید در تدریس همین گونه باشد. او باید در امر تدریس آمادگی در مرحله اول، تهیه وسایل کمک‌آموزشی و طرح درس در مرحله بعد، و آماده نمودن کلاس و تدریس در مرحله سوم را مورد نظر داشته باشد.

من سعی می‌کنم با توجه به جو کلاس و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی دانش‌آموzan تدریس خود را به محیط و اطراف ارتباط دهم. برای تدریس قرآن ارزش خاصی قائلم؛ به این صورت که قبل از جشن قرآن با همکاری معاون آموزشی مدرسه به تک‌نگ بچه‌ها آموزش وضو می‌دهم. پس از برگزاری جشن قرآن نیز کتاب‌ها را تزئین شده

برای آشنایی بیشتر با آداب و رسوم خراسان جنوبی، به بخشی از لالایی‌ها، دوبیتی‌ها، موسیقی محلی و بازی‌های بومی محلی، غذاها و شیرینی‌های سنتی و نوع پوشش مردم در گذشته به اختصار اشاره می‌شود:

لالایی:

درخت سیب و زرداًلو  
تسلای دلم باشی  
گلم هیچ وقت نشی بیمار

الا لا کل آلو

الا لا گلم باشی

الا لا گلم بیدار



گزارش

زینب وکیل

معلم علوم منطقه ۱۱ تهران

و پس از همه این‌ها همت بگمارد و آستین بالا  
بزنده و سعی در رفع نیازهای او کند؟ فیلسوفان  
اخلاق سالیان زیاد مشغول جواب دادن به این  
قبيل پرسش‌ها هستند اما من در سفری که به  
یک مدرسه ۹ کلاسه در شهرستان طبس مسینا،  
در خراسان جنوبی داشتم، یک نمونه ویژه از

اگر بخواهیم یک تعریف کلی از اخلاق بدھیم،  
شاید بتوانیم بگوییم در جایی که «دیگری» در  
برابر «من» خودش قد علم می‌کند و پرنگ  
می‌شود به اخلاقی شدن نزدیک شده‌ایم. چطور  
می‌شود که انسانی بتواند شخص دیگری را ببیند،  
احساسات او را بفهمد و از نیازهای او باخبر شود

**موسیقی محلی:** موسیقی محلی خراسان جنوبی از سبقه‌های طولانی و قدیمی برخوردار است. ویژگی موسیقی محلی در حرکات ریتمیک و نمایشی است. چوب بازی یکی از هنرهای محلی است. سازهای محلی عبارت‌انداز: دهل، سرنا (ساز)، دایره و نی که معمولاً توسط خود نوازنده‌گان ساخته می‌شود.

مدرسه، یکی از دانش‌آموزان پایهٔ یازدهم رشتهٔ تجربی، همراه ما می‌شود و از تمام لحظات بازدید ما عکاسی می‌کند. با او وارد صحبت می‌شوم. درس زیست را بسیار دوست دارد و کار غده‌ها در بدن برای او جالب است. می‌گوید برای کنکور باید از الان تست بزنم، در سال گذشته مدرسهٔ برای کل کلاس دو کتاب تست زیست خردیاری کردم که به نوبت بین بچه‌ها دست به دست می‌شد. بچه‌ها حواس‌شان بود که کتاب را زیاد پیش خود نگه ندارند و طبق قرار گذاشته شده به مدرسهٔ برگردانند. می‌گوید این دانش‌آموزان که اکثراً به خانواده‌های عشایری تعلق دارند و به خوبی به اشتراک گذاشتن لوازم را باید گرفته‌اند. همهٔ چیز را برای همهٔ می‌خواهند و شاید کمتر خبری از خودخواهی در بین آن‌ها باشد. سپس اضافه می‌کند: امسال هنوز مدرسهٔ نتوانسته است برای پایهٔ یازدهم کتابی تهیه کند.

در آخرین لحظات حضور ما در مدرسهٔ سؤالی مدام گوشش ذهنم رُزه می‌رود. حلیمه «دیگری» را بر خود ترجیح داد و علی‌رغم انتخابش به رشتهٔ نظری نرفت، اما مسئولیتش در برابر خودش چه می‌شود؟ حلیمه اگر به رشتهٔ دیگری می‌رفت قرار بود چه اتفاقی بیفتد؟ کمی بیشتر ریاضی بخواند؟ از روز بدن انسان سر در بیاورد؟ یا به سمت دنیای سیاست برود؟ با خود فکر می‌کنم شاید در نهایت فرق چندانی وجود ندارد. حالا او ریاضی را به کار گرفته است و الگو می‌کشد. به خوبی با هم کلاسی‌های خود گرم می‌گیرد و با آدمهای غریبه ارتباط برقرار می‌کند. خیال روزی را در سر می‌پرورانم که این دو خواهر با هم یک کارگاه خیاطی بزرگ در شهرستان خود زده‌اند. حلیمه مدیریت خیاطی را بر عهده دارد و خواهر طرح‌های نابی می‌کشد و آوازهٔ خیاطی‌های آن‌ها به شهرهای مجاور می‌رسد و مجبور می‌شوند روز به روز تعداد خیاطان کارگاه را بیشتر کنند. حلیمه بردباز است و این بردبازی او را بیش از هر چیز توانا کرده است.

ترجیح دیگری بر خود را دیدم.

در بین شاگردان کلاس طراحی دوخت دو خواهر پانزده ساله‌اند که از قضای روزگار یکی از این دو خواهر ناشنواست. پدر به خواهر دیگر، به اسم حلیمه، سفارش کرده است که در هر جا که می‌رود حواسش به خواهرش باشد و یادش باشد که هر دو باید با هم پیشرفت کنند. وارد کلاس می‌شویم، برق مدرسهٔ چند روزی است که دچار مشکل شده و قطع است. هوای مدرسهٔ سرد است اما آفتاب خوبی در کلاس افتاده است. دانش‌آموزان با کاپشن و کت که روی روپوش‌های خود پوشیده‌اند پشت میزهای مستطیلی بزرگ و سراسری نشسته‌اند. جلوی هر کدام از بچه‌ها یک الگوی خیاطی پر از عدد و خط قرار دارد. مدیر مدرسهٔ ما را به دانش‌آموزان معرفی می‌کند. در گوشة کلاس حلیمه با زبان اشارهٔ خواهر خود را در جریان ورود ما قرار می‌دهد. حلیمه که به راستی نامش برازندهٔ شکیبایی اوست با بردبازی تمام در همهٔ کلاس‌ها حرف معلم و شاگردان را برای خواهر خود با زبان اشارهٔ بازگو می‌کند. خواهرش نیز در طراحی بسیار تواناست و یک قسمت از دیوار کلاس را طراحی‌های او پوشانده است. روپوش‌های امسال دانش‌آموزان مدرسهٔ توسط شاگردان این کلاس دوخته شده است. اشتراک این روپوش‌ها در رنگ سرمه‌ای آن‌هاست. روی هر روپوش دوخته‌ایی متناسب با بدن هر دانش‌آموز به کار رفته است که نشان از ذوق و توجه خیاط بالستعداد دارد. یکدستی کارهای سری‌دوزی در این روپوش‌ها مشهود نیست. این مدرسهٔ هم دارای رشته‌های نظری و هم فنی و حرفه‌ای است. راهروی مدرسهٔ پر است از آثاری که دانش‌آموزان ساخته‌اند، از جمله لباس‌های مهمانی و انواع بافتی‌ها. هم‌چنین، اشیائی با استفاده از مواد بازیافتی، مانند پادری و... درست شده است. دانش‌آموزان به راحتی کار خود را تبلیغ می‌کنند و به فروش می‌رسانند. این را هم باید می‌گفتم که به محض ورود ما به

### بازی‌های بومی محلی

از بازی‌های متدالوک که در این منطقه طرفداران خاصی دارد و مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان گله بازی، تسله (تیله) بازی، بجول بازی، چوب بازی، هفت‌سنگ، کوتش خرابه، هُش‌هُش، دستمال بازی و ... را نام برد.

## کلاس‌های چندپایه

فرزانه نوراللهی

چندپایه برای این کار و مسئولیت خطیر، یعنی زندگی کردن با دانش‌آموزان، آموزش خاصی نمی‌بینند و از طرف بخش و مسئولی در آموزش و پرورش هم مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. این خود معلمان چندپایه هستند که با تلاش، انگیزه و خلاقیت به خلق و آفرینش کلاس موفق می‌بردازند.

کلاس‌های موفق چندپایه‌ای که در نقاط مختلف کشور پهناوران مشاهده کردیم از جنبه‌های زیر، به لحاظ معلم، مورد توجه بودند:

- ◆ پژوهش‌مدار؛ کلاس آقای هادی در روستای ایرج‌آباد کاشمر خراسان رضوی.

- ◆ تلفیق محتوا و پایه؛ کلاس خانم حیدری در هاشم آباد اصفهان
- ◆ طراحی بازی‌های متنوع برای آموزش درس‌ها؛ کلاس آقای خالدی در روستای چهل آسیاب: اشنویه آذربایجان غربی.
- ◆ مدیریت کلاس با برنامه‌ریزی و فضاسازی دقیق؛ کلاس آقای خالدی در روستای چهل آسیاب: اشنویه آذربایجان غربی.



در بازدید از استان خراسان جنوبی، از یک کلاس چندپایه با مدیریت و آموزش آقای عبدالغفار جانی، آقای احمد شریفی، معلم و راهبر آموزشی، بازدید داشتیم. این کلاس ترکیبی از دانش‌آموزان عادی، دیرآموز و مسئله‌دار بود؛ و معلوم است که کار معلم را در آموزش تا چه حد دشوار می‌کرد. در مجموع، آنچه به عنوان پیام جدی این بازدید به دست می‌آید، همان پیام تکراری و قدیمی است که:

«معلمان و کلاس‌های چندپایه را دریابیم و مورد توجه ویژه قرار دهیم»

معمولًاً کلاس‌های چندپایه در روستاهای کوچکی تشکیل می‌شود که همه اهالی آن با هم فامیل هستند. می‌دانیم که وقتی تعداد دانش‌آموز برای هر پایه به حد نصاب لازم نمی‌رسد، همه دانش‌آموزان مدرسه در یک کلاس و با یک معلم به یادگیری درس‌های خود ادامه می‌دهند.

کلاس‌های چندپایه غالباً کمتر از ۱۵ نفر دانش‌آموز دارند. نمونه‌هایی که ما مشاهده کردیم به طور متوسط بین ۸ تا ۱۰ دانش‌آموز داشته است. بنابراین کلاس چندپایه در توصیف به مانند خانواده‌ای پرجمعیت است که پدر و مادر کودکانی قدونیمقد و پشت سر هم دارند و ناچارند، به لحاظ تربیتی، برای اینکه امور جاری زندگی خود را با کمترین مسئله و چالشی پیش ببرند، با دادن مسئولیت به فرزندان بزرگ‌تر و ایجاد روحیه مشارکت بین فرزندان، جمعیت زیاد فرزندان خود را از یک تهدید به فرست تبدیل کرده و از این شرایط برای تربیت سالم‌تر فرزندان خود استفاده کنند.

کلاس چندپایه می‌تواند همچون یک خانواده صمیمی پرجمعیت باشد، با فضایی آرام و پر از تجربه‌های خوب زندگی که زیست می‌کند و بارور می‌شود. با این توصیف معلم کلاس چندپایه، در درجه اول به مثابه مادر یا پدر دانش‌آموزان تلقی می‌شود که زندگی کردن و خوب زندگی کردن با آن‌ها را مقدم بر آموزش کتاب‌های درسی می‌داند و برای این بخش مهم، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند. متأسفانه، تجربی که ما از بازدید مدارس و کلاس‌های

چندپایه در نقاط مختلف کشورمان به دست آورده‌ایم حاکی از آن است که معقولاً معلم‌های

## غذاها و شیرینی‌های محلی

غذاهای محلی که اغلب از مواد در دسترس و متناسب با شرایط آب و هوایی درست می‌شود عبارت‌اند از: اشکنه عدس، قروت، بنه، سابری، اشکنه آلو، اشکنه گوجه، کشک زرد، آش رشته، خرما برسته و ...

# کشوری در کلاس

حسن رضا ترابی

بیرجند

صحت کردم. سپس جدولی را که از قبل طراحی کرده بودم و در آن اطلاعاتی را درباره افغانستان از دانش آموزان خواسته بودم در اختیارشان قرار دادم تا تکمیل کنند. همچنین چند نمونه از صنایع دستی افغانستان را که قبلاً تهیه کرده بودم به بچه‌ها نشان دادم تا با صنایع دستی این کشور همسایه آشنا شوند.

بعد از آن از یک گروه از بچه‌ها خواستم برای جلسه بعد درباره اتفاقات اخیر افغانستان تحقیق کنند و آن را بنویسند. از گروه بعدی خواستم با یک افغان مصاحبه‌ای انجام دهند و نتیجه را به کلاس بیاورند و برای هم‌کلاسی‌های ایشان گزارش دهند. به گروه سوم گفتم نقشه کشور افغانستان را ترسیم کنند و به کلاس بیاورند تا روی تابلوی کلاس نصب کنیم و بالاخره از گروه چهارم خواستم تا مطالب درس را در یک جدول بزرگ خلاصه کنند.

در پایان، خاطراتی را که از مدرسه افغانی‌ها داشتم برای بچه‌ها تعریف کردم و از آن‌ها خواستم برای سلامتی کودکان افغان و نجات کامل کشورشان از چنگ بیگانگان دعا کنند و با ختم صلوات، کلاس پایان یافت. از آن به بعد شاگردانم با دیدن من می‌گفتند: آقا هیچ وقت درس کشوری که به کلاس آورده‌ایم از یادمان نمی‌رود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. اردوگاه افغانی: نام روستایی بود از توابع شهرستان سربیشه در مرز افغانستان که افغان‌ها موقتاً در آنجا ساکن بودند و بعدها به کشورشان برگشتند.

در سال‌های اولیه خدمتم که در اردوگاه افغانه<sup>۱</sup> به تدریس دانش آموزان افغان اشتغال داشتم در این فکر بودم که چگونه می‌توانم روش‌های نوین تدریس را که در دوران تربیت‌علم خوانده‌ام در کلاس‌های درسی اجرا کنم. من در طول هفته‌ها و ماه‌های اولین سال‌های تحصیلی، با لهجه، زبان، آداب و رسوم مردم افغان آشنا شدم و تجربیاتی را کسب کرده بودم تا اینکه گذشت و از اردوگاه افغانه به مدرسه‌ای در یک روستا منتقل شدم. روزی که قرار بود درس «افغانستان» را از کتاب جغرافی پنجم تدریس کنم. فرست خوبی بود تا بتوانم یکی از الگوهای نوین تدریس را با استفاده از مشاهدات و تجربه‌هایم در اردوگاه افغانه در کلاس به اجرا در بیاورم.

در روز موعود لباس افغانی پوشیدم، پرچم افغانستان را به دست گرفتم و همراه خود چند نمونه از دست‌ساخته‌های دانش آموزانم را، که از آن سال‌ها نگهداشته بودم، با خودم به کلاس بردم. البته قبل از تصاویری از مردم و شهرهای کشور افغانستان را به دیوار کلاس نصب کرده بودم، و حالا، همزمان با ورودم به کلاس، نوار سرودهای افغانی را هم پخش کردم. دانش آموزان که غالباً شده بودند، مرتب کف می‌زدند و شادی می‌کردند و سرود را با نوار هم‌خوانی می‌کردند. شور و شعف در آن‌ها نمایان بود. بعد از آرام شدن کلاس و ایجاد انگیزه در آن‌ها به تدریس درس افغانستان پرداختم.

در تدریس از پازل، فیلم، کره، نقشه و تصاویر هم استفاده کردم و با لهجه افغانی برای بچه‌ها

### پوشش و لباس

لباس و پوشاك مورد استفاده مردم در گذشته کلاه نمدی، منديل، کلاه دوره‌دار، لباده، عرقچین، گردن پیچ یالنگوته، مج‌پیچ، گیوه، جلیقه و... برای آقایان و چارقد، دستمال، روپند، کلوته، پیراهن، دالاق، عرقچین و... برای خانم‌ها بود.

## شوکتیه مروارید شرق

محمد رضا قاسمی

علم ارتباطات، دکتر مهدی بلای مود، استاد سمسنایی، دکتر علی اکبر بهرمان دندان پزشک، مرتضی حسین پورفرد، استاد پرستاری، دکتر اسدالله آزاد استاد کتابداری، دکتر جمال رضایی زبان‌شناس و دکتر محمدحسن راشد محصل استاد گیاه‌شناسی را می‌توان نام برد. در سایه این اهتمام شایسته به دانش و فرهنگ بوده که این سرزمن، در طی تاریخ معاصر خود، همواره پرورش دهنده نیروهای متخصص در حوزه‌های گوناگون علمی، فنی، مدیریتی، پزشکی، دانشگاهی، هنری و... بوده است و فرزندان آن در عداد خوشنام‌ترین پرکارترین نیروهای انسانی کشور قرار دارند. هم‌اکنون از هر ۵ نفر جمعیت بیرون آمدنند که از آن جمله دکتر غلامحسین شکوهی اولین وزیر آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی و چهره ماندگار تعلیم و تربیت دکتر محمد حسن گنجی پدر علم جغرافیا، دکتر غلامرضا رضوانی، استاد تاریخ، دکتر کاظم معتمد نژاد، استاد

مدرسه شوکتیه ۱۰۸ سال پیش (۱۲۶۹ ش) به همت امیر اسماعیل خان علم، معروف به شوکت‌الملک، حاکم وقت منطقه قائنات و با حمایت برخی علمای روشن ضمیر بیرون از جمله آیة‌الله هادوی مجتهد بر جسته تأسیس شد. این مدرسه مادر فرهنگ جدید در شرق کشور (خراسان و سیستان و بلوچستان) است.

از قبل تأسیس همین مدرسه بود که بیرون از شهر کوچکی در حاشیه کویر بود، توانست قبیل از حتی شهرهای بزرگ کشور در آن زمان، دست‌اندرکار تعلیم و تربیت فرزندان ایران زمین شود.

برکات این شجره طیبه سال‌های بعد نمودار شد. زیرا مردان بزرگ از این مدرسه بیرون آمدند که از آن جمله دکتر غلامحسین شکوهی اولین وزیر آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی و چهره ماندگار تعلیم و تربیت دکتر محمد حسن گنجی پدر علم جغرافیا، دکتر غلامرضا رضوانی، استاد تاریخ، دکتر کاظم معتمد نژاد، استاد



الگوهای فعال تدریس - الگوی قرآن استقراری

ପ୍ରକାଶନ  
ବିଭାଗ

کوچه‌سازی برای مددگار

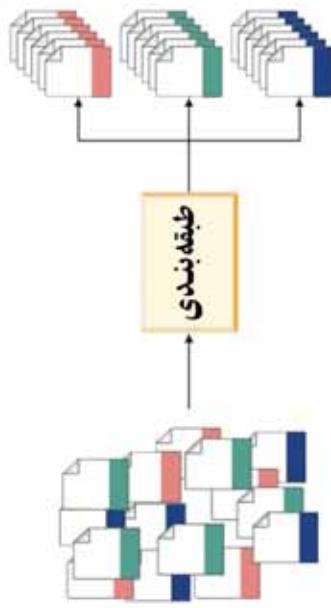
دسترسی به این مطالبات

گروهی‌سازی این مطالبات در ملکهای کی اعطا شوند

نمایشگاه مدنظر

تفسیر مطالب

ગુરૂ પટેલ



استنباط  
(نحوه کسری)

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی برگزار می کند  
فراخوان دومین دوره خاطره های معلمی رشد

# جشن خاطره های



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان بازوهای و برنامه های آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

هر معلم اگر تجربه های زیسته معلمی خود را بتواند، می تواند راهنمای دیگر معلمان در حل مسائل و مشکلات تربیتی و آموزشی دانش آموزان را بشناسد.  
سی سال معلمی، سی سال تجربه و هر سال یک خاطره.  
اولین دوره جشن خاطره ها، در حالی برگزار شد که چهارصد خاطره از معلمان سراسر کشور به دیرخانه جشن خاطره ها رسیده بود و اینک آغازگر دومین جشن خاطره ها هستیم.  
در خاطره های ارسالی فضای معلمی باید نقش محوری داشته باشد، بدین معنا که خاطره بیش از هر کس برای یک «معلم» قابل تصور باشد. موضوعاتی که شما همکاران عزیز (معلمان، مدیران، معاونان، مشاوران و مربیان مدارس) می توانید در خاطرات خود مد نظر داشته باشید عبارت اند از:

## گاه شمار

- آخرین مهلت ارسال: ۳۱ خردادماه ۱۳۹۷
- انتخاب و داوری آثار: مردادماه ۱۳۹۷
- اعلام نتیجه: مهرماه ۱۳۹۷

## جوایز برگزیدگان

- پنج نفر اول هر یک جایزه نقدی، لوح تقدیر و تدریس جشن خاطره ها؛
- پنج نفر دوم هر یک جایزه نقدی، لوح تقدیر؛
- پنج نفر سوم هر یک جایزه نقدی، لوح تقدیر.

رویدادهای کلاس؛

تأثیرات تدریس شما بر زندگی روزمره خودتان؛

تأثیرات زندگی روزمره شما بر شیوه تدریس و ارتباطات شما؛

رویدادها و فضای ارتباطی بین همکاران در مدرسه و نیز بین شما و آنها؛

رویدادها و فضای اداری و سازمانی؛

رویدادها و فضای ارتباط با والدین؛

رویدادها و فضای جغرافیایی و اقلیمی محل تدریس و مدیریت.

تذکرات ۱. خاطره های ارسالی باید در هیچ کتاب، مجله و رسانه مکتوبی جاب و بخش شده باشد. ۲. هر خاطره حداقل ۲۰۰۰ کلمه باشد. ۳. آثار فقط در قالب فایل word در فایل Nazanin آنالاین ۱۶ در فرم الکترونیکی ارسال شوند. ۴. پیش از ارسال آن، مطمن شود سخن های ویرایش شده آن را برای سایه ارسال می کند، زیرا پس از ارسال امکان جایگزینی آن وجود نخواهد داشت. ۵. نگارش صحیح و سلامت تر در این ابزارهای داوران تأثیر جدی خواهد داشت. ۶. عداوری آثار بر اساس نکات و مواردی است که در فایل های آموزشی در کتابال نگاری، به شناسی اینکه این اثر را برگزینند و باید برگزینند. ۷. ارسال کننده باید برگزینند مخصوصات و تاییدیه فراخوان و ابه مطور ارسال نماید. ۸. هر نفر می تواند تنها یک اثر در جشن خاطرات معلمی رشته شرکت کند. ۹. خاطره های منتخب در مجله های بزرگ سال رشد عمومی و تخصصی و در کتاب «خاطره ها» به نام صاحب اثر جای می شود. ۱۰. تمام خاطره های رسیده در ۲ مرحله انتخاب، پیش از خاطره های معرفت شده برای داوری تهیی انتخاب می شود. ب مرحله انتخاب، خاطره های مرحله دوم امتیازگذاری می شود و درنهایت، خاطره های برگزیده به دیرخانه جشن خاطره ها اعلام می شود. ۱۱. پس از اتمام مهلت، ارسال خاطره در فرم الکترونیکی امکان پذیر نخواهد بود. ۱۲. ارسال از به معنای پذیرش همه مقررات جشنواره از سوی فرستنده است و تضمیم گیری در مورد مسائل پیش بینی شده به عهده برگزیده کننده خواهد بود. ۱۳. خاطره های رسیده به نویسنده گان عودت نمی شود.